





مرکز تدوین آثار هبر شهید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی به آثاری از استاد شهید

جلد چهارم

۱۳۹۷

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: نگاهی به آثاری از استاد شهید، ۴؛

عنوان فرعی: چند نبشته در مورد آثار استاد شهید؛

پدیدآور: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

حروف نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

سال چاپ: ۱۳۹۷ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل؛ افغانستان؛

یادداشت: این اثر، مجموعه مقالات و سخنرانی‌هایی است که در چهارمین محفل رونمایی

برخی از آثار رهبر شهید به خوانش گرفته شده بود؛

موضوع: زندگی‌نامه؛

طراح جلد و برگ‌آرایی: عصمت‌الله احراری؛

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه؛

شمار برگه‌ها: ۱۶۰؛

قطع: رقعی؛

بها: ۱۵۰ افغانی؛

چاپ‌خانه: بهیر؛



نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛

آدرس ایمیل: sh.rabbani1390@gmail.com

حق چاپ برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست عناوین

۱۱	مقدمه.....
	سخنرانی محترم ویس احمد برمک، وزیر امور داخله و رئیس کمیسیون برگزاری
۳۵	هفته شهید.....
	سخنرانی محترم داکتر عبدالله عبدالله، رئیس اجراییه جمهوری اسلامی
۴۳	افغانستان.....
۵۳	سخنرانی محترم عبدالهادی ارغندیوال، رئیس حزب اسلامی افغانستان.....
۶۱	نگاهی به اثر کاروان حرم، نوشته دکتور سیدابراهیم حکمت.....
۹۹	تحلیل و ارزیابی جلد سوم پیغام رهبر، عبدالعلی کوهی/ استاد دانشگاه کابل.....
۱۰۹	استاد ربانی فقید در آیینۀ دریافت من، گیتی سادات.....
۱۱۷	ویژگی های خط رهبر، عبدالبشیر فکرت، استاد دانشگاه کابل.....
	جمع بندی محفل، عبدالشکور واقف «حکیمی» عضو شورای رهبری و سخنگوی
۱۳۵	جمعیت اسلامی افغانستان.....
۱۴۷	دعائیه مولوی صاحب گل احمد احمدی، استاد دانشگاه.....
۱۵۱	رویکردها.....

مقدمه

چنان‌که پیش از این گفتیم: افغانستان در شامگاه ۲۹ سنبله ۱۳۹۰ شاهد شهادت مردی بود که یک عمر برای آزادی و آرام‌زیستن آن مُبارزه کرد، راهروان استاد به حمدالله که - پس از شهادتِ او - دست به زنج شیون و زاری نگذاشتند؛ بلکه کارهایی را در مسیر بالندگی راه و اندیشهٔ استاد برداشتند، که یکی از کارهای ارزشمند و ماندگاری که در این باب شد، این بود که مرکزی برای تدوین آثار رهبر شهید، توسط صلاح‌الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر خارجهٔ کشور ایجاد شد؛ تا اندیشه‌های بلندِ او را چنان‌که شایستهٔ اوست عرضه کند.

الحمد لله که این کار شد و در مدّت هفت سالی که گذشت، این مرکز توانست، «۳۲» اثری را که یا از اوست و یا در بارهٔ اوست، تقدیم دوستداران اندیشه‌های پاک و بلند او کند.

البته گفتنی است که از میان این «۳۲» اثر شش اثر آن، کار امسال ماست، که در ذیل ۲۶ اثر دیگر معرفی خواهند شد؛ اما همین اثری را که شما در دست دارید، محصول چهارمین همایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید است که در آن، آثاری از استاد شهید رحمة الله علیه، توسط استادان و فرهیختگان به معرفی گرفته شده بود، که اینک ما آن سخنان و نوشته‌ها را پس از ویرایش و تحشیه تحت عنوان: «نگاهی به آثاری از استاد شهید» جلد چهارم، به خدمت‌تان قرار می‌دهیم.

نگاه کوتاه به «۳۲» اثر چاپ شده:

۱- آموختنی‌های در مسیر انقلاب اسلامی؛ این اثر حاوی مطالب ذیل است:

- مسئولیت دعوت در حرکت؛
 - دعوت در داخل تنظیم؛
 - مشکلات در راه دعوت؛
 - برخورد با مشکلات؛
 - دعوت و فعالیت پیگیر؛
 - ضرورت‌ها و صفات اولی یک مسلمان مبارز؛
 - نیازمندی‌های عقلی و نفسی؛
 - صفات اخلاقی و سلوکی؛
 - سلوک ضروری در جریان پخش تیوری؛
 - طبیعت و خواص دعوت اسلامی؛
 - لزوم برنامه‌ریزی در جهت پیروزی هدف و آرمان.
- ۲- چه نوع مُبارزه؟ این اثر - نیز - حاوی مطالب ذیل است:
- آشنایی به مفهوم مُبارزه؛
 - خلوص نیت در مُبارزه؛
 - هوشیاری در مُبارزه؛
 - استقامت در مُبارزه.

۳- محمد } نخستین مربی و آموزگار بشریت؛ این اثر حاوی مطالب ذیل

است:

- محمد } نخستین مربی و آموزگار بشریت؛
 - ابوبکر ~ یارِ راستین پیامبر { ؛
 - عمر ~ دومین فرزند مکتب دوران‌ساز و حیات‌آفرین اسلام؛
 - عثمان ~ فداکار سنگر پرافتخار ایمان؛
 - علی ~ گرانمایه‌ترین شاگرد مکتب اسلام و نخستین فدایی راه حق.
- ۴- سکوت وحشتناک؛ این اثر - نیز - مطالب ذیل را در خود دارد:
- سکوت وحشتناک در برابر فاجعه خونین ملت مُسْتَضْعَفِ افغان؛

- پیام به مردم مسلمان افغانستان؛
- داستان حلّ سیاسی.
- ۵- استقلالیت انقلاب؛ این اثر حاوی مطالب ذیل است:
 - اراده مستقل؛ گوهر انسانیت است؛
 - هشدار از فرصت طلبان و مزدوران؛
 - نمونه‌های از فرصت طلبی‌ها در تاریخ جهان اسلام؛
 - وابستگی؛ آفت انقلاب‌ها؛
 - جهاد در افغانستان؛
 - امریکا و جهاد افغانستان؛
 - موقف سازمان‌های اسلامی، از جهاد افغانستان؛
 - رهبر تراشی بیگانگان؛
 - انقلاب ما نیازی به کفیل ندارد؛
 - پیامدهای ناگوار وابستگی؛
 - وابستگی سیاسی.
- ۶- خط رهبر جلد اول؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۹۰ رهبر شهید؛ حاوی
خطابه‌های ذیل است:
 - سخنرانی در اجلاس بیداری اسلامی؛
 - سخنرانی در معینیت امور جوانان؛
 - سخنرانی در کنگره مقدماتی جمعیت اسلامی افغانستان؛
 - سخنرانی در اکادمی علوم افغانستان؛
 - سخنرانی در شورای علمای افغانستان؛
 - سخنرانی در دهمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور؛
 - سخنرانی در مراسم فاتحه خوانی شهید عبدالرحمن سیدخیلی؛
 - سخنرانی در مراسم تشییع جنازه شهید جنرال محمد داود داود و شاه جهان نوری؛
 - سخنرانی به مناسبت درگذشت آیت الله تقدسی؛
 - سخنرانی در مراسم سوگواری احمدولی کرزی؛

- سخنرانی در جمع مهاجرین افغان در آلمان.
- ۷- خط رهبر جلد دوم؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۹ رهبر شهید، حاوی خطابه‌های ذیل است:
 - سخنرانی در مورد تحولات خاورمیانه؛
 - سخنرانی به مناسبت اخراج روس‌ها از افغانستان؛
 - سخنرانی در ولسوالی جرم ولایت بدخشان؛
 - سخنرانی در میان اعضای جمعیت اسلامی افغانستان؛
 - سخنرانی در همایشی تجلیل از هفتمین سالگرد قانون اساسی؛
 - سخنرانی در نهمین سالگشت شهادت قهرمان ملی احمدشاه مسعود؛
 - سخنرانی در اولین سالگشت شهادت داکتر عبدالله لغمانی؛
 - سخنرانی در ولایت هرات؛
 - سخنرانی در مهمانی نخست‌وزیر پاکستان؛
 - سخنرانی در همایش نقش علمای دینی در توحید امت؛
 - سخنرانی در همایش مقدماتی جمعیت اسلامی؛
 - سخنرانی در سالگشت وفات امام خمینی؛
 - سخنرانی در جرگه صلح؛
 - سخنرانی در افتتاح سرک ولایت بدخشان؛
 - سخنرانی در میان مردم تخار؛
 - سخنرانی در اجلاسی در شورای علمای افغانستان؛
 - سخنرانی در همایشی در جامعه مدنی؛
 - سخنرانی در محفلی در ولایت کابل؛
 - سخنرانی در ولسوالی یفتل پایان ولایت بدخشان؛
 - سخنرانی در ولایت خوست؛
 - سخنرانی در ولایت ننگرهار.
- ۸- خط رهبر جلد سوم؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۸ رهبر شهید؛ حاوی خطابه‌های ذیل است:
 - سخنرانی رهبر شهید در مراسم بزرگداشت از امام جعفر صادق ~ ؛

- سخنرانی رهبر شهید در مراسم بزرگداشت از روز عاشورا؛
- سخنرانی رهبر شهید در مراسم فاتحه یکی از قومندانان جهادی ولایت لغمان؛
- سخنرانی رهبر شهید در افتتاحیه مسجدی در بازارک ولایت پنجشیر؛
- سخنرانی رهبر شهید به مناسبت سالگشت شهید سید مصطفی کاظمی؛
- سخنرانی رهبر شهید در همایش فراغت حافظان قرآن کریم؛
- سخنرانی رهبر شهید به مناسبت افتتاح یکی از مؤسسات تحصیلات عالی کشور؛
- سخنرانی رهبر شهید در همایش انتخاباتی داکتر عبدالله؛
- سخنرانی رهبر شهید در افتتاح معهد الأثر.
- ۹- خط رهبر جلد چهارم؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۷ رهبر شهید؛ حاوی خطابه‌های ذیل است:
- سخنرانی در کنفرانس اعلام مواضع جمعیت؛
- سخنرانی در شهرستان نهرین ولایت بغلان؛
- سخنرانی در کنفرانس مجمع ملی جوانان افغانستان؛
- سخنرانی در همایش هفتمین سالروز شهادت قهرمان ملی؛
- سخنرانی در دومین اجلاس اخوت اسلامی، با میزبانی ...؛
- سخنرانی در مراسم افتتاح مسجد حضرت بلال ~ ؛
- سخنرانی در همایش سالگشت شهدای پانزدهم عقرب بغلان..؛
- سخنرانی به مناسبت سالگرد شهادت عبدالحی حقجو آمر عمومی جمعیت اسلامی افغانستان در ولایت بغلان؛
- سخنرانی در کنفرانس بین‌المللی اخوت اسلامی افغانستان..؛
- سخنرانی به مناسبت روز عاشورا، در مسجد محمدیه؛
- سخنرانی به مناسبت روز عاشورا؛ در مسجد عیدگاه؛
- سخنرانی در مراسم یادبود عاشورای حسینی؛
- سخنرانی به مناسبت فراغت دانشجویان دانشکده شرعیات ..؛
- سخنرانی در گردهمایی جوانان جمعیت اسلامی افغانستان؛

- سخنرانی به مناسبت بزرگداشت از قیام سوم حوت ۱۳۵۸ هـ ش؛
- سخنرانی به مناسبت میلاد خجسته رسول آزادی { } ؛
- سخنرانی در میان مردم ننگرهار؛
- ۱۰- خط رهبر جلد پنجم؛ مجموعه سخنرانی های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ خورشیدی
- رهبر شهید که در دو بخش تنظیم گردیده است، حاوی این خطابه‌هاست:

بخش نخست:

- خطابه‌های ۱۳۸۶ هـ ش، رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربانی
- در همایش اعلان جبهه ملی؛
- در همایش تجلیل از؛ ۲۲ حمل؛ سالروز آغاز جهاد مسلحانه در ولایت بدخشان؛
- در جلسه افتتاحی جرگه امن؛
- در همایشی به مناسبت تجلیل از ششمین سالگشت شهادت قهرمان ملی؛
- در همایشی از شورای اخوت اسلامی؛
- در همایش بزرگداشت از شهادت سید مصطفی کاظمی؛
- در همایش بزرگداشت از شهدای حادثه بغلان.

بخش دوم:

- خطابه‌های ۱۳۸۵ هـ ش، رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربانی
- در همایشی به مناسبت تجلیل از سال نو؛
- د ثور اتمه په مناسبت؛
- در همایش تقدیر از برندگان دوّمین مسابقه شعر و ادب مسعود؛
- در همایشی به مناسبت نخستین سالگرد وفات مرحوم محمدامین ناصریار؛
- در مراسم فاتحه استاد توانا و مولوی محمدیونس خالص؛
- در همایش پنجمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود؛
- به مناسبت تجلیل از نزول قرآن کریم؛

- در همایش فارغ التحصیلان دانشکده شرعیات دانشگاه کابل.
۱۱- خط رهبر جلد ششم، مجموع سخنرانی های ۱۳۸۴، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۳ رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربانی که در سه بخش تنظیم گردیده، حاوی این خطابه هاست:

بخش نخست:

خطابه های ۱۳۸۴ هـ ش، رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربانی
- در همایش بزرگداشت از میلاد پیامبر اسلام ﷺ ؛
- در همایش گرامیداشت از حماسه سوّم حوت.

بخش دوّم:

خطابه های ۱۳۸۳ هـ ش، رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربانی
- در اجتماع ضرورت سازماندهی مجدّد و اعلام مواضع جدید جمعیت؛
- در مجلس گرامیداشت از دوّمین سالگرد شهادت الحاج عبدالقدیر؛
- در همایش گرامیداشت از سوّمین سالروز شهادت احمدشاه مسعود؛
- در همایشی به مناسبت اعلام موضع جمعیت در قبال انتخابات؛
- در همایش مشورتی مجمع عمومی متخصصان افغانستان؛
- در همایش بزرگداشت از دهه نزول قرآن کریم؛
- در دیدار با نمایندگان مردم بدخشان؛
- در همایش بزرگداشت از عاشورا و سوّم حوت؛
- در همایش بزرگداشت از روز جهانی زن.

بخش سوّم:

خطابه های ۱۳۸۲ هـ ش، رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربانی
- در روز نخست سال نو بر سر مرقد سپه سالار شهید؛
- در میان والیان ولایات کشور؛
- در جمعی از نمایندگان ولایت باستانی غزنی در لویه جرگه؛

- در همایش شورای مردم ولایت کابل؛
- در جمعی از شهروندان کابل؛
- در جمعی از علمای کشور؛
- بررسی اولیت‌ها در قانون اساسی آینده؛
- در محفل یادبود از سالروز شهادت غفورزی؛
- در مراسم تجلیل از دومین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور؛
- در همایشی به مناسبت دومین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور؛
- در محفل ختم قرآن عظیم الشان؛
- در محفل تجلیل از شکست نیروهای شوروی در افغانستان؛
- به مناسبت دومین سالگشت شهادت فرمانده عبدالحق.
- ۱۲ - همگام خورشید، چند نبشته در مورد رهبر شهید؛ این اثر حاوی مطالب ذیل است:
- استاد برهان‌الدین ربانی؛ متفکر و دعوتگر سترگ قرن بیست؛
- ریشه‌های فکری استاد و نقش او در معرفی نهضت اسلامی افغانستان؛
- از یادها و خاطره‌های رهبر شهید جهاد، مقاومت و صلح بردباری و دگرپذیری؛
- استاد ربانی فراتر از جمعیت؛
- شکوه جنگل؛ درنگی بر کارنامه شهید استاد ربانی؛
- نظر کوتاه و گذرا بر ابعاد شخصیت شهید صلح استاد برهان‌الدین ربانی؛
- جلوه‌ای از تازگی‌های دانش دینی رهبر شهید G ؛
- استاد ربانی شهید رهبر مبارزات و محور تحولات؛
- شکوه عاطفه؛
- مبارزه او دعوت د ارواح بناد استاد ربانی له نظره؛
- روسانو سره د شهید استاد ربانی د سولی د مذاکراتو لښدیز؛
- یادواره؛
- استاد ربانی و نیم‌قرن مبارزه؛
- سیاست خارجی دولت استاد ربانی، ۱۳۷۱ - ۱۳۸۰ هـ.ش؛

- اخیراً ربانی کیست و ربانیت چیست؟.
- ۱۳- قیام توفنده در قلب کشور؛ در اصل سخنرانی است، در مورد قیام سوم حوت که در سال ۱۳۵۷ هـ ش، در کابل به راه انداخته شده بود؛
- ۱۴- یادی از دو شهید؛ این اثر حاوی مطالب ذیل است:
 - فصل نخست
 - یادی از استاد غلام محمد نیازی شهید؛
 - درآمد
 - فعالیت های تعلیمی؛
 - فعالیت های اداری؛
 - فعالیت های سیاسی؛
 - فصل دوم
 - پیغام شهید؛
 - یادی از انجینیر حبیب الرحمن شهید؛ نخستین منشی جمعیت اسلامی افغانستان؛
 - ۱۵- پیغام رهبر جلد اول؛ مجموعه پیام های رهبر شهید، حاوی مطالب ذیل است:
 - خطاب به مجاهدین سربکف جمعیت؛
 - خطاب به دانشجویان مسلمان؛
 - پیام نوروزی؛
 - پیام های عیدی؛
 - به مناسبت عید سعید فطر، تاریخ اول شوال المکرم ۱۴۰۱ هجری قمری؛
 - به مناسبت عید سعید اضحی؛
 - به مناسبت حلول عید سعید فطر، تاریخ: اول المکرم ۱۴۰۲ هـ ق؛
 - به مناسبت عید سعید فطر؛
 - به مناسبت ششمین سالگرد قیام افتخارآفرین؛
 - در پیوند به حق خود ارادیت ملت مظلوم آذربایجان و تاجیکستان؛
 - به مناسبت هفتمین سالگرد شهادت قهرمان ملی و هفته شهید؛

- به مناسبت وفات امام خمینی؛ رهبر انقلاب اسلامی ایران؛
- ۱۶- پیام رهبر جلد دوم؛ مجموعه پیام‌های رهبر شهید است که در سال‌های متفاوتی تحریر یافته‌اند که گردگردآوری شده که شامل این پیام‌هاست:

پیام‌های آزادی (۸ ثور و ۲۴ حوت):

- به مناسبتِ هشتم ثور؛ هجدهمین سالروز پیروزی مجاهدین؛
- به مناسبتِ هشتم ثور؛ هفدهمین سالروز پیروزی مجاهدین؛
- به مناسبتِ قیام ۲۴ حوت.

پیام مضانی:

- به مناسبتِ فرارسیدن ماه مبارک رمضان.

پیام‌های عیدی:

- به مناسبتِ فرارسیدن عید سعید فطر؛
- به مناسبتِ فرارسیدن عید قربان؛
- به مناسبتِ عید سعید فطر؛
- به مناسبتِ عید سعید قربان.

پیام‌های همدردی:

- به مناسبتِ شهادت جنرال محمد داود داود و جنرال شاه جهان نوری؛
- به مناسبتِ شهادت احمد ولی کرزی؛ رئیس شورای ولایتی کندهار؛
- به مناسبتِ شهادت مولانا عبدالرحمن سیّد خیلی؛ فرمانده پولیس ولایت کندز؛

- پیام تسلیت؛ به مناسبتِ حادثهٔ المناک توفان و برف کوچ سالنگ؛
- به مناسبتِ وفات ظاهر جان؛ یکی از فرماندهان سابق جمعیت اسلامی افغانستان؛

- به مناسبتِ وفات استاد غلام سرور همایون؛

- به مناسبتِ درگذشتِ ملا نقیب‌الله آخندزاده؛
- پیام تسلیت به مناسبتِ وفات پدر آقای احمدی‌نژاد رئیس‌جمهوری اسلامی ایران؛
- پیام همدردی با مردم غزه، عنوانی پروفیسور نجم‌الدین اربکان رهبر حزب سعادت ترکیه؛
- به مناسبتِ فاجعهٔ لندن؛
- به مناسبتِ شهادت میرویس صادق؛ وزیر هوانوردی و فاجعهٔ اخیر هرات؛
- به مناسبتِ درگذشتِ دکتر عبدالحی الهی؛
- به مناسبتِ سوّمین سالگرد وفات دگر جنرال سمیع‌الله قومندان فرقهٔ کنرها؛
- پیام همدردی به مناسبتِ زلزله‌ای در ایران؛
- پیام تعزیت پروفیسور برهان‌الدین ربانی، به رئیس‌شورای نظار؛ انجنیر احمدشاه مسعود، به مناسبتِ کربلای سرطان؛
- به مناسبتِ شهادت استاد فیض‌الرحمن فیض.

پیام‌های متفرقه:

- به مناسبتِ همایش جوانان حزب سعادت ترکیه در شهر ازمیر آن کشور؛
- پیام رئیس‌جمهور دولت اسلامی افغانستان؛ عنوانی صدراعظم پاکستان.
- ۱۷- در رهبر پیغام؛ مجموعه پیام‌های رهبر شهید به زبان پشتوست که شامل این پیام‌هاست:
- د نیکمرغه لوی اختر په مناسبت؛
- دکمکی اختر په مناسبت؛
- د لوی اختر په مناسبت؛
- د دیوبند دارالعلوم دیوسلو پنخوسمی کالیزی په مناسبت.
- ۱۸- پیغام رهبر جلد سوّم که به مناسبت‌های مختلف، در سال‌های مختلف توسط رهبر شهید، نگاشته شده‌اند، شامل این پیام‌هاست:
- ۱- پیام‌های همدردی:
- به مناسبتِ شهادت غم‌انگیز نخبگان نهضت اسلامی؛

- به مناسبتِ شهادتِ بزرگ‌مردِ عالی‌مقام، شیخ عبدالله عزام؛
- به مناسبتِ شهادتِ قهرمانِ ملی کشور؛
- به مناسبتِ شهادتِ معلمِ نیک‌محمد.

۲- پیام‌های پیروزی:

- به مناسبتِ فتوحاتِ مزار شریف، سمنگان و سایر مناطق کشور؛
- به مناسبتِ فتحِ زیباک و اشکاشم، عنوانی برادر سید نجم‌الدین واثق.

۳- پیام‌های عیدی:

- به مناسبتِ حلولِ عید سعید قربان؛
- به مناسبتِ حلولِ عید سعید فطر؛
- به مناسبتِ عید سعید فطر؛
- به مناسبتِ عید سعید فطر.

۴- پیام‌های متفرقه:

- خطاب به علما، فرماندهان و بزرگان حوزه‌های انتخاباتی؛
 - به مناسبتِ آغاز نشراتِ جریدهٔ مجاهد در کابل؛
 - به رئیس‌کنفرانس کشورهای اسلامی.
- ۱۹- نگاهی به آثاری از استاد شهید جلد اول، شامل این نوشته‌ها و خطابه‌هاست:

- سخنرانی دکتور سیدمخدوم رهین؛
- سخنرانی داکتر عبدالله عبدالله؛
- سخنرانی استاد محمد محقق؛
- نگاهی به همگام خورشید؛
- در حاشیهٔ آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی؛
- سخنرانی میر آقا حق‌جو؛
- نگاهی به کتاب چه نوع مبارزه؟؛
- سخنرانی مولوی کمال‌الدین حامد؛
- بازتاب اندیشه‌های استاد، در کتاب خط رهبر جلد اول؛
- نگاهی به خط رهبر جلد دوم؛

- نگاهی به خط رهبر جلد سوّم؛
- تأملی بر اثر «سکوت وحشتناک»؛
- نگاهی به قیام توفنده در قلب کشور؛
- د «محمّد } نخستین مربی و آموزگار بشریت» اثر ته یوه لنده کتنه؛
- نگاهی به جنبه‌های ادبی آثار استاد شهید؛
- قلم و زبان رهبر؛
- سخنرانی صلاح‌الدین ربانی؛
- دعایه مولوی کفایت‌الله.
- ۲۰- نگاهی به آثاری از استاد شهید جلد دوّم؛ شامل این نبشته‌ها و خطابه‌هاست:
- سخنرانی محترم عبدالهادی ارغندیوال؛ رئیس حزب اسلامی افغانستان و وزیر پیشین اقتصاد؛
- سخنرانی محمّدیونس قانونی؛ معاون پیشین ریاست جمهوری؛
- چهره‌نگاری بنیان‌گذار نهضت؛ استاد شاداب؛
- نگاهی به رساله‌یادی از دو شهید؛ عبدالوهاب عمار؛
- استاد نویسنده.. دکتور محی‌الدین مهدی؛
- نگاهی به پیغام رهبر، جلد اوّل.. حجة‌الاسلام سیّد هادی هادی؛
- نگاهی به خط رهبر، جلد چهارم؛ سیده مژگان مصطفوی؛
- نگاهی به خط رهبر، جلد چهارم؛ عبدالوهاب عمار؛
- سخنرانی صلاح‌الدین ربانی؛ رئیس جمعیت اسلامی و وزیر امور خارجه؛
- دعایه مولوی شفیع‌الله نورستانی.
- ۲۱- نگاهی به آثاری از استاد شهید جلد سوّم که لای دست‌های شماست، حاوی این نبشته‌ها و سخنرانی‌هاست:
- سخنرانی محترم عبدالشکور واقف حکیمی؛
- سخنرانی دکتور محمّد‌دویب الشریف مصری به عربی، همراه با ترجمه فارسی؛
- سخنرانی محترم دکتور عنایت‌الله خلیل هدف؛

- سخنرانی محترم استاد نجیب فهیم، نگاهی به خط رهبر جلد پنجم؛
- نیم نگاهی به کتاب خط رهبر جلد پنجم؛
- مقام شهید استاد ربانی؛ در عرصه علم، جهاد و مقاومت، سیاست و صلح؛
- د شهید استاد د پنځم تلین په مناسبت، د هغه څلورو پیغامونو ته یوه کتنه؛
- نگاهی به پیغام رهبر، جلد دوم؛
- شهید استاد ربانی؛ نیم قرن مبارزه و تلاش؛
- دمی با استاد سخن، فضلی آماج؛
- اختتامیه و دعائیه، مولوی حبیب الله حسام.
- ۲۲- معالم فی الکفاح، ترجمه چه نوع مبارزه؟ به زبان عربی است که حاوی مطالب ذیل است:
- کلمة فضيلة الدكتور محمد دويب الشريف، رئيس البعثة الأزهرية، بأفغانستان، في حفل تخريج الكتاب؛
- تقديم الأستاذ الدكتور عنایتالله خليل هدف الأستاذ الجامعي ومن أصحاب المرشد الشهيد؛
- من هو برهانالدين رباني؟ به قلم مترجم؛
- مدخل؛
- التَّعَرُّفُ عَلَى مَفْهُومِ الْكِفَاحِ؛
- إِخْلَاصُ النِّيَّةِ فِي الْكِفَاحِ؛
- الْفِرَاسَةُ فِي الْكِفَاحِ؛
- الاستقامة في الكفاح.
- ۲۳- سخنانی از: مرشد روشن ضمیر، گزیده ای از سخنان رهبر شهید است که به مناسبت های مختلف گفته و نوشته اند.
- ۲۴- «فرو مُرد قندیل محراب ها» مجموعه مقالاتی در مورد رهبر شهید است، که شامل این مقاله ها می شود:
- به جای درآمد؛
- استاد، دعوتگر مبارز و نستوه و سیاست مدار دورنگر / پوهندوی استاد عنایت الله شاداب؛

- استاد پیش از آب موزه نمی‌کشید / پوهندوی استاد عنایت‌الله شاداب؛
- توجّه رهبر شهید به امر تعلیم و تربیه در دوران جهاد و هجرت / مرحوم استاد محمّد نسیم فقیری رحمه الله؛
- ناگفته‌هایی از استاد / همنوا؛
- مرد بزرگ، با مواقف بزرگ / دکتر عنایت‌الله خلیل هدف؛
- فرو مُرد قندیل محراب‌ها / وحید مژده؛
- در مشهد عشق، جز نکور را نکشند! / وحید مژده؛
- نقش استاد ربانی در صلح تاجیکستان / دکتر شمس‌الحق آریانفر؛
- استثناءات شخصیت و کارنامه رهبر بزرگ جهاد و مُقاومت / دکتر شمس‌الحق آریانفر؛
- یادی از زندگی شهید استاد برهان‌الدین ربانی .. / سیّد محمّد خیرخوا؛
- رهبر در یک نگاه / عبدالحی خراسانی؛
- استاد شهید، از روشنگری و دعوت، تا بیدارگری / پوهندوی جلال فرهیخته؛
- یادی از شهید صلح و هم‌قطاران / پوهاند نعمت‌الله شهرانی؛
- به یاد پیر خرد منطقه .. / عبدالقیوم ملک‌زاد؛
- ای سفرکرده‌ای که صد قافله دل همراه توست! / عبدالقیوم ملک‌زاد؛
- توجّه استاد شهید، به امور فرهنگ و تعلیم و تربیت / ثمرالدین ثامر؛
- شهید برهان‌الدین ربانی؛ نماد جهاد و صلح / سیّد هادی خسروشاهی؛
- سالنگ‌ها؛ یک روز با رهبر شهید / سیّد آقا حسین سانچارکی؛
- مهاجرت رهبر شهید، از زبان خودش / حامد علمی؛
- شهادت استاد ربانی؛ نماد جنایت‌پیشگی تروریسم / عبدالمعین شاهد؛
- یک‌سال پس از شهادتِ پروفیسور برهان‌الدین ربانی / دکتر صاحب‌نظر مرادی؛
- استاد ربانی، و روزهای تلخ و دشوارِ حیاتِ سیاسی / محمّد اکرام اندیشمند؛
- شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی؛ یکی از مصلحان جهان و رهبر جهاد و مُقاومت در افغانستان / عبدالعلی کوهی؛
- پروفیسور شهید استاد ربانی؛ صدای آزادی دیروز، امروز و فردای افغانستان

/ پوهنوال عبدالعلی کوهی؛

- پروفیسور برهان الدین ربانی؛ فرزانه مرد نیک اندیش و تاریخ ساز / ضیاء الحق
مهرنوش؛

- صلح؛ آرزوی استاد شهید / سیّد احسان الدین طاهری؛

- خاطره‌ای از رهبر آموزگار / دلاور نسیمی؛

- استاد شهید؛ به نقش جوانان در پیشبرد انقلاب اسلامی به خوبی آگاه بود /
نذرالله عنایت؛

- استاد ربانی؛ در محراق تحولات سیاسی افغانستان / عزیزاحمد بارز؛

- جایگاه اجتماعی و سیاسی استاد شهید و انگیزه‌های گزینش آن برای اعاده
صلح در افغانستان / رحم‌الدین طیب؛

- تلبوری از جلوه‌هایی شخصیت شهید استاد ربانی / عبدالحفیظ همام.؛.

- ای کاش می‌گرفت، به جای تو، دستِ مرگ، جان تمام قوم و تمام قبیله را /
فوزیه کوفی؛

- بر نمی‌گردد... / داکتر جمрад جمشید؛

- رهبر شهید، نابغه نا تکرار / انجنیر فریدون فرهنگ؛

- به یاد استاد شهید / عبدالحق امیری؛

- استاد شهید W مرا به فراگیری درس تشویق کرد / نظام‌الدین حکمتیار
مدقق؛

- استاد! از لبخندهای تان عکس گرفتم / صدیقی لعلزاد؛

- استاد، در حدیث بزرگان و نویسندگان / خیرالله خیرخواه.

۲۵- کاروان حرم، مجموعه نبشته‌هایی از رهبر شهید پروفیسور برهان الدین
ربانی است که شامل مطالب ذیل می‌گردد:

- درآمد؛

- کاروان حرم؛

- آزادی از دیدگاه اسلام؛

- اسلام و نیازمندی بشریت به آن در عصر راکت؛

- زندگی سعادت‌مند در سایه ارشادات اسلام؛

- اسلام در راه مُبارزه با خرافات؛
 - تربیۀ طفل از نظر اسلام؛
 - وظیفه از نظر اسلام؛
 - قربانی در راه خدا عالی‌ترین صحنۀ آزمون؛
 - هدف و مرام؛
 - عقل و فکر در دین اسلام؛
 - رابطه میان عقل و دین؛
 - کدام یک؛ انسجام ملی یا اتحاد اسلامی؟ یا هر دو؟
 - درسی از مکتب صیام؛
 - رمضان ماه خودسازی و دگرگونی؛
 - سرانجام حق پیروز می‌شود؛
 - به پیشگاه آیین ابدیت؛
 - بزرگ‌ترین اعجاز تاریخ؛
 - به یادبود مصلح اعظم.
- ۲۶- «نیم‌قرن مُبارزه» مجموعه سخنرانی‌های سمیناری است که در مورد شخصیت و جایگاه رهبری استاد شهید گردآوری شده است، که شامل این چهار بخش اساسی:
- دهۀ دموکراسی و تشکیل نهضت اسلامی؛
 - جهاد مردم افغانستان، دولت اسلامی و مُقاومت ملی؛
 - نخستین انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در افغانستان، یک پدیده نو و یک پدیده میمون؛
 - صلح.
- ۲۷- «کاروان حرم» عنوان کتابی است از مجموعه مقالات حضرت استاد شهید، که شامل هژده مقاله بوده، که هر کدام قراز ذیل است:
- کاروان حرم؛
 - آزادی از دیدگاه اسلام؛
 - اسلام و نیازمندی بشریت به آن در عصر راکت؛

- زندگی سعادت‌مند در سایهٔ ارشادات اسلام؛
 - اسلام در راه مبارزه با خرافات؛
 - تربیهٔ طفل از نظر اسلام؛
 - وظیفه از نظر اسلام؛
 - قربانی در راه خدا عالی‌ترین صحنهٔ آزمون؛
 - هدف و مرام؛
 - عقل و فکر در دین اسلام؛
 - رابطه میان عقل و دین؛
 - کدام یک؛ انسجام ملی یا اتحاد اسلامی؟ یا هر دو؟
 - درسی از مکتب صیام؛
 - رمضان ماه خودسازی و دگرگونی؛
 - سرانجام حق پیروز می‌شود؛
 - به پیشگاه آیین ابدیت؛
 - بزرگ‌ترین اعجاز تاریخ؛
 - به یادبود مصلح اعظم.
- ۲۸- «خط رهبر جلد ششم» عبارت است از: مجموعه سخنرانی‌های حضرت استاد شهید (۱۳۸۲-۱۳۸۴):
- بخش نخست:** «خطابه‌های ۱۳۸۴ هـ.ش»
- در همایش بزرگداشت از میلاد پیامبر اسلام Y؛
 - در همایش گرامیداشت از حماسهٔ سوّم حوت.
- بخش دوّم:** «خطابه‌های ۱۳۸۳ هـ.ش»
- در اجتماع ضرورت سازماندهی مجدّد و اعلام مواضع جدید جمعیت؛
 - در مجلس گرامیداشت از دوّمین سالگرد شهادت الحاج عبدالقدیر؛
 - در همایش گرامیداشت از سوّمین سالروز شهادت احمدشاه مسعود؛
 - در همایشی به مناسبت اعلام موضع جمعیت در قبال انتخابات؛
 - در همایش مشورتی مجمع عمومی متخصصان افغانستان؛
 - در همایش بزرگداشت از دههٔ نزول قرآن کریم؛

- در دیدار با نمایندگان مردم بدخشان؛
 - در همایش بزرگداشت از عاشورا و سوّم حوت؛
 - در همایش بزرگداشت از روز جهانی زن.
 - بخش سوّم: «خطابه‌های ۱۳۸۲ هـ.ش»**
 - در روز نخست سال نو بر سر مرقد سپه‌سالار شهید؛
 - در میان والیان ولایات کشور؛
 - در جمعی از نمایندگان ولایت باستانی غزنی در لویه جرگه؛
 - در همایش شورای مردم ولایت کابل؛
 - در جمعی از شهروندان کابل؛
 - در جمعی از علمای کشور؛
 - بررسی اولیت‌ها در قانون اساسی آینده؛
 - در محفل یادبود از سالروز شهادت غفورزی؛
 - در مراسم تجلیل از دوّمین سالروز شهادت قهرمان ملیّ کشور؛
 - در همایشی به مناسبتِ دوّمین سالروز شهادت قهرمان ملیّ کشور؛
 - در محفل ختم قرآن عظیم الشان؛
 - در محفل تجلیل از شکست نیروهای شوروی در افغانستان؛
 - به مناسبتِ دوّمین سالگشت شهادت فرمانده عبدالحق.
- ۲۹- پیغام رهبر جلد سوّم، پیام‌های از استاد شهیدانند، که در مناسبت‌های مختلف ابلاغ کردند و هریک قرار ذیل است:
- ۱- پیام‌های همدردی**
- به مناسبتِ شهادت غم‌انگیز نخبگان نهضت اسلامی؛
 - به مناسبتِ شهادت بزرگ‌مرد عالی‌مقام، شیخ عبدالله عزام؛
 - به مناسبتِ شهادت قهرمان ملیّ کشور؛
 - به مناسبتِ شهادت معلم نیک‌محمد.
- ۲- پیام‌های پیروزی**
- به مناسبتِ فتوحات مزار شریف، سمنگان و سایر مناطق کشور؛

- به مناسبت فتح زیباک و اشکاشم، عنوانی برادر سیّد نجم الدین واثق.

۳- پیام‌های عیدی

- به مناسبت حلول عید سعید قربان؛

- به مناسبت حلول عید سعید فطر؛

- به مناسبت عید سعید فطر؛

- به مناسبت عید سعید فطر.

۴- پیام‌های متفرقه

- خطاب به علما، فرماندهان و بزرگان حوزه‌های انتخاباتی؛

- به مناسبت آغاز نشرات جریده مجاهد در کابل؛

- به رئیس کنفرانس کشورهای اسلامی.

۳۰- فرومرد قنديل محراب‌ها، مجموعه مقالات اند که دانشمندان این خطه در مورد حضرت استاد شهید نگاشتند، که اینان اند:

- استاد: دعوتگر مبارز و نستوه و سیاست‌مدار دورنگر / پوهندوی استاد
عنایت‌الله شاداب؛

- استاد پیش از آب موزه نمی‌کشید / پوهندوی استاد عنایت‌الله شاداب؛

- توجّه رهبر شهید به: امر تعلیم و تربیه در دوران جهاد و هجرت / محمدنسیم
فقیری؛

- ناگفته‌هایی از استاد / همنوا؛

- مرد بزرگ، با مواقف بزرگ / دکتور عنایت‌الله خلیل هدف؛

- فرومرد قنديل محراب‌ها / وحید مژده؛

- در مشهد عشق، جز نکور را نکشند! / وحید مژده؛

- نقش استاد ربانی در صلح تاجیکستان / دکتور شمس الحق آریانفر؛

- استثناءات شخصیت و کارنامه رهبر بزرگ جهاد و مقاومت / دکتور
شمس الحق آریانفر؛

- یادی از زندگی شهید استاد برهان الدین ربانی.. / سیّد محمد خیرخواه؛

- رهبر در یک نگاه / عبدالحی خراسانی؛

- استاد شهید، از روشنگری و دعوت، تا بیدارگری / پوهندوی جلال فرهیخته؛

- یادی از شهید صلح و هم‌قطاران / پوهاند نعمت‌الله شهرانی؛
- به‌یاد پیر خرد منطقه.. / عبدالقیوم ملک‌زاد؛
- ای سفرکرده‌ای که صد قافله دل همراه توست! / عبدالقیوم ملک‌زاد؛
- توجه استاد شهید؛ به امور فرهنگ و تعلیم و تربیت / ثمرالدین ثامر؛
- شهید برهان‌الدین ربانی؛ نماد جهاد و صلح / سیدهادی خسروشاهی؛
- سالنگ‌ها؛ یک روز با رهبر شهید / سیدآقا حسین سانچارکی؛
- مهاجرت رهبر شهید، از زبان خودش / حامد علمی؛
- شهادت استاد ربانی؛ نماد جنایت‌پیشگی تروریزم / عبدالمعین شاهد
- یک‌سال پس از شهادتِ پروفیسور برهان‌الدین ربانی / دکتور صاحب‌نظر
- مرادی؛
- استاد ربانی، و روزهای تلخ و دشوارِ حیاتِ سیاسی / محمداکرام اندیشمند؛
- شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی؛ یکی از مصلحان جهان و رهبر جهاد و
- مقاومت در افغانستان / عبدالعلی کوهی؛
- پروفیسور شهید استاد ربانی؛ صدای آزادی دیروز، امروز و فردای افغانستان
- / پوهنوال عبدالعلی کوهی؛
- پروفیسور برهان‌الدین ربانی؛ فرزانه‌مرد نیک‌اندیش و تاریخ‌ساز / ضیاء‌الحق
- مهرنوش؛
- صلح؛ آرزوی استاد شهید / سید احسان‌الدین طاهری؛
- خاطره‌ای از رهبر آموزگار / دلاور نسیمی؛
- استاد شهید؛ به نقش جوانان در پیشبرد انقلاب اسلامی به خوبی آگاه بود /
- نذرالله عنایت؛
- استاد ربانی؛ در محراق تحولاتِ سیاسی افغانستان / عزیزاحمد بارز؛
- جایگاه اجتماعی و سیاسی استاد شهید و انگیزه‌های گزینش آن برای اعاده
- صلح در افغانستان / رحم‌الدین طیب؛
- تبلوری از جلوه‌هایی شخصیت شهید استاد ربانی / عبدالحفیظ همام؛
- ای کاش می‌گرفت به‌جای تو دست مرگ؛ جان تمام قوم و تمام قبیله را /
- فوزیه کوفی؛

- بر نمی‌گردد... / داکتر جمراد جمشید؛
- رهبر شهید، نابغه ناکرار / انجنیر فریدون فرهنگ؛
- به یاد استاد شهید / عبدالحق امیری؛
- استاد شهید W مرا به فراگیری درس تشویق کرد / نظام‌الدین حکمتیار مدقق؛

- استاد! از لبخندهای تان عکس گرفتم / صدیقی لعلزاد؛

- استاد، در حدیث بزرگان و نویسندگان / خیرالله خیرخواه.

۳۱- نیم قرن مبارزه و رهبری، کتابی است از سیمینار علمی که سازمان جوانان جمعیت اسلامی افغانستان پیرامون این موضوع «نیم قرن مبارزه و رهبری» دایر کردند که در پنل‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته که حاوی این مطالب است:

- پنل نخست؛ دهه دموکراسی و تشکیل نهضت اسلامی؛
 - پنل دوم؛ جهاد مردم افغانستان دولت اسلامی و مُقاومت ملی؛
 - پنل سوم؛ نخستین انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در افغانستان؛
 - پنل چهارم؛ صلح؛
 - نتیجه‌گیری؛
 - سخنرانی داکتر عبدالله.
- ۳۲- نگاهی به آثار از استاد شهید جلد چهارم، هم مجموعه مقالات است از دانشمندان این دیار که در مورد آثار چاپ شده در سال ۱۳۹۶ و از زوایای مختلف به این اثرها چشم انداختند و نوشتند که قرار ذیل اند:
- سخنرانی محترم عبدالشکور واقف حکیمی؛
 - متن سخنرانی دکتر محمددویب الشریف مصری به عربی، همراه با ترجمه فارسی؛

- سخنرانی محترم دکتر عنایت‌الله خلیل هدف؛
- سخنرانی محترم استاد نجیب فهیم، نگاهی به خط رهبر جلد پنجم؛
- نیم نگاهی به کتاب خط رهبر جلد پنجم؛
- مقام شهید استاد ربانی؛ در عرصه علم، جهاد و مُقاومت، سیاست و صلح؛

- د شهید استاد د پنځم تلین په مناسبت، د هغه څلورو پیغامونو ته یوه کتنه؛
- نگاهی به پیغام رهبر، جلد دوم؛
- شهید استاد ربانی؛ نیم قرن مبارزه و تلاش؛
- دمی با استاد سخن، فضلی آماج؛
- اختتامیه و دعائیه.

کار ما:

البته کار ما در آثار استاد شهید، این گونه است:

در گام نخست؛ پس از پیاده کردن متن نبشته و سخنرانی رهبر شهید از نوار، مطابق به دستورالعمل تدوینی خویش دست به تصحیح و ویرایش می زنیم و از آن بعد در کنار معرفتی نام ها، اماکن، گروه ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل قول ها، ترجمه آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها، نمایه ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می کنیم.

اخیراً، از همه استادان و فرهیختگانی که به هرنحوی به ما کمکی کردند و دست یاری به ما دراز کردند، سپاسگزاری می کنیم و خداوند این همه زحمات شان را در میزان حسنات شان بیفزاید و به خصوص از کسانی که در این همایش رونمایی شرکت ورزیدند و علی الأخص از برادران عزیز هریک: خیرالله خیر خواه و دلاور نسیمی و رحیم الله حقجو که در کار تدوین و تحشیه یار و یاور مرکز تدوین بودند، صمیمانه قدردانی کنیم و از الله بزرگ مسئلت داریم که این همه عرق ریزی های را درج بر گه حسنات شان کند.

در کل از شما خواننده عزیز هم که آهنگ خواندن این اثر را کرده ای ممنونیم، عزمت را می ستاییم و اجرت را بر خدا موکل می کنید.

فضلی آماج

رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

سخنرانی محترم ویس احمد برمک
وزیر امور داخله و رئیس کمیسیون برگزاری هفته شهید

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ
الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ
تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

جلالت مآب محترم داکتر صاحب عبدالله عبدالله، رئیس اجرائیه دولت
جمهوری اسلامی افغانستان!

فضیلت مآب محترم جناب عبدالهادی ارغندیوال، رهبر حزب اسلامی
افغانستان و وزیر پیشین اقتصاد کشور و یکی از رهبران مجاهدین، شخصیت
وطن دوست و صادق افغانستان!

اعضای محترم شورای ملی افغانستان!
و تمامی رهبران و بزرگان و فرماندهان دوران جهاد و مقاومت تاریخ
پرافتخار مردم افغانستان!

خواهران دانشمند و مبارز دوران جهاد و مقاومت!
نسل میراث دار دوران جهاد و مقاومت!
علما، دانشمندان و سیاستمداران کشور عزیز ما که در این محفل امروز
حضور به هم رسانید!

جوانان آگاه و متدین و میراث داران نسل جهاد و مقاومت مردم افغانستان!
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ!
صحبت های من پیرامون شخصیت استاد و کارنامه های استاد و مبارزات
استاد، در دو صفحه، خلاصه می شود:

یکی صفحه قبل از دوران جهاد است. یعنی از همان زمانی که استاد مبارزات سیاسی خود را از فاکولته شرعیات پوهنتون کابل شروع کردند، است. البته در آن وقت کاکای من هم یکی از قانوندانان این کشور بودند، که در آن وقت جناب استاد، صنف اول و یا دو فاکولته بودند، منظورم این است که کاکایم از فاکولته شرعیات فارغ شده بودند و شناخت بسیار شخصی هم همراه استاد داشتند، ایشان از شخصیت استاد و از فهم و درایت شان، در همان زمان صحبت می کردند و می گفتند ایشان به حیث یکی از مؤسسين بسیار پیشتاز [نَهضت اسلامی است]. البته در آن وقت «نَهضت جوانان مسلمان» در حالت شکل گیری بود و خصوصاً هسته مرکزی آن در پوهنتون کابل، مبارزات خود را شروع کرده بود. هرچند فهم و دانشی از آن دوران داریم؛ اما من نمی خواهم پیرامون آن دوران صحبت کنم؛ ولی همین قدر می گویم که شخصیت پیش از جهاد استاد، دو دوره دارد: یکی دوران مبارزات سیاسی پیش از دوران جهاد، استاد است و بعد از آن، شخصیت استاد در دوران جهاد است؛ صفحه دومی حیات استاد، از دوران مُقاومت آغاز، تا لحظه ای که استاد جان خود را به خاطر آوردن صلح و تأمین صلح در این کشور فدا کردند، ادامه دارد.

همه ما می فهمیم که استاد چگونه شهید شدند؟ و چگونه ناجوانمردانه و غیراسلامی و غیرانسانی دشمنان کشور توطیه کردند و استاد بزرگوار را - که یکی از رهبران فرزانه دوران جهاد و مُقاومت این کشور، که در شکل گیری تاریخ معاصر این کشور در طی نیم قرن، نقش بسیار کلیدی و اساسی داشتند - به شهادت رساندند.

من شهادت استاد را برای تمام اعضای رهبری جمعیت اسلامی افغانستان، برای تمام اعضای جمعیت و برای تمام مجاهدین افغانستان، تسلیت می گویم. اگر هفت حزب سیاسی دوران جهاد را در پشاور داشتیم؛ ولی همیشه هم تاریخ شهادت می دهد و هم رهبران شهادت می دهند و هم نسل دیروز و هم نسل امروز، که استاد از جایگاه بسیار خاصی در رهبری تمام اعضا و مجاهدین نقش خود را داشت.

در دوران انتقال قدرت از حزب دموکراتیک خلق افغانستان به دولت اسلامی افغانستان و بعد از آن، به همین ترتیب مذاکراتی که اینان با اتحاد جماهیر شوروی سابقه داشتند و بعد از آن، وقتی که مفاومت گران پیروز شدند و یک صفحه جدیدی از تاریخ سیاسی افغانستان ورق زده شد، در همه این دوران‌ها دیده می‌شود که استاد تا چه اندازه قربانی دادند و بالاخره تمامی این قربانی‌ها و شهادت‌ها و بالاخره همه این آرزوها و آرمان‌هایی را که استاد و سایر رهبران مجاهدین ما از خود به جای گذاشته بودند، جزو صفحات تاریخ زرین افغانستان است. من خود شاهدی که - چون من در آن وقت در سازمان ملل متحد کار می‌کردم. جناب داکتر صاحب این‌جا حضور دارند، وقتی مذاکرات صلح و پروسه انتقال قدرت، شروع شد، من گرداننده اصلی در پشت پرده مذاکره بودم - استاد با بسیار بزرگواری، انتقال قدرت کردند.

زیادی‌ها می‌گویند که‌ها بودند، ما بودیم؛ لذا من می‌فهمم که در مذاکرات سیاسی، استاد و بالاخره تمام رهبران دوران جهاد و مفاومت - خداوند آنان را ببخشد و مغفرت کند - چون جناب مارشال صاحب فقید و به همین ترتیب داکتر صاحب عبدالله - که آن وقت سمت وزارت خارجه ما را داشتند - از خود، تا چه اندازه، خودگذری نشان دادند!

خوب این خودگذری به‌خاطر چه؟

طبعاً که به‌خاطر آوردن صلح، امنیت و بالاخره یک‌پارچه ساختن افغانستان، وحدت ملی کشور.

به‌هرحال، مجاهدین افغانستان این قربانی را دادند و گفتند: باید انتقال قدرت صورت بگیرد و بالاخره به اساس توافقات «بُن» - که من در آن وقت مذاکرات را به‌حیث یک افغان در تمام آن مذاکرات حضور داشتم، می‌فهمیدم که چگونه مذاکرات با تنش‌ها روبه‌رو شد و بالاخره چه چالش‌هایی که وجود داشت - یک طرف حاضر شدند که به‌خاطر مصالح علیای کشور انتقال قدرت صورت بگیرد و گفتند که باید یک صفحه جدید و نوینی در تاریخ سیاسی این کشور رقم بخورد و انتقال قدرت صورت بگیرد و انتقال قدرت هم به شکلی صورت می‌گرفت که باید مجاهدین افغانستان و تمام نیروهای مردمی

و سیاسی این کشور - چه در بیرون افغانستان بودند و چه در داخل - در قالب یک حکومت وحدت ملی و حکومتی که مُثُل آرزوها و آرمان‌های دوران جهاد و مقاومت و ارزش‌های دینی ما باشد و بالاخره با ارزش‌ها و اصول مردم‌سالاری و دموکراسی - که دنیای دیگر آن را تجربه کردند - باشد و در کل، با اختلاطی از هردو، بتوانیم با در نظر داشت واقعیت‌های عینی این کشور یک نظام سیاسی در این کشور تأسیس شود و بالاخره برویم به طرف صلح و ثبات و امنیت دایمی در این کشور، که خوش‌بختانه این‌کار صورت گرفت؛ ولی امروز هم ماوشما چالش‌های خود را داریم؛ ولی فکر می‌کنم در مرحله فعلی امروز چون استاد در میان ما نیست و ما از کارنامه‌هایش و از قهرمانی‌هایش و مبارزات سیاسی‌اش و از خردشان، از فرزانه بودن‌شان، تجلیل می‌کنیم و از آن یادآوری می‌کنیم و ششمین سالروزشان را امروز گرامی می‌داریم، من به این باورم که جایگاه استاد، نام استاد، همان طوری که از قهرمان ملی افغانستان احمدشاه مسعود بزرگ - که امروز در خاطره‌ها و در افکار مردم افغانستان، در مجموع هست - مداوم و همیشه پاینده خواهد بود و ما نسل‌های بعدی - **إن شاء الله** - تلاش می‌کنیم که از افتخارات رهبران ما که بر ما به میراث گذاشته‌اند، پاسبانی کنیم و حفاظت کنیم.

هستند مردمانی که می‌آیند و از دوران جهاد و دوران مقاومت، انتقاد می‌کنند و بسیار شدید، گپ‌های رد و بد می‌زنند؛ ولی جهاد و مقاومت، دو بُره‌ای از دو بخشی از افتخارات تاریخ سیاسی افغانستان است.

مثلاً، امروز که من این‌جا به حیث یکی از هم‌نسلان شما هستم و امروز مسئولیت سرپرستی وزارت داخله را برای من داکتر صاحب و رئیس جمهور سپردند، با افتخار این را می‌گویم که همان قربانی‌ها و همان جانبازی‌ها بود، که امروز نسل فعلی مصدر خدمت در این کشورند و ما در چوکی‌های دولتی هستیم و می‌خواهیم به این کشور خدمت کنیم و آرمان‌های همان شهدا و همان مبارزین راه حق را - **إن شاء الله** - که قدم به قدم تحقق بخشیم، تا یک نظام عادل و یک نظامی که بر مبنای عدالت اجتماعی و عدالت سیاسی استوار باشد و ارزش‌های دین و جهاد در آن باشد و تا یک کشوری که به اساس باور

و ارزش‌های خود ما و مطابق به عینیت‌های واقعی این کشور، تأسیس شود و برویم به طرف صلح و ثبات دایمی در آینده.

به هر صورت، من به‌حیث رئیس کمیسیون برگزاری محافلی که به‌ارتباط هفته شهید است، خدمت عرض کنم که به تاریخ ۱۸ سنبله که روز شنبه بود، شانزدهمین سالروز شهادت قهرمان ملی افغانستان، احمدشاه مسعود بزرگ، را گرامی داشتیم و امروز هم این محفل را که «چهارمین همایش رونمایی برخی از آثار علمی استاد» است را گرفتیم و شما حضور به هم رساندید و دو پروگرام دیگر هم داریم، که پیش‌روی است:

یکی آن در چهارم میزان است، که سیمیناری که تحت عنوان: «استاد و ارزش‌های جهاد و مُقاوَمَت»، برگزار می‌شود. این‌شاء الله برای آن هم آمادگی‌های خود را گرفتیم و در عین زمان در تاریخ ششم میزان، باز محفل رسمی گرامیداشت از ششمین سالروز شهادت استاد بزرگ است، که آن را هم به‌خیر از نقطه نظر امنیتی، لوژیستیکی - این‌شاء الله - ترتیباتش را گرفته‌ایم؛ دوستان و همه بزرگان در آن حضور خواهند داشت و من فقط یک‌بار دیگر به نمایندگی از اعضای کمیسیون - که بسیار زیاد تلاش کردند، خصوصاً در روز هژده سنبله تهدیدات هم بسیار بالا بود و حالا هم هست و همه‌شان تلاش کردند، زحمت کشیدند، سه شب و سه روز همه دوستان و اکثراً نیروهای امنیتی ماوشما خواب کم کردند؛ حتی بی‌خواب ماندند و من خودم هم شب و روز در همین شهر کابل گزمه بودم همراه با همکاران خود تلاش کردیم - اطمینان می‌دهم که دیگر هم این‌شاء الله کوشش می‌کنیم، که ترتیبات امنیتی دو محفل دیگری را پیش‌روی هست، به‌صورت بهتر و خوب‌ترش بگیریم و این چنین به نمایندگی از اعضای کمیسیون می‌خواهم که حضور گرم همه شما را به این محفل امروز خوش‌آمدید بگویم. بسیار زیاد خوش‌آمدید!

کوشش می‌کنیم که آینده این محافل و این برنامه‌ها را به‌صورت بسیار معجل‌تر و گرم‌تر بگیریم. رهبران دوران جهاد و فرماندهان جهاد این‌جا بیایند، از خاطراتی که با استاد و با سایر قهرمانان و با قهرمان ملی افغانستان دارند، و حکایت کنند و از کاری که با ایشان کردند، سخن بگویند و از این هم بگویند

که رهبری آنان چگونه بود؟ شیوه‌های رهبری‌شان چگونه بود؟ شیوه مدیریت، جنگ‌شان و مدیریت مردمی‌شان چگونه بود؟ و مجاهدین را چگونه رهبری می‌کردند؟ خلاصه بالای همه این مسایل بیایند صحبت کنند، که نسل امروز بیشتر از کارنامه‌های آنان آگاهی بیشتر پیدا کند.

دیگر زیادتر از این وقت شما را نمی‌گیرم، بسیار زیاد تشکر از توجه همه شما، یک‌بار دیگر حضور همه شما را خوش‌آمدید می‌گویم.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

سخنراني محترم داکتر عبدالله عبدالله
رئيس اجرائيه جمهوري اسلامي افغانستان

الحمد لله وحده والصلوة والسلام على من لا نبي بعده!
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿...هَلْ يَسْتَوِي
الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۱ صدق الله العلي العظيم
حضار گرامی!

مجاهد بزرگوار محترم ارغندیوال صاحب، رئیس حزب اسلامی افغانستان!
مجاهد محترم استاد محمد اکبری، رهبر سیاسی و عضو پارلمان
افغانستان!

اعضای محترم رهبری جمعیت اسلامی افغانستان!

دانشمندان و علمای گرامی!

و خواهران و برادران عزیز!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ!

من تشکر می‌کنم از رئیس صاحب کمیسیون برگزاری مراسم یادبود استاد
شهید و آمر صاحب شهید، برمک صاحب و همکاران شان، به خاطر زحمت
و تکلیفی که در این روزها متقبل شدند. زحمت هر کدام از نیروهای امنیتی ما
در این راستا قابل قدر است و جایی گفته شد، که در مراسم آمر صاحب شهید
نیروهای امنیتی آمادگی خوبی نداشتند. واقعاً باعث مأیوسیت یک جمعی از
کسانی شد که آنان دستور گرفته بودند که یک فیر هم نباید از طرف نیروهای
امنیتی در آن روز صورت می‌گرفت. متأسفانه یک تعدادی در آن روز، همان
روز با برکت را باعث تشویش یک تعداد از باشندگان کابل ساختند.

۱. ستایش تنها از آن خداست و صلوة و درود بر کسی که پس از او پیامبری نیست. «مرکز تدوین»

۲. زمر/۹. «مرکز تدوین»

به‌هر حالش، زحمت و تکلیف نیروهای امنیتی ما قابل قدر است. اتّحاف دعا می‌کنیم به روح شهدای افغانستان، استاد شهید، شهید صلح، آمر صاحب شهید، قهرمان ملی کشور و صدها هزار شهید این کشور که در راه خدا در دوران جهاد و مقاومت و امروز در سنگرهای دفاع از سرزمین این کشور به شهادت رسیدند.

در مورد زندگی استاد شهید، اولین رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان، زیاد صحبت هم شده و خوشحالیم که امروز یک بخش دیگری از میراث معنوی استاد شهید که آثار اوست، از طرف «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» امروز رونمایی می‌شود. این یک رهنمودی است برای نسل جوان و برای همه ما تا یاد بگیریم و بیاموزیم، از گفته‌ها و نوشته‌های رهبری که بیش‌تر از پنجاه سال، نیم‌قرنی از عمر خود را وقف مبارزه در راه خدا و خدمت به مردم و نجات مردم کرد.

دانشمندان بزرگواری در این جا حضور به هم رساندند، بزرگانی که از همراهان و رهروان استاد شهید، که از اولین روزهای مبارزات با ایشان بودند، در این جا تشریف دارند و من یقین دارم امروز، که مناسبتش یک مناسبت بزرگ و پر بار و معنوی است، خود صحبت بزرگانی که در این جا صحبت می‌کنند، هم امروز را مبارک‌تر می‌سازد و به این هم کمک می‌کند، که نسل جوان، نسل امروز ما، بیشتر بیاموزند، در مورد بزرگان شان. بزرگانی که واقعاً افتخارات این سرزمین بودند.

من صحبت‌های خود را به دو و یا سه بخش تقسیم می‌کنم و کوشش می‌کنم که مختصر صحبت کنم.

استاد شهید دوره مبارزه، رهبری جهاد، رهبری دولت اسلامی افغانستان، رهبری مقاومت، انتقال صلح‌آمیز قدرت و رهبری شورای صلح کشور و مصالحه در کشور ما و در این میان صحبت و مذاکراتی که با شوروی سابق قبل از آزادی افغانستان و قبل از پیروزی دولت اسلامی داشتند، همه این‌ها، در پهلوی دیگر جوانب زندگی پربارشان - مثل اینکه همیشه در مسیر مبارزه در راه خدا و در راه خدمت به مردم بوده - نقاط برجسته‌ای از زندگی

مبارزاتی استاد را تشکیل می‌دهد.

گفتنی است که آخرین صحبت استاد شهید، در تهران^۱ در مورد تروریسم، که با استفاده از نام اسلام، حملات تروریستی را به راه می‌اندازند، صحبتی است که فکر می‌کنم هیچ زاویه‌ای را نه از لحاظ علمی، و نه هم از لحاظ دینی بینشی، به حیث یک انسان، به این پدیده شوم، تاریک باقی نماند. چون هفته شهید است و سالروز قهرمان ملی احمدشاه مسعود شهید را داشتیم، من از رابطه استاد و آمر صاحب هم خاطره‌ای از یک روز کوتاه را خدمت‌تان عرض می‌کنم:

یک روزی بود، روز بسیار سخت و دشوار و تلفات بسیار زیادی داشتیم، در شهر مثل روزهایی که گذشت - در زمان دولت اسلامی افغانستان - جنگ ادامه داشت. البته آن روزها خاطره خوش برای هیچ‌کسی نیست و هیچ‌کسی هم نباید دوباره به برگشتن آن روزها فکر کند و در همچون یک روز، در پایان آن، یعنی در شب، آمر صاحب شهید از من خواست که بروم احوال استاد شهید را بگیرم. البته این کار بدون اینکه من بروم، شده می‌توانست، با مخابره صحبت کنند؛ اما چون روزی بسیار دشوار بود، آمر صاحب چنین خواستند. دُشواری روز، در این بود که - خوب برای اینکه این سخن من باعث کدام تنش نشود - بگویم در آن روزها، طالبان راکت می‌زدند، ههه؛ برای اینکه این سخنان باز در تاریخ درج می‌شود، منتها این قدر گفته می‌توانم، که این راکت پراکنی‌ها قبل از این بود، که طالبان به اطراف کابل برسند! خوب شما خودتان بهتر می‌فهمید، [که این راکت‌ها از کجا می‌آمدند]

خوب به هر حال، رفتیم به قصر «نمبریک» که استاد شهید آنجا بود، شاخ‌های درخت هم هرطرف پراکنده بود و در کل شهر کابل و از جمله در آنجا برق هم نبود. به همه حال به اطاقی که من را راهنمایی کردند، یک دو نفری پهره‌دار بود، در آنجا، چون موتر ما را هم می‌شناختند و در آن زمان، این ترتیبات امنیتی هم به این قسم نبود - به هر ترتیب مستقیم؛ تا آن نقطه‌ای که موتر می‌رفت، رفتیم و من را به یک دهلیز و به یک اطاق، راهنمایی کردند.

۱. این سخنرانی را می‌توان در برگه‌های نخست جلد اول «خط رهبر» خواند. «مرکز تدوین»

کسانی که قصر نمبر یک را دیده‌اند و بلدند، وقتی که به زینه شما بالا می‌شدید، یک اطاقی به زیر زینه بود، که کلکین نداشت. دیگر اطاق‌ها کلکین داشت. بخش‌های امنیتی استاد را رهنمایی کرده بودند، که در اینجا شاید مصون‌تر باشند.

هیچ‌گاه آن لحظه فراموشم نمی‌شود که استاد مبارک چهار زانو به روی کوچی که آن را نیم‌کوچ گفته می‌توانم نشسته بودند و کتابی به دست‌شان بود و از همین چراغ‌های نیونی که با باتری کار می‌کرد، چالان بود و با استفاده از آن کتاب را می‌خواندند. در حالی که کتاب را به همان رقم خودشان قات^۱ کردند و کلک خود را در بین کتاب گذاشته بودند، چند لحظه‌ای با هم صحبت کردیم، از احوال جبهات و از این‌ها، پرسید و من وقتی جریان را به ایشان باز گفتم و گفتم که آمر صاحب من را فرستاده‌اند؛

گفتند: ضرور به زحمت نبود، خودتان مصروف‌اید... دیگر مصروف کارهای‌تان باشید! خوب چند لحظه‌ای صحبت کردیم و من دوباره برگشته؛ اما هیچ‌گاه آن لحظه فراموشم نمی‌شود. آن شب تاریک و آن اوضاع و آن روز خطرناک دیگر، که در آستانه‌اش قرار داشتیم!!

فریب جهان قصه روشن است

بین تا چه زاید؟ شب آستن است^۲

آن شب که آستن ناآرامی‌ها بسیار دیگری بود؛ اما استاد با کمال متانت و اطمینان - که همان اطمینان نفس مطمئنه را نشان می‌داد - در آنجا نشسته بودند و کتاب می‌خواندند.

وقتی برگشتم با آمر صاحب قصه کردم، آمر صاحب دعا کرد که خداوند این شب و روز را از کشور ما ببرد و این مصیبتی را که مردم ما شاهد آن‌اند، دیگر نباشد.

این یک خاطره از همان زمان است.

به هر حال استاد عالم هم بود عاشق هم بود. عاشق خداوند، عاشق دین،

۱. قات گویش کابلی واژه قطع است، قطع کردن بریدن نه؛ قطع کردن تا کردن منظور است. «مرکز تدوین»

۲. گنجور، دیوان حافظ، بخش مثنویات، ساقی‌نامه. «مرکز تدوین»

عاشق مردم و عارف هم که بود.

وقتی امروز آثاری از استاد را که در گذشته و حال نشر شده و می شود، می بینیم و به امروز و آنچه که از استاد آموختیم نگاه می کنیم، می دانیم که و سال ها کار و کوشش ضرورت است؛ تا آنچه را که بایسته استاد شهید است، مردم از ایشان فرا بگیرند.

باز هم تشکر و قدردانی می کنم از «مرکز تدوین آثار رهبر شهید»، به خاطر این خدمت ماندگاری که می کنند. اگر میراث سیاسی و مبارزاتی استاد شهید، رهبری جهاد و مقاومت و مبارزات مردم افغانستان و بالاخره رهبری دولت اسلامی و انتقال قدرت و رهبری شورای عالی صلح است، در پهلوی این، میراث بزرگ معنوی اش، رفتارش، گفتارش، سخنانش و صحبت هایش و تصامیمی که در این جریان گرفته... است. بلی؛ این ها همه جزء میراث معنوی استاد شهید به شمار می آیند و اگر استاد را در یک جمله معرفی کنیم باید بگوییم: استاد عالمی بود که به علم خود عمل می کرد. این هم مسئله بسیار مهمی است، شاعر گفته:

علم اگر بر سر زند ماری شود

علم اگر بر دل زند یاری شود^۱

چون استاد به شعر هم علاقه داشت و شعرشناس هم بود،^۲ در کنار اینکه بدون شک او ادیب و نویسنده ای بود، قدرت نویسندگی و خطابه اش بر همه معلوم است، می آیم یک چند نکته ای را در مورد همین بیت:

علم اگر بر سر زند ماری شود

علم اگر بر دل زند یاری شود.

بیان خواهیم کرد.

۱. هر چند شایع بر زبان مردم چنین است: علم اگر بر سر زند ماری شود * علم اگر بر دل زند یاری شود؛ اما ما نتوانستیم به چنین صورتی دست یابیم، صورت منسوب آن به مولوی که در مثنوی هست، چنین است: «علم چون بر دل زند یاری شود * علم چون بر تن زند باری شود. «مرکز تدوین»

۲. استاد قدرت سرودگری هم داشتند و تا این دم، سروده ای از ایشان به دست آمده است که بر سر مرقد مولا جلال الدین محمد بلخی در قونیه ترکیه سروده است. «مرکز تدوین»

شعر بالایی، که شعر «مولانا»^۱ است؛ اما در جای دیگری از شاعر دیگری چنین آمده است:

دل هر ذره را که بشگافی

آفتابیش در میان بینی^۲

بعداً همین معنا را این گونه تعبیر کردند:

عشق چون در قلب ذره راه یافت

صد هزاران آفتاب و ماه یافت

عقل ما چون کشف این اسرار کرد

ذره را هم آله کشتار کرد^۳

چنان که گفتم استاد شهید، شخصیت عالم، عاشق و عارف بود و اینجا می خواهم این را قصه کنم:

یکروزی با جمعی از دوستان طرف ولایت پنجشیر^۴ می رفتیم، کسی

همین شبکه های اجتماعی را دید، دو سه پارچه شعری را که یکی منسوب

۱. مولانا جلال الدین محمد بلخی مشهور به مولوی؛ شاعر بزرگ قرن هفتم هجری قمری است. وی در سال ۶۰۴ هـ ق، در بلخ زاده شد. پدر وی بهاء الدین - که از عالمان و صوفیان بزرگ زمان خود بود - به سبب رنجشی که بین او و سلطان محمد خوارزم شاه پدید آمده بود، از بلخ بیرون آمد و بعد از مدتی سیر و سیاحت به قونیه رفت. مولانا بعد از فوت پدر، تحت تعلیمات برهان الدین محقق ترمذی قرار گرفت. ملاقات وی با شمس تبریزی در سال ۶۴۲ هـ ش، انقلابی در وی پدید آورد که موجب ترک مسند تدریس و فتوی وی شد و به مراقبت نفس و تهذیب باطن پرداخت. وی در سال ۶۷۲ هـ ق، در قونیه وفات یافت. از آثار او می توان: به مثنوی، دیوان غزلیات یا کلیات شمس، رباعیات، مکتوبات، فیه مافیه و مجالس سبعه اشاره کرد. نگاه: سایت «گنجور» «مرکز تدوین»

۲. هاتف اصفهانی، دیوان اشعار. «مرکز تدوین»

۳. استاد خلیل الله، خلیلی. «مرکز تدوین»

۴. پنجشیر؛ در شرق افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۳۷۷۱،۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۸۶ هـ ش، حدود ۱۳۴،۴ هزار نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر «بازارک» است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۳۰۵ - ۳۱۲. «مرکز تدوین»

به «سعدی»^۱ است و یکی هم منسوب به «حافظ»^۲ - البته من هم به دیوان «حافظ» دیگر رجوع نکردم که هست یا نه - و یکی هم به مولانا تعلق دارد، که آن هم در باره علم و عشق و عرفان است. خواندند.

منظورم همین سه بیت شعر مشهوری است که یکی از سعدی است:

چو رسی به طور سینا «آرنی» مگو و بگذر

که نیزد، این تمنا به جواب «لن ترانی»^۳

سعدی، از روی عقل می گوید که تو تمنایی می کنی، که آن تمنا به همان

جواب «هرگز مرا نخواهی دید» نمی ارزد؛ اما عاشق چنین می گوید:

چو رسی به طور سینا «آرنی» بگو و مگذر

تو صدای دوست بشنو؛ نه جواب «لن ترانی»^۴

و بعد مولانا سنگ تمام می گذارد و می گوید:

«آرنی» کسی بگوید که ترا ندیده باشد

۱. ابوعبدالله مشرف ابن مصلح، مشهور به شیخ سعدی یا شیخ شیراز؛ شاعر و نویسنده‌ای که به «أَفْصَحُ الْمُتَكَلِّمِينَ» معروف شده است. در باب نام و نام پدر و همچنین در باب تاریخ ولادت سعدی، اختلاف بسیار هست؛ چنان‌که نام او و پدرش را گونه‌گون نوشته‌اند و ولادتش را از ۵۷۱ تا ۶۰۶ هـ.ق، احتمال داده‌اند، همچنین در تاریخ وفاتش، سال ۶۹۰ و ۶۹۵ هـ.ق، نیز ذکر شده است. در کودکی از پدر یتیم ماند، خانواده و قبیله او غالباً عالمان دین بودند، آثار سعدی متنوع و بسیار است و تمام آن‌ها تحت عنوان «کلیات سعدی» جمع و تدوین شده است. نگاه: بوستان سعدی، ص: ۵ - ۸. «مرکز تدوین»

۲. خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی؛ شاعر غزل‌سرای بلندآوازه زبان فارسی است که در سال ۷۲۶ هـ.ق، در دوران مابین چنگیز و تیمور در شیراز چشم به جهان گشود و در آن جا زیست و در سال ۷۹۱ هـ.ق، چشم از جهان پوشید. برای معلومات بیشتر نگاه شود: دیوان حافظ شیرازی، ص: ۳. «مرکز تدوین»

۳. نسبت این بیت به سعدی، موثق نمی‌نماید، زیرا ما وقتی «لن ترانی» های سعدی را در «گنجور» جست‌وجو کردیم، به چنین بیتی از او برخوردیم؛ اما شبیه چنین خوفی را هم در این بیتی از خودش: موسی طور عشقم در وادی تجلی

مجرور لن ترانی چون خود هزار دارم

و در این سخنش که دهخدا نقل کرده است: «داغ فرمان بر جبین خیال او [موسی] نهادند و از لن ترانی میخی ساخته بر احداق اشواق او زدند» و در این بیت عطار یافتم که می‌گوید:

گویم «آرنی» و زار گریم

ترسم ز جواب «لن ترانی». «مرکز تدوین»

۴. این چنین، به چنین بیتی دست نیافتیم که از حافظ باشد و سرودگر اصلی آن را هم نیافتیم. دهخدا هم وقتی این بیت را نقل کرده است، پیش روی نشانه پرسش «؟» گذاشته است. «مرکز تدوین»

تو که با منی همیشه چه «تری» چه «لن ترانی»^۱
 منظورم این است که جایگاه استاد شهید، به عنوان یک عالم بزرگ، یک
 عاشق خدا و مردم و یک عارف نامی و یک رهبر سیاسی بسیار بزرگ، در بین
 مردم ما خالی است.

می‌آییم به همان بحث انتقال قدرت.

چنان‌که گفتیم: آیا انتقال قدرت چیزی از شخصیت استاد کم کرد؟!
 رئیس‌جمهور بود و بعد رئیس‌جمهور نبود، این‌ها تماشای نتیجه همان
 زندگی مبارزات استاد، عشقش به خدا و به مردم و تعهدش به خدا و مردم و
 مقامی بود که خداوند نصیبش کرده بود.

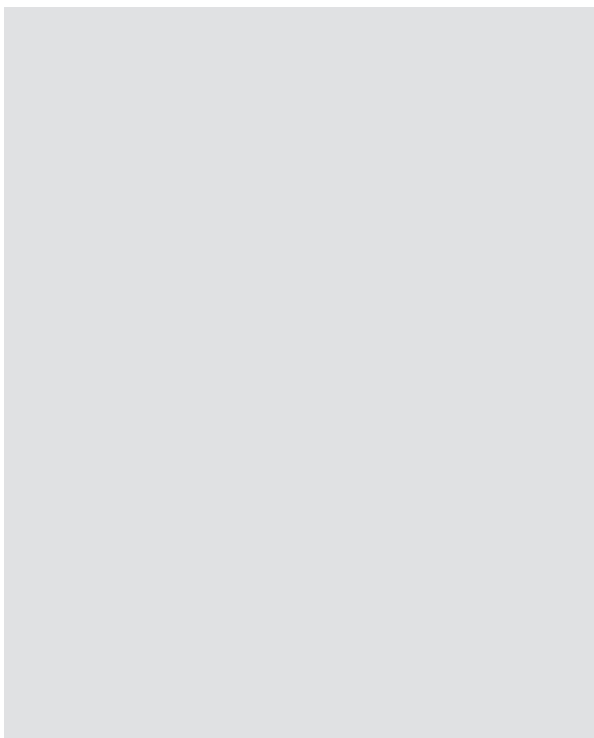
خداوند روح استاد شهید و همه شهدای افغانستان را شاد و جای‌شان را
 بهشت برین داشته باشد و برای ما - إن شاء الله - خداوند توفیق در راه تحقق
 آرمان شهدا را - که تحقق صلح عادلانه و با عزت در کشور ما، در پهلوی دیگر
 آرمان‌های‌شان یکی از آرمان‌های آنان بود - نصیب ما بکند.

باز هم از حضور همه شما تشکر می‌کنم و از اینکه اسامی بزرگواران
 حاضر در مجلس را - که هر کدام‌شان و بیشترین‌شان بیشتر از ما و پیش‌تر
 از ما با استاد همراهی و هم‌سنگری کردند - به خاطر جلوگیری از اطاله کلام
 نگرفتیم، معذرت ما را بپذیرید و - إن شاء الله - که این مرکز، (مرکز تدوین آثار
 رهبر شهید) که امروز با رونمایی چند جلد کتاب، این همایش را ترتیب دادند،
 بتوانند در آینده با دوام این کار پاک، یک خدمت بسیار بزرگ را که حق زندگی
 و کارنامه و مبارزات و روح و روان شهدای ماست - إن شاء الله - همان‌طوری
 که تا به حال ادا کردند، ادا کنند.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

۱. نسبت این بیت به مولانا است؛ اما ما توانستیم که صحت نسبت این بیت به مولانا را دریابیم. هر چند
 ابیاتی از مولوی هستند که همانندی میان بیت منسوب و آنان هست. نمونه آن چنین است: اعتمادی دارد
 او بر عشق دوست ❀ گر سماع لن ترانی می‌کند. «مرکز تدوین»

سخنراني محترم عبدالهادي ارغنديوال
رئيس حزب اسلامي افغانستان



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى؛^۱ و بعد:
فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي
وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^۲
صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

برادر گرامی جناب داکتر صاحب عبدالله عبدالله، رئیس اجراییه دولت
جمهوری اسلامی افغانستان!

اعضای محترم کابینه!

اعضای پارلمان!

اعضای شورای رهبری جمعیت اسلامی افغانستان!

زیاد دلم می خواست و آرزو داشتم که بگویم اعضای رهبری نهضت
اسلامی افغانستان!

که دیگر صفوف مسلمانان در یک صف مرصوص با هم جمع می شدند.
خواهران گرانمایه!

اعضای مطبوعات و رسانه ها!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ!

اجازه بفرمایید، قبل از همه به خاطر هفته شهید، به روح همه شهدای
انقلاب اسلامی افغانستان، از آغاز تا امروز اتّحاف دعا داشته باشیم.

خداوند عزیز، جایگاه شهدای ما را بهشت برین بگرداند و به بازماندگان

۱. ستایش خدا راست و بس و صلاة و درود بر بندگان برگزیده او. «مرکز تدوین»

۲. سورة آل عمران آیه / ۵۱. (در حقیقت خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را عبادت کنید

[که] راه راست این است.) «مرکز تدوین»

شهادی ما، استقامت و ثبات و پیروی از خط سرخ شهادت عطا بفرماید! خدایا! ما سپاسگزاریم که تو ملت ما را ملت شهیدپرور ساختی، به خاطر که اگر شهیدپرور نمی بودیم، اسارت پرور می شدیم و این ملت، ملت شهادت پذیر شده و این خصوصیت بارزش است که هرگز و هرگز، یوغ اسارت و بردگی هیچ کسی را به دوش خود نخواهد گذاشت!

خداوند جایگاه شهادی ما را همیشه در بین ملت ما آن چنان گرم و پاک نگاه دارد که هیچ کدام ما را مجال عدول از خط شهادت نباشد! هرچند با آثار قلمی استاد شهید چنان که باید آشنا نیستیم؛ ولی با افکار دعوت گرانه استاد، به خاطر رهایی جامعه و مردمش و به خاطر آگاهی دهی برای جوانان عزیزش آشنایم.

با افکار قیام گرانه استاد به خاطر جهاد و مبارزه علیه ستمگران و علیه طواغیت زمان آشنایی دارم؛ اگر با آثار قلمی استاد چنان که شایسته است، آشنا نیستیم؛ ولی اندیشه های استاد، راه استاد، طرز دید استاد به خاطر رهایی جامعه اش، به خاطر آوردن نظام رهایی بخش اسلامی، که مبین خواسته های ملت باشهامت افغانستان بوده، کاملاً آشنایی داریم.

من با استاد شهید در سال پنجاه آشنایی پیدا کردم و آن زمانی بود که انجینیر صاحب حبیب الرحمن شهید^۱، مرا با خود به دفتر استاد برد و در دفتر استاد نشستیم.

از آن زمان به بعد، با وصفی که ما در دو تنظیم سال های متمادی کار کردیم؛ ولی روابط ما با استاد، روابط برادرانه و مخلصانه بوده و همیشه، به

۱. انجینیر حبیب الرحمن فرزند صفت الله خان در سال ۱۳۲۹ هـ. ش، در روستای جمعه خیل ولسوالی نجراب ولایت کاپیسا به دنیا آمد، بعد از اتمام دوره ثانوری در سال ۱۳۴۹ هـ. ش، شامل دانشکده پول تخنیک کابل شد. این خردترین عضو نهضت اسلامی افغانستان برای بار نخست در زمان رژیم شاهی دستگیر و مدت شش ماه در نظارت خانه کابل باقی ماند و بعداً آزاد گردید. بار دیگر در قوس ۱۳۵۲ هـ. ش، در زمان رژیم داود خان از کارته پروان شهر کابل حبینی که او کارهای تنظیمی و دعوتی را سر و سامان می داد، توسط عمال داود گرفتار شد و برای چند وقتی در وزارت داخله توقیف بود و بعداً به زندان دهمزنگ برده شد و شش ماه در آن جا در حبس بود؛ تا اینکه در ماه اسد سال ۱۳۵۳ هـ. ش، به عمر ۲۳ سالگی از سوی رژیم داود به شهادت رسید. نگاه: البنیان المرصوص، العدد: ۲۶، شعبان ۱۴۰۹ هـ. / مارس ۱۹۸۹م و المجاهدون، ۴۴، العدد (۱۸) - رمضان ۱۴۰۹ هـ. / آپریل ۱۹۸۹م. «مرکز تدوین»

استاد و اندیشه‌های استاد، با طرز دید استاد و بالاخره با افکار برادرانه استاد به‌خاطر اخوت و برادری در بین مردم افغانستان، کاملاً آشنایی داشتیم. قبل از شهادت‌شان، جناب استاد، در یکی از مجالس به من گفت، که تو چرا همراه من نمی‌روی به سفر ترکیه،^۱

در حالی که من خبر نداشتم؛ اما کسی برای استاد گفته بود که این وزیر [یعنی عبدالهادی ارغندیوال] گفت که مه وقت ندارم، همراه تان بروم. البته این مسئله با یک فکر مغرضانه مطرح شده بود.

خوب به هر صورت؛ استاد به من گفت: تو چرا نمی‌روی همراه من؟ من گفتم: استاد من هیچ‌خبر ندارم که چه وقت شما تشریف می‌برید و کسی هم برای من نگفته؟ گفت: برای من گفتند، که تو می‌گویی که نمی‌روم؟ گفتم من نگفتم.

همین بود که استاد همان نفر را - که اتفاقاً در همان مجلس هم بود - صدا کرد و به او گفت: تو چرا دروغ گفتی، برای من؟ او گفت: ولا چون وزیر بود، اجازه باید می‌گرفت. من گفتم: مه به اجازه ضرورت نداشتم؛ چون مه وقتی به همراه استاد می‌رفتم، از هیچ‌کسی اجازه نمی‌گرفتم.

بعدش استاد برای من گفت: ما در این سفر، در حقیقت همان دوسیه‌ای را که به‌خاطر وحدت مسلمانان، ترتیب کرده بودیم، همان را نهایی می‌ساختیم و فرصت خوبی بود، هم در طیاره و هم در سفر، که در هوتل با هم می‌بودیم، حالا این کار نهایی می‌شد؛ ولی قسمت که تو در این سفر نرفتی و کارت را امروز آغاز کن!

من گفتم: استاد اگر خواسته باشی، از همین لحظه شروع می‌کنم؟ گفت: از همین لحظه کارت باید آغاز شود و بروی.

۱. ترکیه؛ کشوری است که در جنوب غرب آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۷۷۹۴۵۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۷۳۰۸۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. پایتخت آن شهر «آنکارا»، زبان رسمی آن ترکی و واحد پول آن لیره ترکیه است. نگاه: اطلس جامع گیتهانشاسی، ص: ۱۰۱. «مرکز تدوین»

همان نفر آمد پیشم و عذر کرد که به لحاظ خدا خیر است! حالی همین اشتباه از من شده، در این سفر همراه استاد نرو! قسمت همان بود، که استاد وقتی دوباره برگشتند، شهید شدند و دیگر آن سلسله ختم شد.

من برای صلاح الدین خان این جریان را گفتم و برای برادران جمعیت اسلامی هم این را گفتم که بباید همان سلسله کار استاد را که به خاطر وحدت صف و به خاطر یکجاشدن مسلمانان بود، ادامه بدهیم، چیزی که از آرزوهایی استاد بود.

بلی؛ در حقیقت خواست شهید استاد، وحدت کلی صف مسلمانان در افغانستان بود. متأسفانه تا امروز نه تنها اینکه این کار نهایی نشده؛ بلکه ما گاهی شاهد حرف‌های می‌باشیم که سبب تفرقه و اختلاف در بین صف ما می‌شود، که هیچ‌کسی از این وضع نفع برده هم نمی‌تواند و تنها کسانی که از این وضع نفع می‌برند، آنان دشمنان همین نهضت و همین مجموعه و همین مسلمانان افغانستان‌اند که می‌خواهند ما را متفرق بسازند. بناء آرزوی استاد، وحدت مسلمانان بود و آرزوی هر مسلمانی هم باید چنین باشد.

ما در افغانستان در یک مرحله بسیار بسیار حسّاس قرار گرفتیم. برداشت من این است که - إن شاء الله - اوضاع در افغانستان به طرف صلح تغییر می‌خورد و در این سرزمین صلح آمدنی است؛ ولی چیزی که خیلی مهم است، این است که ما چگونه می‌توانیم که وحدت خود را حفظ کنیم؛ تا نظامی را بر مبنای منافع ملی افغانستان، در این سرزمین حاکم بگردانیم.

شاید کسانی که برای ما نقشه‌هایی را طرح می‌کنند، آنان به هیچ وجه یک حکومت قوی را که بر اساس منفعت ملی افغانستان و خواسته‌های مردم افغانستان باشد را در این سرزمین نمی‌خواهند، می‌خواهند که ما پراکنده باشیم، حتی می‌خواهند که ملوک الطوائفی در کشور ما حاکم باشد؛ تا بتوانند که از ما استفاده کنند.

بناء هرکسی که در جهت اختلاف در این سرزمین کار می‌کند، در حقیقت، همان خط پای استعمارگران و کسانی را که می‌خواهند، از ما

استفاده سوء بکنند، تعقیب می کنند و ما را از راهی که شهدای ما، مردم ما و خواسته های ملی ماست، دور کرده می روند.

بناءً من از همه شما عزیزان که در این محفل پرشکوه و در این محفل پر میمنت، حضور دارید، استدعا دارم، خواهش دارم، که دیگر حرف اختلاف نباید در بین ما زده شود! حرف دوی و دودستگی نباید زده شود!

کاش روزی برسد، که دیگر ما نام های مختلفی که پسوند و پیشوند اسلامی دارد، همه تحت یک نام در افغانستان فعالیت کنیم و همه عضو همان حرکت و همان نهضت باشیم که دیگر بین ما دویی وجود نداشته باشد.

باز هم، خواهش من جدی است و از همه برادران می خواهم که اگر از من خطای صورت می گیرد، حرف غلطی گفته می شود، غلطی را با غلطی جبران نکنیم؛ بلکه ما در صدد تعمیر این باشیم که چطور می توانیم اشتباه یک برادر خود را، جبران بکنیم، چون ما همه انسانیم، انسان جایزالخطاست. بناءً اگر خطایی از ما صورت می گیرد؛ اگر از زبان من یک حرف غلطی می براید، نباید ما آن را این قدر بزرگ کنیم و آن قدر خلافت صحبت کنیم، که دیگر جایی برای نشستن هم باقی نماند.

به این خاطر من خواهش دارم که دیگر به کسی مجالی این را ندهیم که در بین ما و شما اختلاف ایجاد کند! به کسی مجالی این را ندهیم که بین ما حرف دویی را بیاورد! و بین ما نباید من و تو گفته نشود، بیاید با هم «ما» باشیم، نه «من» و نه «تو».

این آرزوی ماست، خداوند روزی را بیاورد که همه ما در یک صف باشیم، خداوند روزی را بیاورد که در این سرزمین ما قانون خدا حاکم باشد و روزی را بیاورد که در این سرزمین ما صلح و امن برقرار باشد و دیگر مسلمان، مسلمانی را نکشد و به آن افتخار هم نکنند.

باز هم تأکید می کنم که در نفی کردن کسی دیگری ما به اثبات نمی رسیم. در این جا هر کسی جایگاه خود را دارد. در جریان جهاد افغانستان، فعلاً در روند سیاسی افغانستان، هرکسی جایگاه خود را دارد، هیچ کسی نمی تواند، کسی دیگر را نفی کند و نفی او در حقیقت اثبات خودش نمی شود.

بنابر این؛ ما هر کدام را در جایگاه خودش محترم می‌دانیم، ما شهدای خود را عزیز و گرامی می‌داریم و در خط آنان حرکت می‌کنیم و خداوند برای ما این توفیق را بدهد که جز خواست آنان، جز آرمان آنان، جز روش منتخب آنان به خاطر حاکمیت دین خدا در این سرزمین، کار دیگری را انجام ندهیم و خداوند برای ما این حوصله و صبر و پایداری را بدهد که در برابر همدیگر خود، صبورانه و برادرانه عمل کنیم.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

نگاهی به اثر کاروان حرم

نوشته دکتر سید ابراهیم حکمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

چکیده:

هژده مقاله استاد برهان الدین ربانی، شهید صلح را در این مجموعه، «مرکز تدوین آثار استاد شهید G» جمع‌آوری کرده‌است. این مقاله‌ها از سال ۱۳۴۱ ه.ش، آغاز یافته و در مجله دانشکده شرعیات دانشگاه کابل و مجله پیام حق، مربوط وزارت ارشاد، حج و اوقاف و.. به نشر رسیده‌است. من، بنابر تقاضا و رغبت آقای فضل‌ی آماج، محقق جوان و آگاه، مسئول مرکز تدوین آثار استاد شهید G این مجموعه را خواندم و برداشت‌های خود را به رشته تحریر در آوردم.

کلمات عمده: استاد شهید، شریعت اسلامی، حقیقت و ایمان.

مقدمه:

حدود هژده مقاله استاد شهید، در یک مجلد توسط «مرکز تدوین آثار استاد شهید»، جمع‌آوری شده‌است. تاریخ برخی از این مقالات به سال ۱۳۴۱ ه.ش بر می‌گردد، که این تاریخ بسیار مهم است؛ زیرا استاد شهید، هنوز ایام جوانی‌اش را سپری می‌کند و در حوزه دانشگاه، به‌هیئت عضو کادر علمی و هیأت تدریسی، جدیدالشمول است. مهم این است که قلم و سخن استاد در همان آوان جوانی، از پختگی کم‌نظیر برخوردار است.

۱. به نام خداوند بسی بخشنده و مهربان. «مرکز تدوین»

ادبیات عالی و متون مستحکم علمی، چنان است که مانند چشمه زلال، همیشه عطایش مستمر بوده و هرکس نظر به نیازش و نظر به ظرفیتش، از آن آب صاف توشه می‌گیرد؛ ولی چشمه همچنان روان است؛ لهذا آنچه به من از مطالعه این مقالات دست داده، شاید بسیار ناچیز و محدود باشد و مقالات عطایای زیادی را برای خوانندگان خود تهیه دیده باشد، که دید عمیق‌تر می‌خواهد.

به هر حال، نویسنده، این‌ها را خواندم و برداشت‌های خود را در ۴۰ عنوان فرعی به صورت ذیل تنظیم کردم:

- ۱- توانایی فوق‌العاده ادبی استاد شهید: شواهد و امثله در این زمینه بسیار به وفرت وجود دارد که به‌طور نمونه می‌شود، این عبارت‌ها را ثبت کرد:
 - «سرنشینان کشتی اخلاق، فضیلت، دانش و تمدن...»^۱
 - «...مردم روی امواجی از خرافات شنا می‌کردند...»^۲
 - «...و نسخه معجزه دگرگونی‌های دوران‌ساز در سراپرده هستی است.»^۳
 - «با ذهن روشن، زبان مهذب و ضمیر بیدار، در تحولات اجتماعی سهم می‌گیرند...»^۴
 - «سپردن کار به غیر اهل... از عوامل عمده فساد و تباهی‌های قیامت‌نماست...»^۵

- «پیروزی در قلمرو حقیقت منزل می‌گیرد...»^۶

در یک نگاه ناقدانه، بسیار موضوع را زنده نشان می‌دهد، مثلاً دو جمله کوتاه؛ یعنی سپردن کار به غیر اهل... از عوامل عمده فساد و تباهی قیامت‌نماست. در این جمله، تعبیر «و تباهی قیامت‌نما» در پهلوی تازگی و بکر بودنش، چه اندازه زیبا و گیراست؟ و این‌گونه تعبیر بعدی که می‌گوید:

۱. کاروان حرم، ص: ۱۷۱. «نویسنده»

۲. همان؛ ص: ۵۴. «نویسنده»

۳. همان؛ ص: ۱۵۰. «نویسنده»

۴. همان؛ ص: ۱۵۱. «نویسنده»

۵. همان؛ ص: ۷۵. «نویسنده»

۶. همان؛ ص: ۱۶۲. «نویسنده»

«پیروزی در قلمرو حقیقت، منزل می‌گیرد.» ملاحظه شود، که مفردات پهلوی هم قرار گرفته، خیلی زیبا و موزون آمده‌است.

منظور از منزل گرفتن پیروزی، در قلمرو و ساحه نفوذ حقیقت، همان راستی و اصالت و واقعیت می‌باشد. این تعبیر با این شیوایی و یا چینش ویژه‌ای معنی پیروزی حق و حقیقت بر باطل را بسیار زیبا به تصویر کشیده‌است؛

۲- توانایی داستان‌نویسی استاد شهید: توانایی داستان‌نویسی استاد شهید در حد بسیار عالی بوده‌است. در یک نوشته مختصر در مورد سفر ابراهیم و اسماعیل 4 توانایی استاد شهید را در داستان‌نویسی می‌توان بر ملا دید، مثل اینکه می‌گوید:

«در ریگستان سوزان و بادیه وحشت‌زایی که از آب و سایه سراغی نیست، رهنوردی، که آثار غم و اندوه در جبینش پیداست، به‌سوی یک هدف مرموز و مهمی، متین و شمرده، قدم می‌گذارد، فرزند کوچکش که تازه با یک جهان عشق و امید به دنیا چشم گشوده، با او همراه است.. و با نگاه‌های کودکانه، جمال طبیعت را تماشا می‌کند. او نمی‌داند، کجا می‌روند و چه هدفی در پیش دارند؛ مگر این قدر دقیق می‌فهمد، که پدرش غمگین و محزون است، در چهره حسرت‌بار پدر دقیق می‌شود؛ اما از کمال ادب، جرأت پرسیدن را در خود نمی‌یابد. از ریگ‌های بیابان، مستفهم می‌شود، به‌سوی قُبّه نیل‌گون آسمان می‌بیند و در بسیط زمین تماشا می‌کند؛ تا شود، که آسمان یا زمین راز پدرش را برایش فاش سازند..»^۱

استاد شهید همین‌گونه دوام داده می‌گوید:

«لهیب‌هایی از درد و الم در سینه هر دو، شعله می‌زند، حرارتِ آفتاب تیزتر و شدیدتر شده می‌رود. [چون به منطقه گرم‌سیرتر روان‌اند] طاقت طفلک طاق می‌شود و از شدت درد و ماندگی در گریه می‌شود؛ مگر می‌کوشد، اشک‌هایش را از پدر پنهان دارد؛ تا باعث رنج و الم بیشتر او نشود، قطرات اشک و صحنه دل‌سوزی پسر، پدر را فشار می‌دهد. اسماعیل محبوب اشک‌های خود را پاک کرده، در حالی که آثار خستگی و علالت از چهره ملکوتی‌اش هویداست، سر

را بالا کرده می‌گوید: پدر جان! به منزل نزدیک شدیم؟^۱

طوری که ملاحظه می‌شود، قصه را بسیار جالب و کامل می‌کند و انسان را در فضای آن سفر قرار می‌دهد، که خیال نویسنده، بسیار جولان کرده، روان مسافران را خوب می‌خواند و در این مناسبت، در رابطه به بیان ولادت حضرت پیغمبر نیز نشانه‌هایی از توانایی بسیار بلند و بالای استاد شهید، در داستان‌نویسی و خیال‌پر جولان ایشان به خوبی دیده می‌شود. مثلاً: «او مهر پدر ندید و تا دیر هم در آغوش مادر نیاسود، صبحگاه طفلی و اولین روزگار صباوت را در دامن صحرا و آغوش صخره‌ها، در میان چادر نشینان سپری ساخت، بعد از اینکه سالیان شیرخوارگی پایان یافت، از.. صحرایان به سوی خانه‌های گلی شهر نشینان آمد.

روزگاری چند در کنار مهر و صمیمیت مادر به سر برد و بعد از آنکه با قطرات گرم سرشک مادر محبوبش را وداع گفت، در پناه نیای پیرش عبدالمطلب شتافت و آن‌گاه که این پیرمرد مدبر از جهان درگذشت، به فرزندش ابوطالب چنین وصیت کرد:

هوشدار که در تربیت و رعایت این دُر یتیم، اهمال و فروگذاشتی را مرتکب مشوی.^۲؛

۳- ذخیره علمی استاد شهید: ذخیره علمی استاد شهید دائرةالمعارف گونه است، که در آن، تفسیر، حدیث، تاریخ، جامعه‌شناسی، بدیع و بیان، فقه و اصول، فلسفه و کلام و.. در مناسبت‌های گوناگون دیده می‌شود؛

۴- رعایت آداب نویسندگی: مثلاً: در صفحه ۹۲ چنین می‌خوانیم: «...و آن گروهی که در ظلمات متراکم تردید و اشتباه فرو رفته، فهم مسایل مهم مذهبی را درست درک نکرده‌اند، با مطالعه این مجله، نور امید و اطمینان بر افق فکر و اندیشه‌شان، بتابد و بر روشنایی و درک حقیقت، نزدیک‌تر گردند.»

در این عبارت، تعبیر «نزدیک‌تر گردند» از احتیاط نشانی دارد و جمله‌ها با عبارت‌های متادبانه و متمدانه، لهجه خطاب او را نسبت به دیگراندیشان و

۱. همان، ص: ۸۴. «نویسنده»

۲. همان، ص: ۱۷۲. «نویسنده»

منحرفان به نمایش می‌گذارد. دیده می‌شود، که نویسندگان در یادآوری مخالفان و دیگران‌دیشان چنین تعبیراتی را دارد: «...ما هستیم بی‌خبرانی که به اصول و موازین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اسلام آشنایی ندارند و تصور می‌کنند اسلام همانند، مسیحیت فقط عبارت است از یک سلسله تعلیمات روحی و اندرزهای اخلاقی که با مسایل زندگی سر و کار ندارد.»^۱

نویسندگان علاوه کرده می‌گویند: «این اندیشه‌های غلط - که مولود ناآشنایی به حقایق این دین و تحلیل غیر علمی برخی از مظاهر اجتماعی بوده - بعضاً عامل تزلزل در معتقدات، اشتباه و تردد در میان برخی از حلقه‌ها گردیده است.»^۲

۵- رعایت اصول نویسندگی با مخالفان و دگراندیشان، که مبتنی بر حفظ حقوق و احترام متقابل می‌باشد؛ (فقره سابق مطالعه شود)

۶- واضح بودن قضایا و مسایل مغلق عقیدتی و فکری، در قلم استاذ، چنان‌که در بحث رابطه میان عقل و دین، به اختلاف نظریه‌های متفاوت میان معتزلیان و اشعریان اشارت کرده چنین می‌گویند: «... اختلاف نظر این دو گروه عمیق و جذری نبود؛ بلکه بیشتر گرمی جدل روی الفاظ استوار بود. چه هیچ‌کدام به هیچ نوع تضادی میان عقل و شرع قایل نبودند»^۳؛

۷- اتکا به منابع اصیل معرفت در شریعت اسلامی (قرآن و سنت)، که در همه مقاله‌ها آشکارا به چشم می‌خورد، ضرورت به نقل نیست؛

۸- رعایت ترتیب در بین منابع و مآخذ، در عرض مسایل و بیان افکار، همیشه تلاش می‌ورزد؛ تا با آیت قرآن کریم آغاز کند، سپس از سنت پیغمبر و احادیث آن حضرت نقل می‌کند و بعد از آن به اجماع و قیاس و اقوال علما و نظرات متخصصان و اهل خبره، مطابق تقاضای حال و نیاز موضوع، توجه کرده، استدلال می‌کند؛

۹- ما خوانندگان در سیمای استاد شهید، چهره یک داعی خردمند با تجربه

۱. همان؛ ص: ۹۰-۹۱ «مرکز تدوین»

۲. همان؛ ص: ۹۱ «نویسنده»

۳. همان؛ ص: ۱۰۳ «نویسنده»

را از مطالعه مقالات یادشده می‌توانیم به نمایش بگیریم؛
۱۰- تجلّی و تألّو انوار یک مربی بسیار مهربان و دل‌سوز در سراسر
نوشته‌ها و مقاله‌های هژده‌گانه روشن است، چنان‌که می‌گوید:

«چنان‌که ناگفته پیداست، موضوع تربیت صحیح کودکان و رشد نسل‌های
سالم، در حالی که انگیزه فطرت و زاده حُبّ بقا و دوام نوع است، در عین حال
از مهم‌ترین مسایل اجتماعی و از مسئولیت‌های عمده و خطیر پدران، مادران،
خانوادگان، جوامع و ملل، بالآخره پرابلم عمده سراسر جهان بشریت است...»^۱
استاد در این استقامت اضافه کرده می‌گوید: [اسلام] تربیت صحیح و
رهبری سالم اطفال و کودکان را ضمن بخش‌های عمده‌ای از معارف و فرهنگ
سالم و نجات‌بخش خویش گنجانیده و مسایل متعلق به کودک را از جهات
مختلف حقوقی، اخلاقی، تربیتی و روانی مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار
داده است.»^۲ بحث را دوام داده، می‌نویسد:

«کودک یعنی یک لوحه صاف و پاک در کنار فامیل قرار می‌گیرد، آن‌گاه
محیط تربیت و مخصوصاً دبستان نخستین آن؛ یعنی آغوش پدر و دامان
مادر بر سرنوشت کودک حکومت می‌کند و شخصیت آینده او را طرح‌ریزی
می‌کند...»^۳

استاد شهید با فهم دقیقی که دارد، علاوه می‌کند: «آیت قرآنی
(آیت تحریم) اصل تربیت صحیح اولاد را از ساحه یک مسئولیت اخلاقی
بیرون کشیده و آن را یکی از وجایب و مکلفیت‌های عمده مؤمنان و عامل
نجات پیروان این آیین بزرگ در پیشگاه بازپرس الهی می‌داند.
مسئولیت تربیه اولاد تا سرحد رشد و تکامل، یک مکلفیت همیشگی و
دایمی مربیان خانواده است...»^۴

استاد با الهام‌گرفتن از اسلام، می‌افزاید:
«رعایت و اهتمام شما پدران و مربیان در اصلاح و توجیه سالم کودکان تان

۱. همان، ص: ۶۱. «نویسنده»

۲. همان، ص: ۶۱-۶۲. «نویسنده»

۳. همان، ص: ۶۳. «نویسنده»

۴. همان، ص: ۶۴. «نویسنده»

فقط منحصر به چارچوبه محیط خانواده نبوده؛ بلکه در همه اوقات و همه جا، این اهتمام و رعایت را دنبال کنید.

مسئولیت تربیه طفل از نظر تعالیم اسلامی، شامل تربیه روحی، عقلی و جسمی، همه می باشد...»^۱

استاد در همین سیاق چنین می گوید:

«بلی؛ فضیلت و برتری در همه جا و در همه موارد از آن کسانی گردیده که علم بیشتر و عقل بیدارتر و اندیشه نیرومندتر و فعال تر دارند. روی همین حقیقت است که قرآن و سنت هدایات بی شمار خود را وقف توصیه به آموزش و پرورش صحیح کرده...»^۲

از مسایل اساسی در تربیت کودک و طفل توجه به قضایای روانی آن است، که مظاهر آن نام گذاری نیکو و تأمین مساوات بین فرزندان، در برخورد و هر نوع تعامل و رعایت است که استاد، حکمت و ریشه این توجه را بیرون کرده، به سادگی آن می افزاید، چنان که افاده داده است:

نام نازبیا در مرحله رشد و تمیز، بر روح کودک عقده ایجاد کرده، اثر ناسزای می گذارد، چنانچه نام نیکو اثر مثبت دارد. در مورد تساوی بین فرزندان، تبعیض جنسیتی بین دختر و پسر، مطرح می شود، که بسیار مورد تأکید اسلام واقع شده است و برای نثار عاطفه بر دختران توصیه زیاد صورت گرفته است و تأثر در برابر تولد دختر، از آثار و صفات جاهلیت است، که با روح اسلام سازگاری ندارد.^۳

بدین مناسبت استاد علاوه می کند:

تربیه دینی کودک، که محور همه فضایل است، پایه و اساس روش تربیتی اسلام را تشکیل می دهد.^۴

استاد شهید، بحث تربیتی خود را با این عبارت زیبا، چنین خاتمه

می بخشد:

۱. همان، ص: ۶۵. «نویسنده»

۲. همان؛ ص: ۶۶. «نویسنده»

۳. همان؛ ص: ۶۷-۶۸؛ البته این جا نویسنده نقل بالمعنی کرده است. «مرکز تدوین»

۴. همان؛ ص: ۶۷؛ نقل بالمعنی «مرکز تدوین»

«...آشنا ساختن کودک با ثقافت سالم هر عصر و قرار دادن اطفال در جریان نیازمندی‌های مثبت روز، از ارزش‌های تربیتی اسلام است.»^۱؛
۱۱- تراوش‌های فکری بسیار عمیق از ذهنیت سرشار از ایمان استوار کوه مانند؛

۱۲- توانایی وفق دادن افکار و اندیشه‌های مختلف و با هم متضاد، مثل ملی‌گرایی و دین‌مداری، به هدف بلند انسانی و ملی، این موضوع را می‌شود، در صفحه ۱۱۱ و مابعد آن، به صورت کامل و درست مطالعه کرد، چنان‌که می‌گوید: «چگونگی رابطه منافع ملی با اتحاد و وحدت اسلامی، یکی از دغدغه‌ها و قضایایی است، جنجال‌برانگیز؛ در میان روشن‌فکران مسلمان و به‌خصوص در میان سیاست‌گذاران و پالیسی‌سازان کشورهای اسلامی و به‌ویژه در کشورهایی که معتقدند مسلمانان یک ملت واحدند و پیوند جهان اسلام از امور سرنوشت‌ساز برای همه و از معتقدات هر مسلمان است» درست پس از این از قرآن دلیل آورده و از اقبال چنین نقل قول می‌کند:

«اهل حق را حجت و دعوی یکی است

خیمه‌های ما جدا، دل‌ها یکی است»^۲

از حجاز و چین و ایرانیم ما

شب‌نم یک صبح خندانیم ما»^۳

استاد شهید سخن خود را در صفحه ۱۱۲ در همین سیاق این‌گونه دوام می‌دهد:

«در جهان امروزی که کشورهای اسلامی با مرز بندی‌های جغرافیایی و منافع و مصالح ملی و مستقل از یکدیگر و با نظام‌های سیاسی مختلف، وجود دارند، آیا می‌توان آن‌ها را بر مبنای پیوند اعتقادی با هم انسجام بخشید و متحد ساخت؟ و آیا این عمل با منافع ملی کشورهای تافته‌ای از هم جدا بافته، تضاد ندارد.»

۱. همان؛ ص: ۶۹. «نویسنده»

۲. اقبال لاهوری، جاویدنامه، «مرکز تدوین»

۳. اقبال لاهوری، اسرار خودی، «مرکز تدوین»

۴. کاروان حرم؛ ص ۱۱۱-۱۱۲ «نویسنده»

استاد شهید در یک استنتاج فنی و منطقی در آخر بحث، چنین مفکوره را به دست می دهد:

«خلاصه اینکه؛ ملی گرایي های وارداتی، کشورها را زمانی به بحران هویت و وقتی هم به از دست دادن استقلال و تمامیت ارضی روبه رو ساخته برای آنها فاجعه بار بوده است»^۱؛

۱۳- با وجود تسلط بر منابع اصلی معرفت در شریعت، آگاهی وسیعی از محیط زمانی و مکانی خود دارد، که در نوشته هایش به خوبی چنین چیزی انعکاس یافته است؛

۱۴- علاوه بر فصاحت آشکار نویسنده، بلاغت بسیار فراگیر و ثابت او را، به خوبی می شود، ملاحظه کرد، که چگونه شرایط و احوال خواننده را در نظر دارد. حجم مقاله ها و چگونگی عرضه آن، دلیل روشن این مدعای ماست؛

۱۵- از این کتاب معلوم می شود، که نویسنده چیره دست ما، در فرهنگ اسلامی و شعبات گوناگون آن، تمکن لازم دارد؛

۱۶- خداوند فراست و بینش نهایت لطیف و دقیق برایش ارزانی کرده است، که صفوف دوست و دشمن و هویت آنان، در نظرش روشن است (به فقره های ۳۰ و ۳۱ همین مقاله نظر افکنده شود.)؛

۱۷- در شناخت طیف های سرگردان و بی هویت فکری، بسیار مصیب و بر حق بوده است؛ چنانچه در مباحث مربوط به ناسیونالیزم و ملی گرایي، در موضوع انقلابی های بی دین و عناصر هم کار به استعمار، صحبت های صریح و مستدل دارد. (به فقره های ۲۷ و ۲۸ همین مقاله رجوع شود)؛

۱۸- با عرفان و تصوف آشنایی درست داشته است؛ چنان که در صفحه ۱۰۷ کتاب دیده می شود، آن گاه که درباره مولانای بلخی اشارتی می کند. (به فقره ۲۰ این مقاله نگاه شود)؛

۱۹- از گفته ها و نظرات استاد شهید فهمیده می شود، که از بیعت کنندگان طریقت هم باشد^۲ و این برداشت با بعضی معلومات آفاقی مورد تأکید قرار

۱. همان؛ ص ۱۱۸ «نویسنده»

۲. مباحثی چون معنویت و فراست و تزکیه و همانند آن ها، هم، در آثار استاد فراوان هستند و هم در

گرفته است؛

۲۰- استاد شهید از داعیان اسلام سیاسی معتدل و میانه‌رو به حساب می‌آید، که در مقاله‌های این کتاب به روشنی دیده می‌شود. مثلاً اگر به فقره ۲۹ این مقاله توجه شود، مدعا ثابت می‌گردد؛

۲۱- در مناظره، ید طولی داشته، بهترین استاد در رشته مناظره بوده‌است. این حقیقت در مقاله‌ها به وضاحت دیده می‌شود؛

۲۲- ذهن و استعداد فوق‌العاده، در عرض افکار دارد، که همیشه و در همه‌جا نکته‌های استدراکی را فراموش نمی‌کند و شبهه‌های احتمالی را تبارز می‌دهد؛ تا ذهن خواننده دچار پریشانی نشود. چنان‌که می‌گوید:

«... نا گفته نماند؛ مگر با وجود این همه واقعیت‌ها، اسلام آن طور که یونانیان کهن و پیروان آنان در عصور مابعد، معتقد بودند، عقل را بر کرسی حاکمیت مطلق نمی‌نشاند و او را فعال ما یشاء نمی‌داند، شعله عقل را در برابر فروغ وحی خیره و کم‌نور می‌داند و این طرز دید، روی این منطق استوار است که مبدأ وحی کمال مطلق بوده و تراوشگاه عقل در وجود ناقص انسان است و یقیناً این دو، با هم در یک مرتبه و منزلت قرار ندارند.»^۱

در این نقطه ملاحظه می‌شود، که استاد به سرعت به سمت وسوی استدراک می‌رود و چنین علاوه می‌کند:

«و قرار نداشتن این دو، در یک منزلت این را نمی‌رساند که یکی مخالف دیگرست»^۲

همین اسلوب در این مبحث یک‌نواخت دوام دارد، که می‌نویسد:

«... با ملاحظه این حقیقت، باری اگر ببینیم که مولانا جلال الدین بلخی پای استدلالیان را چوبین خوانده باشد، گفته او این مطلب را نمی‌رساند که مفکرین صوفی در اسلام منکر مقام عقل بودند؛ بلکه آنان در مقام مقایسه وسایل معرفت، منزلت عقل را پایین‌تر از مقام وحی و الهام و کشف بصیرت

شخصیت استاد، تجلی دارند؛ ولی اینکه حضرت استاد عملاً در یکی از طریقت‌های تصوفی بودند، هیچ برهانی تاکنون در این مورد وجود ندارد. «مرکز تدوین»

۱. همان؛ ص: ۱۰۶-۱۰۷ «نویسنده»

۲. همان؛ ص: ۱۰۷. «نویسنده»

صوفیانه می‌دانستند و یقیناً این واقعیت را عقل مجرد تأیید و پشتیبانی می‌کند»^۱؛
 ۲۳- نوشته‌ها نه با ایجاز مُخل آمده و نه با اطناب مُمل، که این خود،
 از خصوصیت‌های نویسندگان نامدار به‌شمار می‌رود. این واقعیت در همه
 مقاله‌ها خود نمایی می‌کند؛

۲۴- دایرهٔ معلومات استاد شهید بسیار فراخ می‌نماید، به‌حدی که با
 وجود تلاش زیاد، هنوز به کنه نوشته‌ها و حواله‌های سخنان او، مرکز محترم
 نرسیده‌است. که این از ویژگی‌های دانشمندان موسوعی می‌باشد. چنانچه
 در رابطه به اوضاع کشورهای اسلامی در عهد استعمار این‌گونه با روشنی
 می‌گوید: «...در حالی که جریان‌های اسلامی و شخصیت‌های معتقد و مؤمن
 که با الهام از دین، احساسات میهن‌دوستی و قومیت‌خواهی مبتنی بر تعالیم
 دینی در سینه‌های شان شعله‌ور بود، در همهٔ کشورهای اسلامی و عربی تحت
 اشغال قدرت‌های استعماری، در پیشاپیش حرکت‌های آزادی‌بخش در مُبارزه
 علیه استعمار قرار گرفتند و تا مرز سرکوبی اشغال‌گران به مُبارزهٔ خویش ادامه
 دادند و از هیچ‌نوع فداکاری و قربانی دریغ نکردند»^۲

استاد شهید نام‌های مبارزان نامدار مسلمان را نام می‌گیرد و معرفی
 می‌کند و ازهر^۳ را در مصر نام می‌برد، که در مقابل استعمار فرانسویان و سپس
 انگلیسان قرار داشت.

این چنین یادآوری می‌کند که در سودان علیه استعمار انگلیسی رهبر

۱. همان؛ ص: ۱۰۷. «نویسنده»

۲. همان؛ ص: ۱۱۸ «نویسنده»

۳. جامع الأزهر؛ یکی از معتبرترین نهادهای علمی و دانشگاهی دنیاست که در کشور مصر قرار گرفته که
 قدامت بیش از هزار سال دارد و به‌عنوان نخستین مؤسسهٔ دینی، علمی و اسلامی در قاهره - پایتخت مصر
 در دوران فاطمیان - ساخته شد و بعدها این نهاد علمی توسط «صلاح الدین ایوبی» وسعت و برنامه داده
 شد و تا اکنون به منظور اشاعهٔ اعتدال و میانه‌روی، فعالیت‌های بسیاری انجام می‌دهد. البته جامعهٔ الأزهر
 (دانشگاه ازهر) بخشی از جامع الأزهر است که مساحت آن در حدود ۱۲ هزار متر مربع است و دارای
 ۵ مناره می‌باشد. البته این مؤسسهٔ علمی در کنار مدارس و دیگر نهادهای علمی، دانشگاه آن دارای ۶۰
 دانشکده بوده که ۴۳ دانشکده برای پسران و ۱۷ دانشکده برای دختران است. الأزهر مصر دارای مراکز
 چون مرکز بیماری‌های خاص، مرکز میکروبیولوژی، مرکز بین‌المللی اسلامی، تحقیقات و مطالعات
 محیط زیست و مرکز اقتصاد اسلامی است. نگاه: الأزهر فی ألف عام، از محمّد عبد‌المنعم فخاجی،
 ناشر: عالم الکتب، مکان چاپ: بیروت، سال چاپ: ۱۴۰۸ هـ.ق، نوبت چاپ: دوم. «مرکز تدوین»

روحانی مردم محمد المهدی^۱ و در لیبا عمر مختار^۲ و شیخ سنوسی^۳ بر ضد

۱. محمد المهدی بن عبدالله بن فحل؛ زعیـم و شخصیت سودانی است که در ۱۸۴۳م، در دهکده لبب شهر دنقلا به دنیا آمد و در ۲۲ جون ۱۸۸۵ م، در پی یک بیماری ناگهانی درگذشت. جنبش و دعوت او به عبدالله تعایشی واگذار شد. او خویش را مهدی می خواند و می گفت: من از جانب خدا مکلف به عدالت گسـتری و ستم ستیزی ام و با این باور با انگلیس رزمید تا اینکه در سال ۱۸۸۵ م، توانست خرطوم را به تصرف خویش در آورد. نگاه: المهدیه تاریخ السودان الإنجلیزی المصري ۱۸۸۱-۱۸۹۹ تألیف آب ثیوبولد، ترجمه محمد المصطفی حسن عبدالکریم، مرکز عبدالکریم، مرغنی الثقافي والأصول الفکرية لحرکة المهدی السوداني ودعوتہ، الدكتور عبدالودود شلبي، دار المعارف، القاهرة ۱۹۷۹ م. «مرکز تدوین»

۲. عمر بن مختار بن عمر المنفی الهاللی؛ معروف به «عمر مختار» و ملقب به «شیخ شهدا» و «شیخ مجاهدین» و «شیر صحرا» یکی از معروف ترین و برجسته ترین مبارزان جهان عرب و اسلام، در ۲۰ اگست سال ۱۸۶۲ م و به گفته ای در سال ۱۸۵۸ م، در خانواده متدین در روستای «جنزور» در منطقه «بطنان» از توابع استان «برقه» در «جبل الأخضر» یا همان (کوه سبز) چشم به جهان گشود. پدرش «مختار بن عمر» از قبیله «منفه» از خاندان فرحات بود که به غیرت، بزرگ منیشی و خلق نیکو شهرت داشت، به همین دلیل در همان سال های اندکی که تربیت «عمر» را به عهده داشت، او را بر آموزه های جنبش اسلامی «سنوسیه» تربیت کرد که متکی بر قرآن و سنت نبوی بود. هنگامی که استعمار فرانسه در سال ۱۹۰۰م، کشور چاد را مورد حمله قرار داد، جنبش «السنوسیه» از جمله جنبش هایی بود که به مقابله با استعمارگران فرانسوی برخاست و «عمر مختار» در آن زمان فرماندهی یکی از گروه های جنبش علیه استعمارگران را به عهده گرفت. بعد از درگذشت «محمد مهدی السنوسی»، وی رهبری جنبش السنوسیه را به عهده گرفت و مدت هشت سال (تا سال ۱۹۱۱ م) این سمت را به عهده داشت و در این مدت با ارتش های استعمارگران انگلیسی در مرزهای مصر و لیبی و در مناطق «البردیة» و «السلوم» و «مساعدا» همواره در مبارزه بود و «نبرد السلوم» وی در سال ۱۹۰۸م، معروف بود که به تصرف شهرک السلوم به دست انگلیسی ها منتهی شد. او اردوگاه نظامی مخصوصی را برای خود در منطقه «الخروبه» تأسیس کرد و آن را به ارتش عثمانی ملحق کرد و در برابر ایتالی های مبارزه خستگی ناپذیری را انجام داد، یکی از مهم ترین جنگ هایی که «عمر مختار» با استعمارگران ایتالیایی داشت، به سال ۱۹۱۳ م، در منطقه «درنه» باز می گردد که در روز طول کشید و به کشته شدن ۷۰ نظامی ایتالیایی و زخمی شدن ۴۰۰ نظامی دیگر منتهی شد. همچنین در همان سال «نبرد بو شمال» در منطقه «عین مارة» در سال ۱۹۱۴ و پس از آن نبردهای «ام شخنب» و «شلظیمه» و «الزویتنه» و «نبرد الرحیه» روی داد و در تمام آن ها «عمر مختار» حضور داشت و اهالی منطقه را به حضور در این نبردها تشویق و ترغیب می کرد، سرانجام در ۱۶ سپتامبر سال ۱۹۳۱م، صبح روز چهارشنبه ساعت ۹ صبح ایتالیایی ها حکم اعدام «رهبر مجاهدان» و «شیر کوهستان» را در جنوب بنغازی در منطقه «سلوق» به اجرا در آوردند و او را مظلومانه به شهادت رساندند. نگاه: الشیخ الجلیل عمر المختار، نشأته، وأعماله واستشهاده، از دکتر علی محمد صلابی، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت. «مرکز تدوین»

۳. شیخ محمد بن علی بن سنوسی بن العربی بن محمد بن عبدالقادر سرسلسله فرقه سنوسیه است. در سال ۱۲۰۲ هجری قمری در مستغنام الجزایر به دنیا آمده، وی تا ۱۹ سالگی در منطقه مستغنام بوده و سپس به تلمسان رفته و مشغول تحصیل علوم تکمیلی می شود. پس از آن به فاس رفته و هفت سال در آنجا ساکن می شود. سنوسی از فاس رهسپار قاهره شده و سپس آنجا را ترک کرده و به مکه مکرمه می رود و در آنجا با احمد بن ادريس فاسی آشنا شده و شاگرد او می گردد. پس از مرگ فاسی، به مغرب بر می گردد. او

ایتالیان همه اسلحه برداشتند و تا مرز شهادت پیش رفتند. مثل عمر مختار.
و در تونس به رهبری عبدالعزیز الثعالبی^۱ در مقابل فرانسویان اشغال‌گر
جهاد ورزیدند. در الجزایر امیر عبدالقادر^۲ و محمد بشیر ابراهیمی^۳ و مصالی

پیروان و مریدان ترغیب به همراهی با مسلمانان در مبارزه با فرانسویان به رهبری شیخ عبدالقادر، می‌کند
وی پس از آن مدتی در مصر و بعد در بُرقه واقع در لیبی ساکن می‌شود. وی در سال ۱۲۷۶ هجری قمری
وفات یافته است. از زمره مبارزین به نام سنوسییه، باید از «عمر مختار» یاد کرد. گفتنی است که محمد
بن علی سنوسی بعد از وفات استادش در سال ۱۸۳۷، جنبش سنوسییه را در مکه پایه‌گذاری کرد و اولین
خانقاه خود را در مکه بنا کرد. این حرکت «محمد بن علی» که هم‌زمان با تجاوز اروپاییان به الجزایر و
شمال آفریقا بود، مورد استقبال مردم این نواحی قرار گرفت و جنبش سنوسی به عنوان یک تشکل سیاسی
با متجاوزان وارد مبارزه شد و تلاش‌های زیادی برای آزادی قاره آفریقا از چنگ استعمارگران انجام داد.
برای آگاهی بیشتر از شخصیت امام محمد سنوسی، به جلد اول کتاب «الثمار الزکیة للحركة السنوسية
في ليبيا» از علامه مؤرخ دکتر علی محمد الصلابی می‌توان برگشت. «مرکز تدوین»

۱. عبدالعزیز ثعالبی؛ متفکر و مبارز سیاسی تونس و بنیان‌گذار حزب آزادی‌خواه قانون اساسی در تونس
است که در ۱۴ شعبان ۱۲۹۳ ق، در تونس به دنیا آمد. پدرش ابراهیم نام داشت و جدش عبدالرحمان
ثعالبی، قاضی مبارز الجزایری بود که به تونس مهاجرت کرده بود. عبدالعزیز تحت تعلیم و تربیت جد
خویش قرار گرفت و هم‌زمان به حفظ قرآن پرداخت. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، در ۱۳۰۶ ق،
به جامع زیتونه رفت و در ۱۳۱۴ ق، از آنجا فارغ‌التحصیل شد و در مدرسه خلدونیه به ادامه تحصیل
پرداخت. در ۱۳۱۳ ق، فعالیت‌های ملی‌گرایانه خود را بر ضد استعمار فرانسه آغاز کرد و موفق شد در
همین سال روزنامه «سبیل الرشاد» را منتشر کند، او در ۱۳۱۶ در مصر اقامت داشت و تحت تأثیر افکار
سید جمال‌الدین افغانی و محمد عبده قرار گرفت و در ۱۳۲۰ از قاهره به تونس بازگشت و گروهی از
دانشجویان جامع زیتونه و روزنامه‌نگاران و طرفداران آزادی در اطراف او گرد آمدند، وی در ۱۳۲۳ با
انتشار اولین کتابش، «روح التحرر فی القرآن» که در خصوص زدودن بدعت‌ها و خرافاتی بود که به قرآن
نسبت داده می‌شد، زندانی شد. ثعالبی با تشکیل اجتماعات و همایش‌های عمومی در تونس، هدف جهاد
را آزادی کامل تونس از استعمار فرانسه با تکیه بر وحدت عربی - اسلامی اعلام کرد و سرانجام پس از
مبارزه مستمر بر ضد استعمار، سرانجام این مبارز نامدار و نام‌آور در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در زادگاهش
درگذشت و در مقبره زلاج دفن گردید، تاریخ شمال آفریقا، فلسفه التشريع الإسلامي، تاریخ التشريع
الإسلامي، مذكراته، في خمسة أجزاء، معجزات محمد رسول الله ﷺ، تونس الشهيدة، الكلمة الحاسمة
و... از آثار اوست. نگاه: عبدالعزیز الثعالبی: رائد الحرية والنهضة الإسلامية، بیروت ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴ و
مقدمه احمد بن میلاد، عبدالعزیز ثعالبی: تاریخ شمال آفریقا: من الفتح الإسلامي الى نهاية الدولة
الغلبيّة، چاپ احمد بن میلاد و محمد ادریس، بیروت ۱۴۰۷ / ۱۹۸۷. «مرکز تدوین»

۲. امیر عبدالقادر جزایری؛ قهرمان ملی الجزایری‌هاست که در ششم سپتامبر ۱۸۰۸ م، چشمش روی
هستی دید و در ماه می ۱۸۸۳ م، به عمر ۷۵ سالگی در دمشق درگذشت. وی در کنار اینکه یک مرد مبارز
بود، یک دانشمند و اندیشمند بزرگ هم بود. این مرد بزرگ در سن ۲۰ سالگی، رهبری جریان را به‌دوش
گرفت که علیه اشغالگران فرانسوی می‌رزمید و ۱۷ سال تمام به این نبرد خویش ادامه داد؛ اما به دلیل
خیانت شماری از افرادش از یک‌سو و به‌خاطر قتل عام مردم مدنی به‌وسیله سربازان فرانسوی از سوی
دیگر، ناگزیر، خویش را تسلیم کرد که در نتیجه به فرانسه تبعید شد. «مرکز تدوین»

۳. محمدبشیر ابراهیمی، عالم و فقیه مالکی، دعوتگر و مبارز، زبان‌شناس و ادیب معروف جهان اسلام

الحاج^۱ رهبری قیام ضد استعماری فرانسویان را به دوش داشتند.

در مراکش که محمد عبدالکریم خطابی^۲ از علما و رهبران دینی مردم و در

است که در ۱۳ شوال ۱۳۰۶ ق در «قصر الطیر» در قبیله مشهور به «اولاد ابراهیم» در نزدیکی شهرستان سطیف الجزایر زاده شد. نسبش «محمد بن بشیر بن عمر» به ادیس بن عبدالله، بنیان گذار دولت ادیسیان می‌رسد. نخستین آموزش‌ها را نزد پدر و عمویش فرا گرفت و سپس به زاویه ابن شریف رفت. در ۱۹۱۱م، به مدینه مهاجرت کرد؛ تا آموزش‌های عالی دینی و ادبی را ادامه دهد، در ۱۹۱۷م، به دمشق منتقل شد و استاد ادبیات عربی در مدرسه سلطانیه منصوب گشت. او در بنیان‌گذاری مجمع علمی عربی در سال ۱۹۲۱ مشارکت داشت، در همان سال به الجزایر بازگشت و به خدمت اصلاح طلب الجزایری ابن بادیس و نهضت او درآمد. هنگامی که جمعیت علمای الجزایری در سال ۱۹۳۱ تأسیس شد، ابراهیمی از چهره‌های برجسته بنیان‌گذار آن بود و به نایب ریاست عبدالحمید بن بادیس برگزیده شد، در مطلع جنگ جهانی دوم، فرانسویان او را به «آفلو»، جنوب الجزایر، تبعید کردند. در همان سال (۱۹۴۰م) ابن بادیس درگذشت و ابراهیمی در پی او به ریاست جمعیت علما برگزیده شد، حال آنکه در تبعید بود. گزارش‌هایی از زندانی شدن و شکنجه او در سال ۱۹۴۵ بیان شده‌است. ابراهیمی پس از این دوره از زندگی اش، به تأسیس مدارس پرداخت که مهم‌ترین آن دانشسرای متوسطه ابن بادیس در شهر قسنطینه بود. او همچنین مدیر مسئول روزنامه «البصائر» شد. روزنامه‌ای که در سراسر جهان عرب به‌عنوان دفاع‌کننده از اسلام و بازسازی هویت عربی شهرت یافت. ابراهیمی در ۱۹۵۲ م، به شرق جهان عرب سفر کرد و در بیشتر کشورهای آن منطقه حضور یافت و ساکن قاهره شد. هنگامی که انقلاب آزادی‌خواهی الجزایر در ۱۹۵۴ آغاز شد، از سوی رهبران آن به مأموریت‌ها نزد دولت‌های عربی و اسلامی فرستاده می‌شد. او در این زمینه بسیار تلاش کرد و بر انقلاب الجزایر در سال ۱۹۶۲ تأثیر گذاشت. ابراهیمی پس از انقلاب، به الجزایر بازگشت، اما بیماری‌اش او را از فعالیت اجتماعی بازداشت؛ تا اینکه در ۱۹ می ۱۹۶۵م / ۱۹ محرم ۱۳۸۵ق، به رحمت حق پیوست، عیون البصائر، بقایا فصیح العربیة فی اللهجة العامیة بالجزائر، التفاتیات والنفاتیات فی لغة العرب، أسرار الضمائر فی العربیة، التسمیة بالمصدر، الصفات التي جاءت علی وزن فعل، نظام العربیة فی موازین کلماتها، الاطراد والشذوذ فی العربیة، ما أخلت به كتب الأمثال من الأمثال السائرة، رسالة فی ترجیح أن الأصل فی بناء الكلمات العربیة ثلاثة أحرف لا اثنان، رواية كاهنة الأوراس، رسالة فی مخارج الحروف وصفاتها بین العربیة الفصحیة والعامیة، حکمة مشروعیة الزکاة فی الإسلام، شعب الإيمان و.. از آثار اوست. نگاه: معجم اعلام الجزائر من صدر الإسلام حتی العصر الحاضر، از عادل نویض، ص: ۱۳، بیروت، لبنان، بنیاد فرهنگی نویض، ۱۹۸۰م و آثار الإمام محمد البشیر الإبراهیمی، جمع وتقدیم: دکتر أحمد طالب ابراهیمی، دار الغرب الإسلامی، الطبعة الأولى، ۱۹۹۷م، بیروت - لبنان. «مرکز تدوین»

۱. مصاللی الحاج ملقب به «أبو الأمانة» در شهر تلمسان الجزایر در ۱۸۹۸م، به دنیا آمد و در ۳ جون ۱۹۷۴م، در پاریس فرانسه درگذشت و در مقبره شیخ سنوسی به خاک سپرده شد. ایشان از مبارزان نامدار سرزمین الجزایر در برابر استعمار فرانسویان و دیگر استعمارگران سرزمین‌های اسلامی و عربی است که ضمن رهبری جریان‌های آزادی‌خواهی، ایشان بنیان‌گذار حزب سیاسی «تجم الشمال افریقا» ست. جهت آگاهی بیشتر نگاه شود: مذكرات مصالی الحاج ۱۸۹۸ - ۱۹۳۸، مؤلف: مصاللی الحاج، المترجم: محمد المعراجی، الناشر: منشورات ANEP، الطبعة: ۲۰۰۷ م. «مرکز تدوین»

۲. محمد بن عبدالکریم خطابی مشهور به امیر محمد ریفی؛ سیاست‌مدار، فرمانده مبارزان منطقه ریف و رهبر مقاومت ضد استعمار اسپانیایی و فرانسوی بود که در سال ۱۸۸۲م، در شهر اجدیر مراکش به دنیا آمد. محمد تحصیلات خود را در شهر خودش اجدیر با حفظ قرآن و تعلیمات دینی آغاز کرد. سپس در

موریتانیا شیخ ابوالعین، اعلان جهاد کردند و تا مرز استقلال، کشورهای خود را رهبری کردند.

در پایان این سخن استاد شهید از یک واقعیت تلخ چنین پرده برداری می‌کند، آنجا که می‌گوید:

«... در حالی که ملی‌گرایان سکولار این کشورها به جز تعداد انگشت شمار که آن هم در صف اسلام‌گرایان قرار گرفته بودند، دیگران همه همتی جز تجرید حرکت‌های آزادی‌بخش از عنصر اساسی و اصیل آن؛ یعنی اعتقادات دینی - که عامل اساسی در مبارزات آزادی‌بخش بود - کار دیگری انجام ندادند»^۱

در همین سیاق در موضوع قومیت و رابطه آن با اسلام و جایگاهش در فرهنگ و معارف اسلام، محققانه و منصفانه حرف دارد و بسیار مستدل در صفحه ۱۲۲ می‌گوید:

«... اسلام تعدد اقوام و قبایل را یکی از پدیده‌های آفرینش و مظاهر قدرت الهی می‌داند. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...﴾^۲

و دوام می‌دهد و می‌گوید:

شهرهای تطوان و فاس ادامه تحصیل داد. بعد از آن در مدرسه‌ای در شهر ملیله دروس دبیرستان را ادامه داد، تحصیلات دانشگاهی‌اش را در دانشگاه قرویین شهر فاس انجام داد. او بعد از ختم تحصیلات به انجام مسئولیت‌های بزرگ دولتی و غیردولتی و مبارزه با استعمار و دولت‌های استعمارگر پرداخت و سرانجام در سال ۱۹۲۶م، از سوی حکومت فرانسه همراه با خانواده‌اش به جزیره ریونیون تبعید شد و مدت ۲۰ سال را در آنجا سپری کرد و بعداً به مصر رفت و تا پایان عمر در آنجا ماند و در ۶ فبروری ۱۹۶۳ م، در قاهره درگذشت و در مقبره الشهدای قاهره دفن شد. نگاه: مذكرات الأمير محمد بن عبدالکریم الخطابی، تألیف روجر ماثیو (۱۹۲۷)؛ ترجمه عمر أبوالنصر؛ دار النشر العباسیة؛ طبعه ۲۰۰۵ م. «مرکز تدوین»

۱. کاروان حرم؛ ص: ۱۲۲. «نویسنده»

۲. متن آیه مبارکه و ترجمه معانی آن این است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت و قبیله قبیله گردانیدیم؛ تا با یکدیگر شناسایی متقابل کنید، در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست، بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.) حجرات / ۱۳. «مرکز تدوین»

در آیت دیگر:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافِ اَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَاكِنُمْ اِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾^۱

اختلاف رنگ و نژاد و زبان‌های مختلف را در پهلوی خلقت دستگاه‌ها عظمت نظام شمسی و آسمان و زمین از نشانه‌های حیرت‌انگیز قدرت الهی می‌خواند.

و در آیت دیگر:

﴿وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ اِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللّٰهُ مَنْ يَّشَاءُ وَيَهْدِيَ مَنْ يَّشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^۲

فرستادن انبیا را از میان اقوام و ملل و رسانیدن پیام الهی را به زبان همان اقوام، یکی از سنت‌های الهی معرفی می‌نماید.

در صفحه ۱۲۳ موضوع را چنین بررسی می‌کند:

آیات متعددی، اهمیت زبان و قومیت را در سلسله بعث انبیاء، بیان می‌کند و آیت‌های را به این ترتیب می‌آورد:

﴿لَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلَىٰ قَوْمِهِ...﴾^۳

﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ...﴾^۴

۱. (و از نشانه‌های [قدرت] او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌های شما و رنگ‌های شماست، قطعاً در این [امر نیز] برای دانشوران نشانه‌هایی است.) روم / ۲۲. «مرکز تدوین»

۲. (و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم؛ تا [حقایق را] برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد، بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و اوست ارجمند حکیم.) ابراهیم/ ۴. «مرکز تدوین»

۳. متن کامل آیه مبارک و ترجمه معانی آن این است: ﴿لَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَيْرِهٖ اِنِّيْ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ (همان‌انوح را به‌سوی قومش فرستادیم. پس گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست، من از عذاب روز سترگ، بر شما بیمناکم.) اعراف / ۵۹. «مرکز تدوین»

۴. متن کامل آیه مبارک و ترجمه معانی آن این است: ﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَيْرِهٖ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اَيُّهٗ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِيْ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمْسُوْهَا سِوَاَ قِبَاۡحُذِكُمْ عَذَابَ اَلِيْمٍ﴾

(و به‌سوی [قوم] ثمود، صالح برادرشان را [فرستادیم] گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، برای شما معبودی جز او نیست. در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان دلیل آشکار آمده‌است، این ماده ستر

﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ...﴾^۱

﴿وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا...﴾^۲

بعد از این سخن خود را این طور دوام می دهد:

«پس اسلام در حالی که موضوع قومیت را نادیده نمی گیرد و رسالت های آسمانی با رعایت خصوصیت های فرهنگی و زبانی اقوام، آنان را به سوی حق و هدایت دعوت می کند و میهن دوستی و حفظ مصالح و منافع مشروع ملت ها را نادیده نمی گیرد؛ اما قوم گرایی افراطی را تأیید نمی کند»^۳

بعد با استناد به احادیث پیغمبر Y چنین اضافه می کند:

«اسلام رابطه میان انسانان را بالاتر از قوم و قبیله مطرح می نماید؛ اما مصالح اقوام و احساس و عواطف انسانان را به قوم و میهن شان نادیده نمی گیرد»^۴

استاد شهید بحث را گسترده کرده معنا و مصداق وطن دوستی و قوم پرستی را به بررسی گرفته طی چندین صفحه به شرح و تفصیل پرداخته چنین می گوید:

«با ملاحظه مطالب فوق به این نتیجه می رسیم که از نظر فرهنگ و معارف اسلامی اتحاد امت اسلامی با منافع ملی و مصالح ملت ها و کشورهای

خدا برای شماست که پدیده ای شگرف است. پس آن را بگذارید؛ تا در زمین خدا بخورد و گزندى به او نرسانید؛ تا [مبادا] شما را عذابى دردناك فرو گیرد. (اعراف / ۷۳. «مرکز تدوین»

۱. متن کامل آیه مبارک و ترجمه معانی آن این است: ﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ﴾

(و لوط را [فرستادیم] هنگامی که به قوم خود گفت: آیا آن کار زشت [ی] را مرتکب می شوید که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است.) (اعراف/ ۸۰. «مرکز تدوین»

۲. متن کال آیه مبارک و ترجمه معانی آن این است: ﴿وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَقْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾

(و به سوی [مردم] مدین برادرشان شعیب [فرستادیم] گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست، در حقیقت شما را از جانب پروردگارتان برهان روشن آمده است. پس پیمانہ و ترازو را تمام نهید و اموال مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید، این [رهنمودها] اگر مؤمنانید برای شما بهتر است.) (اعراف/ ۸۵. «مرکز تدوین»

۳. کاروان حرم؛ ص: ۱۲۵. «نویسنده»

۴. همان؛ ص: ۱۲۵. «نویسنده»

اسلامی نه تنها تضاد ندارد؛ بلکه مایه قوت و استحکام منافع و مصالح ملت‌ها می‌گردد»^۱

و در پایان، این نتیجه را با سندهای تاریخی غیر قابل انکار خاتمه می‌بخشد و این حقیقت بر ملا می‌گردد، که یک انسان آگاه و سالم فکر در عین زمانی که یک وطن‌دوست است، می‌تواند یک مسلمان ملتزم و دین‌دوست هم باشد و برعکس آن نیز.

۲۵- از نوشته‌های این مقالات بر می‌آید، که جناب استاد شهید، یک نصیحت‌گر و خیرخواه بی‌آلایش و با تجربه است، که نظیرش کم‌تر سراغ می‌شود، مثلاً در سیاق بیان مزایای روزه، می‌گوید:

«...بلی! باید مسلمان به تحمّل شرایط و اوضاع مختلف و متباین آماده باشد. چه طبیعتاً هر مسلمان در معرض تحولات مختلف قرار دارد و مسلمان انقلابی آماده رویارویی با هر مشکل است. همان است که او در فتح مغرور نمی‌گردد و در شکست مأیوس نمی‌شود»^۲

و استاد شهید اضافه می‌کند و می‌گوید:

«غنا و ثروت از جاده صواب دورش نمی‌سازد و فقر و ناداری، عنان از کفش نمی‌رباید. چه خوش فرموده‌اند فاروق اعظم: ﴿إِخْشَوْهُنَّ فَإِنَّ النِّعْمَةَ لَا تَدُومُ﴾^۳

(به سختی و خشونت خو گیرید؛ چه نعمت دوامدار نیست.)^۴

توجه به این جمله «نعمت دوام ندارد» نشان می‌دهد که استفاده از آن در چنین سیاقی خود گویای بلیغی از تجربه پیرانه مشفق است؛

۱. همان؛ ص: ۱۲۹. «نویسنده»

۲. همان؛ ص: ۱۵۰-۱۵۱. «نویسنده»

۳. کاروان حرم؛ ص: ۱۵۱. «نویسنده»

۴. هر چند این سخن را شماری به پیامبر نسبت داده‌اند؛ اما این نسبت را دانشمندان حدیث به دلیل وجود عبدالله بن سعید مقبری نادرست خوانده‌اند. و شماری هم نسبت آن را به عمر فاروق کرده‌اند؛ ولی تعدادی چون البانی نسبت آن را به عمر هم ضعیف دانسته‌اند؛ اما بی‌گمان معنای آن و صدور آن از حضرت عمر بعید نیست؛ زیرا روایت درستی از عمر وجود دارد که این معنا را می‌رساند، همانند این سخن ایشان که فرمودند: ﴿وَلْيَاكُمُ وَالتَّعَمُّ وَزَيَّ أَهْلَ الشَّرِّ وَلْيُوسَ الْحَرِيرُ﴾ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۰۶۹. «مرکز تدوین»

۲۶- خاکساری و تواضع استاد شهید، در همه صفحات نوشته‌هایش، جلوه‌گری می‌کند، که خود برای نسل‌های آینده، درس جداگانه‌ای از سیرت این بزرگوار به شمار می‌رود. مثلاً خطاب به خوانندگان مجله «شرعیات» من حیث مدیر مسئول آن، می‌گوید:

«.. از خوانندگان خردمند، صمیمانه توقع داریم؛ تا در اثر تقدیم پیشنهادها و رهنمایی‌های خویش، اداره نشرات پوهنهی را ممنون و در وزن ساختن این مجله کمک مؤثری کنند.»^۱

۲۷- از پدیده‌های بسیار با ارزش و با اهمیت، در این اثرها، دید عاشقانه و بینش عارفانه این بزرگ مرد، نسبت به شخصیت والای پیغمبر اسلام است، که در چندین مقاله دیده می‌شود، چنان‌که می‌گوید: «... در میان یک جمعیتی دور از تمدن که با آداب انسانی و نوامیس اخلاقی کم‌تر آشنایی داشتند، موجود گرامی‌ای به دنیا آمد که سرنشینان کشتی اخلاق، فضیلت، دانش و تمدن از آن روز به بعد الی آخرین نفس، مرهون تعلیمات و هدایات او می‌باشند.»^۲

در رابطه به میلاد النبی Y چنین می‌گوید:

«روز میلاد او، از پرافتخارترین روزهای تاریخ مسلمین و جهان می‌باشد. بر ما مسلمین است، تا در استقبال این روز فرخنده، تنها به ابراز احساسات اکتفا نکنیم؛ بلکه بکوشیم تعالیم و هدایات او را قدم به قدم تعقیب کنیم و بدین وسیله به خود و عالم انسانیت هدایایی از خیر و فضیلت را نثار کنیم.»^۳

این روز که میلاد جهان‌نو - به تعبیر حقیقی و مفهوم انسانی آن - است. برای پرده برداشتن از عظمت شخصیتی که در آن روز چشم به جهان گشوده است چنین می‌گوید: «علم و عقل را اساس تبلیغات خود معرفی کرده و مقام علما را از همه بالاتر گفت. از اینجاست که هر قدر معارف امروزی توسعه می‌یابد و به هر اندازه که حقایق نوین علمی کشف می‌شود، به همان اندازه عظمت پیغمبر اسلام و حقانیت دین مبین اسلام در نگاه بشریت جلوه‌گر

۱. همان؛ ص: ۹۲. «نویسنده»

۲. همان؛ ص: ۱۷۱. «نویسنده»

۳. همان؛ ص: ۱۷۷. «نویسنده»

می‌شود.^۱

استاد شهید در این سیاق می‌افزاید:

«...در میان جمعیت آمد؛ تا ارمغان الهی را به مردم رساند و بر بدبختی‌های عرب و عجم خاتمه بخشید. مأمور بود که مسیر تاریخ را عوض کند و جریان حوادث را تغییر دهد و انقلابی را روی کار آورد که صدها اصلاح را در آغوش داشته باشد.

او اراده داشت مانند ابراهیم بت شکن اصنام کعبه را درهم شکنند و خانه خدا را از لوٲ بتان پاک سازد. او می‌خواست به نارسایی‌های عرب خط بطلان کشد و البته تصمیم به این عمل، مقارن آن روزگار، کار آسانی نبوده و بلکه از حدود امکان هم بعید بود. زیرا در میان توده‌ای مبعوث شده بود که اصلاح و هدایت آنان از توان بشری خیلی‌ها بالاتر بود. عرب‌های آن روز مردمان سنگدل، سرسخت، ظالم و آشوبگر بودند..ضعفا آله دست اقویا بوده، عدل و عفت از جمله قبايح، ظلم و آشوبگری، قابل افتخار و در فهرست فضایل حساب می‌شد.»^۲

استاد شهید این مقاله را چنین عنوان داده‌است، که خود یک ابتکار بسیار آگاهانه و عاشقانه است. «بزرگترین اعجاز تاریخ»^۳ و مقاله بعدی را «به یاد بود مصلح اعظم»^۴ عنوان داده‌است.

مقاله اولی که در سال ۱۳۴۱ نوشته شده‌است، این گونه پایان می‌یابد:

عارف بزرگ شرق، مصلح‌الدین شیرازی^۵ چه نیکیو گفته است:

مپندار سعدی که راه صفا

۱. همان؛ ص: ۱۷۶-۱۷۷. «نویسنده»

۲. همان؛ ص: ۱۷۴. «نویسنده»

۳. این مقاله را می‌توان در کاروان حرم خواند. «مرکز تدوین»

۴. این مقاله را هم می‌توان در کاروان حرم خواند. «مرکز تدوین»

۵. ابو‌عبدالله مشرف ابن مصلح، مشهور به شیخ سعدی یا شیخ شیراز؛ شاعر و نویسنده که به «أَفْصَحُ الْمُتَكَلِّمِينَ» معروف شده‌است. در باب نام و نام پدر و همچنین در باب تاریخ ولادت سعدی، اختلاف بسیار است؛ چنان‌که نام او و پدرش را گونه‌گون نوشته‌اند و ولادتش را از ۵۷۱ تا ۶۰۶ هـ.ق، احتمال داده‌اند، همچنین در تاریخ وفاتش، سال ۶۹۰ و ۶۹۵ هـ.ق، نیز ذکر شده‌است. در کودکی از پدر یتیم ماند، خانواده و قبیله او غالباً عالمان دین بودند، آثار سعدی متنوع و بسیار است و تمام آنان تحت عنوان «کلیات سعدی» جمع و تدوین شده‌است. نگاه: بوستان سعدی، ص: ۵-۸. «مرکز تدوین»

توان رفت جز بر پی مصطفی^۱

و مقاله دومی که در سال ۱۳۶۹ نوشته شده است، با این عبارات پایان داده شده است:

«امیدواریم از سالگرد میلاد رسول اعظم، تنها این قدر نیاموزیم که چند ورقی بنویسیم و یا چند جمله بنویسیم و یا هم چند جمله بشنویم و سپس تا سال دیگر تا همین وقت، همه چیز را فراموش و تعالیم رهبر بزرگ خود را بگذاریم.. خدایا! به ما توفیق عطا کن، تا نقش قدم پیامبر محبوبت را درست تعقیب کنیم!»^۲؛

۲۸- احترام و اِجلال از یاران و اصحاب پیغمبر، که نوشته‌ها را در حد بلند از زیبایی ایمانی قرار داده است و در هیچ مناسبتی زبان اعتراض به صحابه پیغمبر خدا دیده نمی‌شود و به قدوه بودن و الگو گردیدن آنان همیشه تأکید دارد. استاد شهید آن گاه که از میلاد پیغمبر خدا یاد کرده، می‌گوید:

«بزرگترین انقلاب آزادی‌بخشی بود، که گریبان بشریت را از چنگال جهل و جهالت‌ها و بی‌عدالتی‌ها نجات داد. تحوّل عظیم و جنبش‌رهایی‌بخش را در همه شئون زندگی، در عقیده و عمل، فکر و فرهنگ، اقتصاد و سیاست، اخلاق و اجتماع بار آورد. آثار عمیق و دامن‌دار آن، در همه موارد، کاملاً روشن و آفتابی است.»^۳

بعدترش در اشاره به صحابه کرام می‌گوید:

«.. مغزهای سالم و قلب‌های پاک، دعوتش را پذیرفتند.»^۴

استاد شهید، نمادهای مقاومت در برابر دعوت رسول خدا را به سه شکل

معرفی می‌دارد:

اوّل - تعذیب و شکنجه؛

دوّم - پخش شایعات و افتراءات دروغین در داخل و خارج؛

۱. بوستان سعدی، ص: ۲۲، تصحیح و مقدّمه: محمدعلی فروغی، نوبت چاپ، اوّل، ۱۳۹۵ هـ.ش، چاپخانه طلائع، تهران - ایران. «مرکز تدوین»

۲. کاروان حرم؛ ص: ۱۸۹. «نویسنده»

۳. همان؛ ص: ۱۸۱. «نویسنده»

۴. همان؛ ص: ۱۸۳. «نویسنده»

سوم - مقاطعه اقتصادی و اجتماعی^۱

در بخش اول ماجرای خانواده یاسر را ذکر می‌کند و از هجرت به حبشه یادآوری می‌کند. چون شکنجه کارگر نیفتاد، به شایعه پراکنی و تبلیغات سوء رو آوردند، که با تصمیم قاطع پیغمبر خدا و تحمل و صبر یاران، این دو طریقه کارگر نشد، به نیرنگ و سلاح «مقاطعه» پناه بردند و همه دشمنان در یک توافق، میثاق سیاهی را ترتیب داده به دیوار کعبه آویختند؛ اما پیروان اسلام و یاران پیغمبر دست از مقاومت نبرداشته به دعوت خود پافشاری کردند. استاد شهید در این سیاق عوامل پیروزی صحابه را در این کشمکش به سه دسته تقسیم کرده است:

اول - شکیبایی پیامبر اکرم { در راه انجام رسالت؛

دوم - عناصر نیرومند مسلمان که به دست پیغمبر تربیت یافته بودند و چنان متشکل بودند، که آماده هر نوع قربانی و ایثار شده بودند؛ سوم - ایجاد یک جامعه کاملاً اسلامی که از تأثیر هر نوع فرهنگ، اقتصاد و سیاست دیگر آزاد بودند. تنها هدایات آسمانی بر حیات شان حاکم بود، که ادامه دعوت اسلامی را تضمین می‌کرد.^۲

و صحابه کرام که مصداق آیت ﴿..أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ..﴾^۳ بودند. استاد شهید در سیاق بیان احوال آنان چنین می‌گوید:

«دشمنان خدا، چون دیدند شکنجه و تعذیب، رهروان راه محمد Y را از

۱. همان؛ ص: ۱۸۳. «نویسنده»

۲. همان؛ ص: ۱۸۶ - ۱۸۷؛ نقل قول بالمعنی با اختصار و ایجاز. «مرکز تدوین»

۳. متن کامل آیه مبارک و ترجمه معانی آن این است: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجِدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْطَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ فتح/۲۹ (محمد [Y] پیامبر خداست و کسانی که با او هستند، بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربان‌اند آنان را در رکوع و سجود می‌بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌های شان است، این صفت ایشان است در تورات و مثل آنان در انجیل، چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد؛ تا سبتر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد؛ تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد، خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.) «مرکز تدوین»

راه‌شان منصرف نمی‌گرداند؛ بلکه بر خلاف، تشدید شکنجه‌گران، نیروی آنان را، افزایش می‌بخشد؛ لذا دست به استخدام سلاح دیگر زدند.^۱؛

۲۹- تسلط چشم‌گیر استاد شهید، به تاریخ و موضوعات آن است، که در عرصه استدلال و طرح موضوعات، خواننده را رهنمایی خوبی می‌کند. (به فقره ۳۰ نظر انداخته شود)؛

۳۰- احاطه شگفت‌انگیز استاد شهید و اطلاعات وسیع ایشان، در تاریخ معاصر، به‌خصوص، سازمان‌ها و رهبران آن، در سطح همه کشورهای مسلمان، چنان‌که می‌گوید:

«... جنبش ملی‌گرایی از کجا آغاز شده‌است؟ و آثار آن بر کشورهای اسلامی چه بوده‌است؟.. و اساساً فرهنگ تفرقه از کجا آب می‌خورد؟»^۲
استاد شهید در پاسخ به سوالات فوق چنین می‌پردازد:

«تا جایی‌که تاریخ نشان می‌دهد، سرآغاز حرکت بومی و ابتدایی «ناسیونالیزم»^۳ از تجمعات قبایل بزرگ و تشکیل هسته‌های اولی دولت‌ها در میان آنان، آغاز یافته‌است. این قبایل با ایجاد حاکمیت در جهت سرکوبی قبایل ضعیف‌تر و انحصار قدرت و حاکمیت در قبیله خویش، احساس قوم‌گرایی بدوی را رقم زده‌اند و مراحل اولی بروز قومیت‌گرایی از همین کتله‌بندی‌ها آغاز شده‌است؛ اما حرکت‌های ملی و قومی به‌عنوان جریان کشورهای مؤثر در تحولات تاریخی مخصوصاً در کشورهای اروپایی در قرن هجدهم و به‌ویژه بعد از انقلاب ۱۷۸۹ کشور فرانسه^۴ است که عامل ظهور جنبش‌های

۱. کاروان حرم؛ ص: ۱۸۴

۲. همان؛ ص: ۱۱۲. «نویسنده»

۳. واژه ناسیونالیزم - که در فارسی معادل‌های چون: ملی‌گرایی و ملت‌باوری نیز به آن اشاره دارد - از مشتقات واژه nation است، که خود از ریشه لاتینی nasci به‌معنای متولدشدن گرفته شده و در ابتدا به‌معنای گروهی از مردم به کار می‌رفته که در یک سرزمین متولد شده‌اند. امروزه در ادبیات سیاسی، ناسیونالیزم یا ملت‌باوری به‌معنای آگاهی ملی و احساس تعلق به یک ملت مشخصی که با ویژگی‌های خاص از سایر ملت‌ها متمایز شده‌است، به کار می‌رود... نگاه: فرهنگ واژه‌ها، ص: ۵۶۸ و فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۵۷۶ - ۵۷۷. «مرکز تدوین»

۴. انقلاب فرانسه (۱۷۸۹ - ۱۷۹۹ م)؛ دوره‌ای از دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی در تاریخ سیاسی فرانسه و اروپا بود. این انقلاب، پس از فرازونشیب‌های بسیار، منجر به تغییر نظام سلطنتی به جمهوری لایبک در فرانسه انجامید. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۱۱۳. «مرکز تدوین»

ملّی‌گرایی در کشورهای اروپایی گردید و عامل عمده جنگ‌ها و انقلاب‌ها و تحولات قرن نوزدهم را نیز تشکیل می‌دهد.^۱

پس از این نویسنده، ملّی‌گرایی را به دو نوع تقسیم کرده که یکی فلسفی و حقوقی، که بر حقوق ملّت‌ها در استقلال و حاکمیت مردم تأکید می‌کرده است، که بیشتر از انقلاب کبیر فرانسه الهام می‌گرفته است و دیگری تاریخی که به گذشته و تعلقات قومی می‌نگریسته است که مثال آن، ملّی‌گرایی آلمانیان بوده است، که بر همبستگی نژادی تکیه کرده از حقوق بشر و روابط انسانی هیچ سراغی نبوده است. استاد سخن خود را این گونه نتیجه می‌دهد که می‌گوید:

«مهم‌ترین نقش ملّی‌گرایی در این مرحله محور قرارگفتن آن برای تأمین وحدت ملّی و شکل‌گیری دولت‌های مبتنی بر ملّت‌های واحد بود.»^۲

استاد شهید مبحث ملّی‌گرایی در کشورهای اسلامی و شرق میانه را با ظرافت کامل و دقت کم‌نظیر چنین پیگیری می‌کند:

«در این جا به تأثیرات حرکت‌های ملّی‌گرایی در جهان اسلام و به خصوص شرق میانه تماس مختصری می‌گیریم و ملاحظه می‌کنیم گروه‌های ملّی‌گرایی که تحت تأثیر فرهنگ ملّی‌گرایی غرب قرار گرفته بودند، عکس‌العمل‌شان در مسایل ملّی چه بود؟ و آنانی که در کشورهای اسلامی زیاد تحت تأثیر این جریان قرار نگرفته و متأثر از تفکر اسلامی بودند، در مسایل ملّی چه نوع موضوع‌گیری داشتند؟»^۳

نویسنده جان سخن را از منظر تاریخی آن چنین بر ملا می‌کند:

«جنبش ملّی‌گرایی و قوم‌پرستانه همزمان با حملات استعماری کشورهای اروپایی بر کشورهای اسلامی به جهان اسلام سرایت کرد»^۴

نویسنده ما در این مرحله‌ای از بیان، با تحقیق خود از حقیقت‌های

تاریخی چنین پرده برداری می‌کند:

۱. کاروان حرم؛ ص: ۱۱۲. «نویسنده»

۲. همان؛ ص: ۱۱۳. «نویسنده»

۳. همان؛ ص: ۱۱۴. «نویسنده»

۴. همان؛ ص: ۱۱۴-۱۱۵. «مرکز تدوین»

«... به استثنای محدودی از شخصیت‌های این جنبش که به‌عنوان طرفداران مبارزه علیه استعمار قد علم کردند، دیگر همه شخصیت‌های جریان‌های ناسیونالیستی در شرق میانه به یک حرکت ضد ارزش‌ها و در نهایت همکاران نزدیک استعمار در راه پیاده‌کردن اهداف آن تبدیل شدند»^۱
در توضیح حقیقت ذکر شده، نویسنده علاوه می‌کند:

«ناسیونالیست‌های «شرق میانه» دو هدف را تعقیب می‌کردند، یکی بازگشت عرب‌ها به تاریخ قدیم فرعون‌ی و فینیقی^۲ و کلدانی^۳ با دین زدایی و عربی زدایی، که به برگشت به لهجه عامیانه مصری دعوت می‌کردند و دیگر بازگشت به زبان عربی و دوره جاهلی با حذف تعالیم اسلامی، که در واقع

۱. همان؛ ص: ۱۱۵. «مرکز تدوین»

۲. فینیقی؛ صفت نسبی منسوب به فنیقیه، سرزمین مابین دریای مدیترانه و دامنه غربی جبال لبنان، تقریباً محل کنونی لبنان، فنیقیه یا فینیقی‌ها ملتی بودند سامی‌نژاد که تقریباً در دو هزار و پنج‌صد سال پیش از میلاد، از عربستان سر برآورده و بعدها بین دریای مغرب و جبل لبنان سکنی گزیدند. خود فینیقی‌ها می‌گفته‌اند که موطن اصلی آنان سواحل خلیج فارس بوده. فنیقیه معرب اسمی است که یونانی‌ها به این مملکت داده‌اند و به معنای الهه آفتاب سرخ است که از مشرق ظاهر شده؛ اما فینیقی‌ها خودشان را کنعانیان می‌نامیدند. مذهب اینان بر شرک و بت‌پرستی بود و چیزهای زیادی از بابل اخذ کرده بودند. از حیث تمدن فینیقی‌ها چون بین دو ملت تمدن قدیم؛ یعنی مصری‌ها و بابلی‌ها واقع بودند، چیزهای زیادی از آن‌ها اقتباس کردند؛ ولی بیشتر به بابلی‌ها شباهت داشتند. از شهرهای زیادی که در ساحل دریای مغرب بنا کرده بودند چند شهر معروف بود از جمله: صیدا، صور، ارواد و جبل. فینیقی‌ها به واسطه نفاق داخلی موفق نشدند دولت واحدی تشکیل دهند و هر شهر آن‌ها امیر یا پادشاهی داشت؛ اما این قوم در دریانوردی شهرتی به‌سزا یافتند. نگاه: لغت‌نامه دهخدا. «مرکز تدوین»

۳. کلدانی؛ منسوب به کلد، از مردم کلد، اهل کلد و کلد، نام ناحیتی است که بین سواحل دو شط بزرگ دجله و فرات قرار دارد، در حدود چهار هزار سال پیش از میلاد، در این ناحیه تمدن درخشانی به‌وجود آمد که از حیث قدمت و شکوه تقریباً هم‌پایه تمدن مصر می‌باشد. زبان کلدانی؛ نامی که در گذشته گاهی به مجموعه زبان‌های سامی و گاهی به مجموعه زبان‌های سامی شرقی و گاهی به زبان قدیمی سامی کلد می‌دادند. امروزه مظاهر خارجی تمدن کلد را مانند هنر، رسوم و آداب بدان می‌نامند و برای نامیدن زبان کلد، اصطلاح اکدی را به کار می‌برند. نگاه: لغت‌نامه دهخدا. «مرکز تدوین»

منادیان سکولاریزم^۱ و مارکسیزم^۲ گردیدند، مثل سوریه^۳ و لبنان^۴ و...^۵

استاد شهید نتایج و فرجام این حرکت‌های مشبوه و استعماری را بسیار کوتاه و رسا، چنین نشان می‌دهد:

۱. واژه سکولاریزم برگرفته از واژه لاتینی *secularist*، مشتق از *speculum* به معنای «نیا» یا «گیتی» در برابر «مینو» است و مفهوم کلاسیک مسیحی آن نقطه مقابل ابدیت و الوهیت است. سکولار یعنی آنچه به این جهان تعلق دارد و به همان اندازه از خداوند و الوهیت دور است. عقیده‌ای است، مبنی بر جداسدن نهادهای حکومت و کسانی که بر مسند دولت می‌نشینند، از نهادهای مذهبی و مقام‌های مذهبی، از آنجا که اصطلاح سکولاریسم در موارد مختلفی استفاده می‌شود، معنای دقیق آن بر اساس نوع کاربرد متفاوت است، در حکومت معنای سکولاریسم، عدم دخالت باورهای مذهبی در امر حکومت است، در جامعه‌شناسی، سکولاریسم به هر موقعیتی که در آن جامعه مفاهیم مذهبی در تصمیم‌گیری‌ها کم‌تر دخالت داشته باشد، اطلاق می‌گردد. واژه سکولار در زبان لاتین به معنای «این جهانی»، «دنیوی»، «گیتیانه» و متضاد با «دینی» یا «روحانی» است و در عربی آن را به معنای علمانیت برگردان کرده‌اند؛ چون اگر آن را به معنای اصلی آن برگردان می‌کردند، حساسیت‌برانگیز بود؛ لذا به علمانیت در عربی و عین اصطلاح را در فارسی به کار بردند. نگاه: فرهنگ واژه‌ها، ص: ۳۲۷ و «التطرف العلمانی فی مواجهة الاسلام»، از دکتر یوسف قرضاوی. «مرکز تدوین»

۲. مارکسیزم؛ مکتب سیاسی و اجتماعی است که تحت تأثیر اندیشه‌های «کارل مارکس»، فیلسوف آلمانی در اواخر قرن نوزدهم پیدا شد. به معنای وسیع کلمه؛ مارکسیزم یک مکتب فلسفی سیاسی و اشتراکی است که شاگردان روسی مارکس «پلخانف و لنین» اند. علامه شهید سید قطب *G* در اوج این اندیشه، در مورد آن چنین گفته بود: «مارکسیسم که در آغاز ظهورش شمار زیادی را در شرق - و حتی در غرب - به‌خاطر تلقی کردن آن به‌عنوان یک سیستم ایدئولوژیک به خود جذب کرد. از ناحیه طرز فکر، عقب‌نشینی بسیار واضحی داشته است و تقریباً هم اینکه به دولت و نظام‌های آن محدود می‌باشد که از اصول سیستم فاصله بسیار زیادی گرفته‌اند و درکل، مارکسیزم با طبیعت فطرت بشری و مقتضیات آن در تضاد است و جز در یک محیط درهم شکسته یا محیطی که روزگاران دراز با نظام دیکتاتوری خو گرفته باشد، نمی‌تواند رشد کند و حتی در این محیط‌ها - نیز - در بُعد مادی اقتصادی - که زیر بنا و مایه مباهات آن است - به تدریج به شکست مواجه می‌شود» و مارکسیست به کسی گفته می‌شود که طرفدار این اندیشه باشد. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۵۱۶ - ۵۲۱ و نشانه‌های راه، ص: ۱ - ۲. «مرکز تدوین»

۳. سوریه؛ در جنوب غرب آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۲۲۱۹۸۰۰۰ نفر تخمین شده است. پایتخت آن شهر دمشق، زبان رسمی آن عربی و واحد پول آن پوند سوریه است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۵. «مرکز تدوین»

۴. لبنان؛ در غرب آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۱۰۴۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۴۱۲۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. واحد پول آن لیره لبنان، زبان رسمی آن عربی و پایتخت آن شهر بیروت است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۹. «مرکز تدوین»

۵. همان؛ ص: ۱۱۵؛ البته نویسنده مقاله اینجا هم نقل بالمعنی کرده است. «مرکز تدوین»

«ملّی‌گرایی در ترکیه^۱ باعث سقوط خلافت و در آسیای میانه^۲ باعث تسلّط مارکسیزم و از دست دادن استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی‌شان شد. ملّی‌گرایی در ایران در عهد رضاخان پدر شهنشاه مخلوع و در افغانستان، در عهد امان‌الله خان که با غرب‌گرایی افراطی توأم بود، آغاز شد و در اثر مُقاومت‌های داخلی به ناکامی مواجه گردید.»^۳

۳۱- اطلاعات دقیق و همه جانبه از تاریخ اروپا و کشمکش‌های کلیسا با دانشمندان در قرون وسطی و سرانجام شکست کلیسا، بعد از چند صد سال خونریزی و تباهی از طرف دیگر با توصیف دقیق اسلام، در واقع مقایسه سریع اسلام را با مسیحیت به بسیار مهارت، انجام می‌دهد و بدون هیاها با کمال خون سردی - که دأب داعیان با ثبات و با تجربه است - دعوت خود را به بهترین اسلوب عرضه می‌کند. در ص ۹۰ چنین می‌خوانیم:

«چه اسلام دین عقل و دانش است و دانشمندان به گنجینه‌های سرشار آن، خوب‌تر آگاهی حاصل می‌کنند.»

«اسلام نظامی است که عقیده و طرز تفکر، پرستش و نیایش، وطن و ملیّت، دین و دولت، سیاست و روحانیت، کتاب و شمشیر، فرهنگ و قانون همه را در بر دارد.»^۴

۱. ترکیه؛ کشوری است که در جنوب غرب آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۷۷۹۴۵۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۷۳۰۸۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. پایتخت آن شهر «آنکارا»، زبان رسمی آن ترکی و واحد پول آن لیره ترکیه است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۱. «مرکز:»

۲. آسیای میانه؛ در میان دو رود آمو دریا و سیردریا جای دارد، در منابع کهن تر عربی و فارسی «ماوراءالنهر» و در فارسی «فرارود» گفته می‌شد، اگرچه مرزهای دقیقی برای این سرزمین تعریف نشده است؛ اما معمولاً کشورهای امروزی ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و سرزمین‌های دیگری؛ چون: افغانستان، شمال شرق ایران، مغولستان، کشمیر، شمال و غرب پاکستان و گاه سین کیانگ در غرب چین و جنوب سایبیرا در روسیه را نیز شامل آسیای میانه می‌دانند. آسیای میانه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی سابق در ۱۹۹۱ م، کاملاً مستقل و آزاد شدند. نگاه: «آسیای مرکزی و حدود آن»، بهرام امیر احمدیان، فصل نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۵ (تابستان ۱۳۷۳)، ص: ۳۷ - ۳۸. «مرکز تدوین»

۳. کاروان حرم ص، ۱۱۸. «مرکز تدوین»

۴. این سخنان استاد شهید شبیه این سخنان حضرت امام حسن البنّای شهید است: «اسلام، نظام کامل و شاملی است که همه بخش‌های زندگی را در بر می‌گیرد و لذا اسلام هم دولت است و میهن، حکومت است و اُقت، اخلاق است و قدرت، رحمت است و عدالت، هم فرهنگ است و قانون، هم علم است و

۳۲- نقد بی‌امان و توضیح یک حقیقت و واقعیت تلخ تاریخی، در تاریخ اسلامی، که از حنجره تعدادی از فرزندان با نام و نشان مسلمانی، در عالم اسلامی، پخش شده است و آن تعمیم تاریخ و سرگذشت اروپاییان، بر دیگران است که خود مایه انحرافات فکری زیادی گردیده است، استاد شهید، دین اسلام را مورد خطاب قرار داده چنین می‌گوید:

«...در میان پیروان، بعضی از فرنگی‌مآبانی^۱ هم سر زدند که به عنوان خدمتگاران افتخاری و صادق استعمار، پنهان و آشکار ذهنیت احمقان شبیه خودشان را مغشوش ساخته و با هنگامه‌های نابه‌هنگام آشوبی تولید کردند»^۲
در همین سیاق استاد شهید چنین می‌افزاید:

«مگر این آهنگ‌های دلخراش را جز گوش‌های علیل کسی نشنید. در این همه گیرودار و نبردهای خونین بسیار کمی از پیروان با تو اندکی همنوایی کردند و تو یگانه و تنها وارد این رزمگاه شدی و در برابر این سیلاب‌های خونین مدهش، جلال و جبروت خود را حفظ کردی؛ پیروان سست‌عنصرت منتظر نتیجه، نشسته.»^۳

استاد شهید به تعبیر عالی و بسیار گیرای خود این گونه دوام می‌دهد:
«...ای رهبر عقل؛ که عقل کل آموختی، چقدر ناجوانمردانه، دشمن خردت می‌خوانند، آیا تو مگر اندیشه انسانی را از زنجیرهای اوهام و خرافات

عدالت، هم ماده است و هم جهاد و دعوتگری، همچنان که یک عقیده صادقانه است، عبادت صحیح - نیز - است.» نگاه: اصول بیستگانه فهم درست اسلام از امام شهید حسن البنا، ترجمه: محمود محمودی. «مرکز تدوین»

۱. فرنگ: ۱- از مردم فرنگ؛ ۲- ساخته شده یا نشئت گرفته از کشورهای اروپایی؛ ۳- تهیه شده به سبک اروپایی و فرنگی: منسوب به فرنگ. اروپایی. افرنجی، اروپایی و مسیحی. و علامه اقبال لاهوری راجع به فرنگ این گونه سروده است:

تا به روز آرم شب افکار شرق * بفرورزم سینه احرار شرق
از نوایی پخته سازم خام را * گردش دیگر دهم ایام را
فکر شرق آزاد گردد از فرنگ * از سرود من بگیرد آب و رنگ.. نگاه: لغت‌نامه دهخدا و پس چه باید کرد ای اقوام شرق؟ کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، به کوشش احمد سروش، انتشارات سنایی، ۱۳۷۰ ه.ش. «مرکز تدوین»

۲. کاروان حرم؛ ص: ۱۶۶. «نویسنده»

۳. همان؛ ص: ۱۶۶. «نویسنده»

نجات نبخشیدی؟ مگر این آیین پیش‌آهنگان تمدن و قافله‌سالاران علوم امروزی را از چنگال آهنین دبستان اسکولاستیک^۴ که دشمن سرسخت عقل و اندیشه بود، رها نکردی؟ آیا عقل را معیار تکلیف قرار ندادی؟ و حکمت را گمشده مسلمان نخواندی؟»^۵ (به فقره بعدی دقت شود)

۳۳- شناخت کامل استاد شهید از دشمن؛ یعنی استعمار و استعمارگر، با وجود گوناگونی چهره‌ها و آدرس‌های آن. استاد شهید به‌هیچ صورت سر سازش با استعمار را نداشت و چه خوب جناب استاد ما، این بیت را در مناسبتش، تکرار می‌کرد:

به هر رنگی که خواهی جامه می‌پوش

من از طرز خرامت می‌شناسم

چنان‌که در جای دیگر می‌خوانیم:

«...با ملاحظه این مطالب به این حقیقت می‌رسیم که روش و تکتیک

دشمنان بشریت و دشمنان مبادی و ارزش‌های آسمانی، در عصرهای مختلف ماهیت مشترک داشته، منتها تغییر شکل می‌دهد.

بلی؛ دشمنان راه حق در عصر ما نیز با همین روش فرسوده و پلید، علیه اندیشه‌های عالی اسلام و ضد نهضت‌های سالم اسلامی، موضع‌گیری کرده

۴. اسکولاستیک Scholastic؛ واژه Scholastic از ریشه لاتین Schola به معنای مدرّس است. در قرون وسطی، علم و حکمت تنها در مدارس و کلیساها تدریس می‌شد؛ بنابراین مجموعه علم و حکمت، منتسب به مدرسه (مدرسی) و به نام اسکولاستیک معروف شد و طرفداران این مکتب نیز مدرّسین یا رواقیون لقب یافتند. این مکتب، از قرن نهم میلادی به وجود آمد و تا قرن پانزدهم رواج داشت. رواقیون کم‌تر می‌کوشیدند، تا مثل پدران روحانی و پدران اولیه کلیسا، مناسبات اقتصادی را به طور خالص درک کنند؛ زیرا برای آنان موضوع عمده، چگونگی انطباق و توافق رفتار اقتصادی با اخلاق مسیحیت بود. آنان به دنبال کشف قانونمندی‌های اقتصادی نبودند؛ بلکه به استناد اخلاق مسیحی، در تقلا یافتن قواعد و ضوابط رفتاری، برای زندگی اقتصادی بودند. اندیشه اقتصادی آنان بر دو مسئله استوار بود: «قیمت عادلانه» و «ممنوعیت ربا». پایه و زیربنای این اندیشه‌ها نیز آموزش‌های پدران اولیه کلیسا و مخصوصاً فلسفه ارسطو بود... برای معلومات بیشتر نگاه شود: نمازی، حسین؛ نظامهای اقتصادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم ۱۳۸۷، ص ۴۷ و ایسپینگ، اوتمار، تاریخ عقاید و اندیشه‌های اقتصادی، هادی صمدی، تهران، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴، چاپ اول، ص: ۲۶. «مرکز تدوین»

۵. اشاره به حدیث گهربار سیّد اولاد آدم دارد: «الحکمة ضالة المؤمنین این وجدها فهو أولى یا فهو أحق بها» «مرکز تدوین»

و می‌کنند، مسلمانان باشهامت را زجر و شکنجه می‌دهند، علیه جنبش‌های رهایی‌بخش دینی شایعات دروغین پخش می‌سازند و به منظور سرکوب ساختن پیروان اسلام به نزد ارباب قدرت جاسوسی می‌کنند و دار و دسته‌های الحادی با وجود اختلاف جذری که با هم دارند، علیه مسلمانان با هم اتحادیه‌های سیاهی می‌بندند.^۱

استاد شهید این بیان زیبا و دقیق خود را چنین تلخیص می‌کند:
«این واقعیت را در سطح‌های مختلف، دیروز و همین اکنون به چشم سر ملاحظه می‌کنیم.»^۲

۳۴- در رابطه و علاقه بین دین و عقل، کاملاً استادانه و با احاطهٔ شگفت‌آور، تبصره می‌کند، او می‌گوید:

«[پیغمبر خدا] علم و عقل را اساس تبلیغات خود معرفی کرده و مقام علما را از همه بالاتر گفت. از اینجاست که هر قدر معارف امروزی توسعه می‌یابد و به هر اندازه که حقایق نوین علمی کشف می‌شود، به همان اندازه عظمت پیغمبر اسلام و حقانیت دین مبین اسلام در نگاه بشریت جلوه‌گر می‌شود.»^۳

و بحث را این گونه مستدل می‌سازد:

اگر عقل در اسلام اهمیت نمی‌داشت، اجتهاد بی‌محتوی می‌گشت و عقل و خرد انسانی، نخستین شرط صحت تکلیف قرار نمی‌گرفت و مسلمانان به استقبال فکر و فرهنگ یونان، که بر عقل استوار است، نمی‌شتافتند^۴ و بحث را چنین خاتمه می‌دهد:

«...دین برای عقلاء است و عقل به منظور کشف و فهم اسرار دین می‌باشد»^۵

۳۵- در مورد کار، وظیفه و امانت‌داری، دستورهای صریح اسلامی را نقل

۱. کاروان حرم؛ ص: ۱۸۵. «نویسنده»

۲. همان؛ ص: ۱۸۵. «نویسنده»

۳. همان؛ ص: ۱۷۶-۱۷۷. «نویسنده»

۴. همان؛ از ص: ۱۰۶-۱۰۷؛ با ایجاز نقل بالمعنی صورت گرفته است. «مرکز تدوین»

۵. همان؛ ص: ۱۰۷؛ البته نقل بالمعنی ست. «مرکز تدوین»

کرده، از مبارزه علیه فساد اداری و تفتیش مداوم در زمینه، حرف‌های روشنی دارد و در آخر سخن خود در مورد وظیفه، در اسلام از قاعده زرین «من این لک هذا؟» یاد کرده اعلان می‌دارد:

«این قانون از حنجره اسلام، فریاد کشید»^۲

بعد از مقدمه‌ها و بیانات واضح، مکلفیت‌های اساسی کارمندان و ماموران را در یک جامعه، از طرف اسلام چنین ردیف می‌کند:

- کارمند باید جدیت و نشاط داشته، کار امروز را به فردا نگذارد.

- کارمند باید وظیفه خویش را به درستی انجام دهد و سعی ورزد، عاری از نقص و نارسایی باشد.

- کارمند در وظیفه خویش امین باشد، از غش و تقلب بپرهیزد، خیانت در وظیفه در نظر اسلام نفاق و تقلب در کار، عصیان از راه و رسم پیغمبر است - موظف مسلمان نباید وظیفه را ترک گوید و از ادای مسئولیت شانه خالی کند. ترک گشتن وظیفه و انجام مسئولیت توسط دیگر، از نظر فقهای اسلامی امتیازات و حقوق وظیفوی را باطل می‌سازد.

- موظف باید دارای پیش آمد نیک و اخلاق پسندیده باشد و در انجام عمل، دارای عزم و تصمیم قاطع باشد.

- از بوروکراسی^۳ و تشریفات پرهیز کند.^۴

۳۶- رأی صریح و آشکارای استاد شهید در مورد فتوحات مسلمانان، این

۱. (این را از کجا کردی؟) این سخن عمر فاروق است که در پاسخ به حضرت ابوهریره رضی الله عنه گفته شده است. نگاه: الأموال از قاسم ابن سلام، ص: ۵۷۲. «مرکز تدوین»

۲. کاروان حرم؛ ص: ۷۶. «نویسنده»

۳. بوروکراسی، دیوان‌سالاری و یا کاغذپرانی؛ در اصطلاح به معنای دستگاه اداری است که بر طبق نظام و مقررات معین، امور جای مؤسسه‌ای (وزارتخانه، شرکت، دولت، دانشگاه و...) را اداره می‌کند و هدف‌های آن را پیش می‌برد. پایه‌گذار نظریه جدید در باره بوروکراسی، ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی است که وجود آن را نمودگار رسمی اندیشه سازماندهی منطقی می‌داند. از جمله ویژگی‌های پابرجای بوروکراسی وجود مقررات حقوقی برای امور و نیز وجود دستگاه اداری حقوق‌بگیر، وظیفه معین برای هریک از کارکنان دستگاه، اهمیت قدرت و مقام بجای قدرت فرد و نگهداری سازمان‌یافته اسناد و مدارک است، به نظر وبر، بوروکراسی منطقی، عامل اصلی منطقی‌شدن نظام دولت در جهان است. نگاه: دانشنامه سیاسی، ص: ۶۹ و مدیریت عمومی از د. علی علاقه‌بند، ص: ۱۷۲. «مرکز تدوین»

۴. برای خوانش این سطور از صفحه ۷۸-۷۹ به کاروان حرم مراجعه شود. «مرکز تدوین»

است که فتوحات مسلمانان برای کشورکشایی و تسلط بر جغرافیا، اقتصاد و منافع مادی نبوده است، فتوحات را چهره دیگر و قدیمی استعمار دانستن، پیش از اینکه یک گناه دینی است، یک خیانت علمی و تاریخی است، که استاد شهید در این زمینه بسیار شفاف و روشن قلم برداشته و چنین می نویسد:

«... که اسلام آزادی را حق فطری هر انسان می داند، مجال تردید و مناقشه باقی نمی ماند. اسلام برای از بین بردن محکومیت های فردی و رفع مظالم اجتماعی، که مانع رشد و ظهور حریت های انسانی گردد، توصیه های اکید کرده و پیروان خویش را مکلف می داند، به عنوان رهایی بندگان خداوند از زیر یوغ اسارت و بندگی در همه مظاهر و اشکال آن جهاد کند و در این جهاد مقدس هدف آنان کشورگشایی و گشودن مرزهای تأمین منافع پلید مادی نباشد؛ بلکه در راه خدا و برای برتری نام خدا؛ یعنی در راه پخش و تعمیم حاکمیت معارف جاویدان اسلام و برای توسعه عدالت اجتماعی^۱ و اقتصادی اسلام و به منظور رهایی توده های مردم از محکومیت فکری و مادی به عمل آید»^۲

۳۷- استاد شهید، از علوم معانی، بیان و بدیع، در حد اعلا و صفت والای آن برخوردار بوده است. تمثیل، کنایت، استعاره و سایر مزیّنات بیانی، شاهد مدعای ماست، به طور نمونه به عبارت های ذیل توجه شود:

«... هر آنجا که شعله حق بدرخشد، خفاشانی - که توان دید نور حق را ندارند - به سوی تاریکی های فساد و گمراهی رو می آورند و دست به فتنه گیری و آشوب می زنند، حيله می بافند و دسیسه می سنجند، گرد و بادهای اشاعات را علیه حق و درستی، انتشار می دهند. معاندین و دشمنان حق، زورگویان و دنباله روان آنان دست به دهشت افگنی می زنند و با عناصر سالم قطع رابطه می کنند و در اغواگری عناصر معصوم و بی خبر سعی می کنند و به انواع حيله ها دست می زنند؛ تا مواعی را در برابر انتشار حقایق و واقعیت ها ایجاد نمایند؛

۱. می توان جهت آگاهی بیشتر از عدالت اجتماعی در اسلام به کتاب «عدالت اجتماعی در اسلام» اثر

علامه شهید سید قطب برگشت. «مرکز تدوین»

۲. کاروان حرم؛ ص: ۳۲-۳۳. «نویسنده»

مگر سرانجام، جال‌های عنکبوتی اغواگران از هم می‌پاشد و نقاب از چهره باطل‌پرستان پایین می‌افتد و مردم ماهیت فاسد فتنه‌گران را می‌شناسند.^۱ در جملات بالا، تعبیرهای، شعله حق، خفاشان، تاریکی‌های فساد، حيله می‌بافند، جال‌های عنکبوتی اغواگران و نقاب از چهره باطل می‌افتد... هر یک جهانی از زیبایی و جاذبه دارد، که از مهارت نویسنده در تمثیل و استعاره و گزینش کلمات و تعبیرهای عالی، پرده بر می‌دارد. و همچنان ایجاز و اطناب، تکرار بجا و مفید و ... در همه مقاله‌های هژده‌گانه قابل دید است.

۳۸- حساسیت استاد شهید در برابر خرافات و آلودگی‌های سحر و جادو، فال بینی و نجوم و ... در این باب بیان مختصر و مفیدی دارد. چنان‌که می‌گوید: «... و آن عبارت است از عقاید و نظریات باطل و بی‌اساس، که کاملاً مخالف منطق و واقعیت بوده باشد. بدین معنی، خرافات تنها شامل آن افسانه‌ها و اوهام عامیانه و جاهلانه نیست که ریشه کهنه و مندرس داشته باشد؛ بلکه آن آرا و اندیشه‌های غلط، عادات و رسوم باطل، که مولود عصر حاضرند، نیز از جمله عقاید و عادات خرافی و تباه‌کننده می‌باشند.»^۲ استاد شهید با باریک‌بینی خود علاوه می‌کند:

«خرافات در گذرگاه تاریخ به اشکال و انواع مختلفی ظهور کرده‌است، مهم‌ترین انواع آن را در ساحه مسایل تاریخی، اقتصادی، علمی و ادبی ملاحظه می‌توان کرد. اگرچه خطرناک‌ترین شکل خرافه، همانا خرافات در ساحه اعتقادات است.»^۳

نویسنده شهید، مبارزه اسلام با خرافات را، به دو روش تقسیم کرده، می‌گوید:

یکی طریقه طرد و نفی؛
دوم طریقه اثبات.

۱. همان؛ ص: ۱۶۱-۱۶۲. «نویسنده»

۲. همان؛ ص: ۵۳. «نویسنده»

۳. همان؛ ص: ۵۳. «نویسنده»

استاد شهید با نگاهی به پس منظر تاریخی در خرافات، اشکال و انواع آن را در زادگاه پیغمبر خدا چنین خلاصه می‌کند:

- عرب‌ها تصور داشتند، که اجرام فلکی در زندگی و مرگ، سرنوشت انسان، حوادث و رویدادها، مؤثر است.

- دیگر از خرافات معروف بین عرب‌ها، بدفالی‌ها و فال گرفتن‌ها بود... از وزش باد، ریزش باران، رعد و برق، دیدن حیوانات و اشخاص و رنگ‌ها فال بد می‌گرفتند و...

- یکی دیگر از خرافات در میان مردم عرب اعتقاد به کاهن، بخشی و جادوگر بود... حتی در حل و فصل دعاوی و مشکلات به کاهن مراجعت می‌کردند. مثال‌ها در این زمینه بسیار زیاد است.^۱

و اما روش اثبات، در مبارزه علیه خرافات عبارت است از:

«ایجاد تفکر صحیح، تعقل سالم و پخش علم و فرهنگ؛ تا به وسیله نور علم، دل ظلمت‌ها را از هم بشکافد و با برق تعقل، هستی خرافات درهم بسوزد و در فروغ فکر سالم راه حق عیان گردد.»^۲

این مبحث را نویسنده شهید، با تشخیص مرض و یافتن ریشه آن این گونه خاتمه می‌بخشد:

«آری؛ عامل اساسی به میان آمدن عقاید و نظریات خرافی، انحرافات و فساد اخلاق، همانا جهل و نادانی فرزندان آدم و به کار نینداختن قوای عقلانی و خرد است که در نتیجه آن علل واقعی اشیا و حوادث، مجهول می‌ماند و انسان در چنگال تباهی و بربادی واقع می‌شود. باری اگر امروز در حلقه جاهلان به خرافات کهنه‌ای بر می‌خوریم و یا در محیط متقفان خرافات مدرن را می‌یابیم، همه این‌ها مولود جهل و نادانی و یا به کار نینداختن عقل و دانش است»^۳

۳۹- پیشنهاد و راه‌حل: تقارب قلبی و باطنی انسان‌های کره زمین، یگانه پاسخ کارا، در مقابل نیازهای بشری است.^۴

۱. کامل مطلب را می‌توان در صفحات ۵۳-۵۷ خواند. «مرکز تدوین»

۲. همان؛ ص: ۵۷-۵۸. «نویسنده»

۳. همان؛ ص: ۵۸. «نویسنده»

۴. همان؛ ص: ۴۰؛ البته نقل بالمعنی. «مرکز تدوین»

۴۰- فقره آخری را اختصاص داده‌ام به نمونه‌ای از بیان استاد شهید، که نمادی از جاذبه بیانی است که نظیرش کم دیده می‌شود. هر خواننده از مطالعه آن لذت می‌برد، نویسنده والا مرتبت ما، به آیین ابدیت یعنی اسلام، خطاب کرده، چنین می‌گوید:

«... آری؛ دستگاه هستی منتظر است چه وقت باز برق فروزنده‌ات قلب تیرگی‌ها را می‌شکافد و بدین آشوب‌ها و نارسایی‌های انسان رسیده، خاتمه می‌بخشد.

آری؛ ساینس و تکنالوژی - که بشریت از آن آرزوی سعادت داشت و تمناى خوشبختی می‌برد - در لجنزار مسابقات ذروی اسیر ماند و از این راکت‌سواری‌ها و افلاک‌پیمایی‌ها، پیغام سعادت نرسید... اینک باید آب حیات را از پیمانۀ تو جویند! صلح و سلام را از درگاه تو پویند! چه تو یگانه دینی هستی که برای رحمت جهانیان فرود آمده‌ای.»^۱

نتیجه:

در پایان سخن، من حیث نتیجه بحث و پژوهش، می‌شود به صراحت گفت و به آب طلا نوشت:

شخصیت علمی و ادبی، استاد برهان‌الدین «ربانی» در زندگی‌اش ناشناخته مانده است. این مقاله مقداری و تا حدی، به برخی از گوشه‌های آن روشنی انداخته و این شخصیت بزرگوار، به مراتب بالاتر از آنچه بوده که ما فکر می‌کردیم و در این زمینه، هنوز کارهای زیادی باقی است که باید انجام شود.

قبل از آنکه از حضور شما عزیزان مرخص شوم، لازم می‌دانم از جناب وزیر صاحب امور خارجه، به خاطر ایجاد مرکز تدوین و حمایت از پلان‌ها و کارهای آن، سپاس‌گذاری کنم. واقعاً مرکز کار زیادی انجام داده است، که در مجموع فعالیت‌های آن، سزاوار تقدیر و تمجید است، مثلاً

۱- بیان آیت‌ها، تکمیل آن، ترجمه آن و ذکر آیت و سوره‌اش. (ص ۶۳ و

(۷۳)

- ۲- تخریج احادیث، ترجمه آن، سند و قوّت و ضعف آن. (ص ۶۱ و ۶۶)
 - ۳- شرح کلمات شرح طلب و توضیح آن. (ص ۱۷۵ و ۱۸۲)
 - ۴- از همه مهم تر، رعایت امانت علمی، مثل اینکه: اصل این عبارت را نیافتیم. (ص ۱۳۹)
 - ۵- اخلاص و اتقان در عمل، دیده می شود که تا حد آخر، عبارت ها، سالم و صحیح نگاشته شده است. و در کلمات مشخص اعراب گذاری هم شده است.
 - ۶- مرکز با کمال امانت داری مرجع و مآخذ خود را در پاورقی ها ثبت کرده است.
- در مجموع فعالیت های مرکز سزاوار تقدیر و تمجید است و قابل تذکر می دانم، که در پهلوی آنچه انجام پذیرفته، در اختیار و گزینش مسئول مرکز یعنی شخص آقای فضلای آماج، توفیق یار و یاور جناب ربانی صاحب بوده است؛ زیرا تلاش، پشت کار و توانایی های این استاد جوان و با شهامت در خور ستایش می باشد.

والحمد لله رب العالمین

تحليل و ارزیابی جلد سوم پیغام رهبر
عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل.

فشرده مقاله:

جلد سوم پیغام رهبر در دو حوزه به طور فشرده به بررسی گرفته می شود، که بخش نخست آن زبان نوشتاری پیغام رهبر است و در بخش دوم آن پیش بینی ها و راهکارهای استاد در پیام ها و نوشته هایش می باشد.

مقدمه

شکست اصلی زمانی است که در مقابل تاریخ فردا پیشخوانه ای فکری و معنوی برای مقاومت وجود نداشته باشد. استاد ربانی در نوشته ها و پیام هایش گنگ خواب دیده نیست، که نتواند پیامش را به دیگران برساند؛ بلکه استاد از زبان و قلم خویش در برابر دشمنان آشکار و نهان وطن به مثابه شمشیر استفاده کرده است و جنبه های نامکشوف، ناملایمات و جنگ های تحمیلی را به شیوه های منطقی و روشمند، به بررسی گرفته است.

به رنگ نمونه استاد به مناسبت عید سعید فطر «در گام نخست به فلسفه عید پرداخته و آن را نماد هم پستگی و وحدت مسلمانان خوانده است و از بی تفاوتی ذلت بار جهان اسلام و عرب در برابر انتفاضه مردم مظلوم فلسطین سخن گفته و داستان غم انگیز ملت در خون خفته افغانستان را چیزی کم تر از آن نمی داند.»^۱

زبان استاد در نوشته ها و پیام هایش، زبان فطرت است و این زبان فطرت نه دری است، نه پشتو و نه ازبیکی؛ بلکه همدلی است؛ طوری که در یکی از پیام هایش به مناسبت حلول عید سعید فطر چنین آمده است:

۱. پیغام رهبر جلد سوم؛ ص: ۷۱. «نویسنده»

«... به منظور پایان بخشیدن به فاجعه خونبار کنونی در کشور و قطع مداخلات اجانب و خاتمه بخشیدن به فعالیت های دهشت افگنی که به حیثیت و وقار ملی و تاریخی ما صدمه جبران ناپذیری وارد کرده است، فراتر از تعلق زبانی، نژادی و پیوندهای گروهی و حزبی، همه با هم بر محور مصالح علیای مملکت و ملت، متحد گردیده و در راه نجات کشور از اوضاع رقت بار کنونی، صادقانه گام بردارند»^۱.

یکی از اهداف بسیار مهم در این نوشته ها و پیام ها، پس از پیروزی جهاد مردم افغانستان، انقلاب سازندگی است و در جامعه اسلامی آحاد جامعه در کار سازندگی و تحقق عدالت اجتماعی مسئولیت دارند و عناصر بی طرف از نظر استاد، در این پیام ها و نوشته ها در مکتب اسلام جایی ندارد.



الف) زبان نوشتاری در جلد سوم پیغام رهبر:

از قدیم گفته اند، که نیکو گفتن و زیبانوشتن از شاخصه های فضل و کمال انسانان است، انسانانی جاویدانه اند، که آراسته سخن گفته و پیراسته نوشته اند. بهترین روش برای انتقال دانش ها و تبادل آگاهی های سودمند، همین فرهنگ نوشتاری است؛ اگر انسانان نمی نوشتند، شاید بخش عظیمی از دانش ها و تجارب شان ناپدید می گردید. مهارت در نوشتن به جاویدانگی اثر کمک می کند. نوشته های استوار و ماندگار، توانایی انسان را در گذر زمان نشان می دهد.

استاد ربانی نه تنها یک سیاست مدار با فرهنگ و بافضیلت بود؛ بلکه زیبانویسی نیز از برجستگی های شخصیت علمی استاد شمرده می شد. شناسنامه استاد و هم تبارانش خوش نویسی و درست اندیشیدن بوده است. واژگان در نزد استاد بیگانه نیست، استاد هر واژه و هر جمله را درست به کار برده است. به نظر این قلم استاد از درست نویس ترین نویسندگان معاصر کشور است، شاید کم تر کسی وسواس او را در منزه طلبی ادبی و دقت در کاربرد کلمات داشته باشد. از نوشته هایش در این جزوه و سایر کتاب هایش،

۱. همان؛ ص: ۶۳. «نویسنده»

تسلط وی را بر قواعد زبان فارسی دری نشان می‌دهد.

هیچ رهبر جهادی و نویسندگانی که در جبهات جهاد و مقاومت زندگی خود را وقف کرده بودند، به اندازه استاد به زوایای نهفته مجاهدان و جوانان توجه نکرده است. نهان‌بینی، دقت در تفکر و اندیشه و موشگافی در کاربرد واژگان در نثر استاد جلوه و نمود خاص داشته است.

در جامعه‌ای که رجزخوانی و فضای مملو از احساسات بر همه چیز چیره بوده است، نوشته‌ها و پیام‌های استاد از این احساساتی که بر موج استوار باشد، بر کنار می‌باشد.

در پیام‌ها و نوشته‌های استاد در این اثر و سایر نوشته‌هایش، شاخصه‌های دقیق نوشتاری لحاظ گردیده و خوانش نوشته‌های استاد برای مخاطبانش ملالت‌آور نیست و مخاطبانش زحمت خواندنش را به‌جان می‌خرند.

پیام‌ها و نوشته‌های استوار و ماندگار وی، ملاک توانمندی وی را در میان دانشمندان کشورش برجسته ساخته است.

در پیام‌ها و نوشته‌های استاد یک سلسله معیارهای نوشتاری مراعات گردیده است که انسان گمان می‌برد، که موصوف یکی از متخصصان زبان بوده است.

اکنون به پاره‌ای از شاخصه‌های این پیام‌ها و نوشته‌ها به اختصار پرداخته می‌شود:

واژه‌آرایی: واژه‌آرایی از عوالم زیبانویسی است، که در این پیام‌ها و نوشته‌های استاد به‌کار رفته است؛ مانند: «...سانحه سقوط طیاره، حادثه‌ای بود جان‌گداز و ضایعه‌ای بود جبران‌ناپذیر»^۱

حذف فعل به قرینه: چنان است که در جمله به قرینه لفظی یک فعل که در یک فقره ذکر شده، از فقره دیگر آن حذف می‌گردد. حذف فعل به قرینه در نوشته‌های استاد فراوان دیده می‌شود؛ طوری که استاد در پیامش به مناسبت حلول عید سعید قربان به مردم افغانستان پس از تشکیل دولت اسلامی چنین می‌گوید:

۱. همان؛ ص: ۲۰-۲۱. «نویسنده»

«سنگر انقلاب اسلامی، از بیرون تخریب نمی‌گردد؛ رمز آسیب‌پذیری مسلمانان در تفرقه‌جویی و فروپاشی داخلی است و رمز قوت و استحکام‌شان در وحدت و یک‌پارچگی»^۱

در این جا فعل «است» در این جمله نظر به قرینه حذف شده است.
جمع بستن نام‌های عربی به فارسی دری: یک تعداد واژه‌های عربی به شیوه فارسی دری جمع گردیده است؛ مانند: نخبگان، طالبان، حامیان، کلمه‌ها و....

در حالی که تعدادی از کلمه‌های عربی به شیوه‌های زبان عربی جمع بسته شده است.

تأثیرپذیری از کاربرد نعت و منوعات عربی: هر چند در زبان فارسی دری مطابقت صفت در افراد، جمع، مذکر و مؤنث وجود ندارد و این از ویژگی‌های زبان عربی است؛ اما نویسندگان فارسی‌نویس طی قرن‌های آخر در مواردی که موصوف مؤنث بوده است، صفت هم همان گونه آمده است و در پیام استاد به مناسبت عید سعید به مردم افغانستان چنین آمده است.

«ماه رمضان - که ماه تهذیب نفس، بیداری و رشد ملکات عالیّه انسانی و مهارساختن غرایز سرکش و هوی و هوس اغواگر نفسانی است»^۲
در نوشته‌های استاد صفت مفعولی کم‌تر به کار رفته است، که بر زیبایی این پیام‌ها و نوشته‌ها افزوده است.

کاربرد چند صفت برای یک اسم: مانند اینکه استاد در مورد شهادت شیخ عبدالله عزام چنین گفته است:

«سراپا وجودش را صفا و صمیمیت، تقوی و طهارت تشکیل می‌داد»^۳
استعمال «را» پساوند مفعولی: در این نوشته‌ها این پساوند مفعولی، بسیار زیبا به کار بسته شده است، که تعدادی نمی‌توانند به این زیبایی بنویسند؛ مانند: «جنگ ظالمانه و تحمیلی با گذشت هرروز فاجعه جدیدی را به ارمغان

۱. همان؛ ص: ۵۷. «نویسنده»

۲. همان؛ ص: ۷۷. «نویسنده»

۳. همان؛ ص: ۲۶-۲۷. «نویسنده»

می‌آورد»^۱

در نوشته‌های استاد، جمله‌هایی که با نهاد و گزاره بیش‌ترین کاربرد را داشته‌است، در آن جمله‌ها، آغاز با اسم بوده‌است، مانند:

«سپه‌اندیشان بزدل، ترورش کردند»^۲

همچنان در نوشته‌های استاد فراوان **صفت فاعلی و مفعولی** به‌کار رفته است، که متن را خواندی ساخته است، مانند:

«او سخنور سحرآفرینی بود که با بیان شورانگیزش، خفتگان را بیدار و بیدارلان را به حماسه‌آفرینی‌ها بر می‌انگیخت»^۳

که آفرین و انگیزش و بیدار دل همه صفت‌های فاعلی‌اند. به همین‌گونه صفت‌های مفعولی در کل جایگاه خود را در نوشته یافته است.

ب) پیشینی‌ها و راهکارها در پیام‌ها و نوشته‌های استاد:

در نوشته‌ها و پیام‌های استاد رنج میلیون‌ها انسان مظلوم کشور، که آشوب‌گران خواب آزادی‌های مدنی را از آنان سلب کرده و در تلاش‌اند؛ تا عزت نفس، خلق کریم و امنیت خاطر را از آنان بگیرد، تبلور یافته است.

از پیام‌ها و نوشته‌های استاد فهمیده می‌شود، که اوضاع پیچیده سیاسی افغانستان نیاز به تحلیل‌های دقیق، همه‌جانبه و روشمند دارد؛ زیرا استاد تاریخ‌زنده یک نبرد تاریخی و تجربه موفق یک کشور است، بناءً این نوشته‌ها می‌توانند، خاطرات و رویدادهای یک دوره پر ماجرای جهاد و مقاومت کشور را برای ما ذخیره کند.

استاد معضل‌ها و پیچیدگی‌های مغلق سیاسی، اجتماعی و .. این کشور را کالبد شگافی کرده و به ارزش‌والای تلاش‌های خود واقف هم بوده‌است.

استاد هیچ‌گاه و در دشوارترین اوضاع سیاسی کشور، قلم را بر زمین نگذاشته و دست‌کشیدن از قلم و بیان آتشین همچون بر زمین نهادن سلاح در نزدش تلقی می‌گردید.

۱. همان؛ ص: ۷۸. «نویسنده»

۲. پیغام رهبر جلد سوم؛ ص: ۲۷. «نویسنده»

۳. همان؛ ص: ۲۷. «نویسنده»

رونق بازار قلم نزدش نسبت به هر چیز دیگر با ارزش تر بوده است. از نوشته‌های استاد در کل معلوم می‌گردد، که هیچ رستاخیزی بدون قلم میسر شده نمی‌تواند.

از پیشبینی‌های استاد در مورد دهشت‌افگنان در یکی از پیام‌هایش به مناسبت عید سعید قربان چنین آمده است:

«اخيراً در پیشاپیش یک لشکر مسلّح، عده‌ای از مفتیان جاهل و ملاهای خودفروخته پاکستان وارد تخار شده و از خطوط جنگی دیدن به عمل آورده و فتوای شیطان‌ی خود را به نام اعلان جهاد علیه مجاهدان کفرستیز و فرزندان شهدا، که در دوران مُقاوَمَت علیه الحاد و کمونیزم جام شهادت نوشیده بودند، بار دیگر تکرار کردند. چقدر دردناک است که در ظلمت جهل و بی‌خبری، مشتی از گماشتگان دستگاه‌های استخباراتی منطقه، تحت نام و عنوان ملا و روحانی، در خدمت نابودی دین و مذهب و دینداران واقعی قرار بگیرند.»^۱

این سخنان، همان گفته‌های عطا ملک جوینی^۲ را که در قرن هفتم هجری می‌زیست به یاد می‌آورد، که از سر درد و سوز دل در مورد مشتی از عالمان قشری و ظاهر بین و انسانانی که به نرخ‌روز سخن می‌گویند، چنین می‌گفت: «امروز دروغ و ریا را پند و ذکر پندارند، و.. اکنون هر بازاری در زمره گناهکاران، امیر، هر مزدوری، صدر نشین، هر نیرنگ‌بازی وزیر، هر بخت برگشته‌ای دبیر، هر راحت طلبی مستوفی، هر ول‌خرجی، ناظر هزینه، هر ابلیسی معاون دیوان،.. هر شاگرد آخوری، صاحب حرمت و جاه، هر فراشی صاحب منصب، هر ستم‌گری پیش‌کار، هر خسی کسی، هر خسیسی رئیس، هر خیانت‌پیشه‌ای، قدرتمند، هر دستار بندی دانشمند بزرگوار .. و هر حمالی از کمک شانس، گشاده حال شده است»^۳

از نوشته‌های استاد بر می‌آید، که عملکرد طالبان ریشه در تعلیمات اسلامی ندارد. در پیامی که به کنفرانس کشورهای اسلامی فرستاده شده است،

۱. همان؛ ص: ۷۲. «نویسنده»

۲. عطا ملک جوینی وزیر ایرانی هلاکوخان بود. «مرکز تدوین»

۳. جوینی، عطا ملک بن محمد، «تحریر نوین تاریخ جهانگشای جوینی» چاپ اول به تصحیح دکتر منصور ثروت. تهران: امیر کبیر ۱۳۶۲. ص ۳۶ و ۳۷. «مرکز تدوین»

طالبان را چنین تعریف می‌کند:

«آنچه امروز به وسیله گروه طالبان در پوشش اسلام اجرا و تحمیل می‌گردد، ریشه در احکام و ارشادات دینی نداشته و برخاسته از متن فرهنگ، تاریخ و خواست مردمان کشور ما نیست؛ بلکه عملکرد آنان بیشتر مربوط به تعبیرات خشک، عادات بدوی این گروه و دسایس خارجی می‌باشد، که جهت بدنام‌ساختن اسلام توسط حلقه‌های استخباراتی خارجی به راه افتاده است»^۱

چیز دیگری که در این پیام‌ها و نوشته‌های استاد، بازتاب دارد، این است که خاتمه دادن به جنگ و تأمین صلح از تلاش‌های همیشگی استاد است. او باور داشته است همان گونه که جهاد و مقاومت را به پیروزی رسانیده است، می‌تواند صلح و ثبات را به کشور باز گرداند. او در اکثریت این نوشته‌هایش از طالبان می‌خواهد که به جای قتل مردم و نابودی افغانستان آماده صلح و فداکاری گردند و بیش از این ملت مظلوم افغانستان را به سوی پرتگاه جهل، فقر و تباهی سوق ندهند.

(او در این نوشته‌ها و پیام‌هایی که در این جزوه جمع آمده است: جنگ‌های مخالفان دولت را جنگ‌های تحمیلی دانسته و خود را مکلف به دفاع مشروع از دولت اسلامی می‌داند و همواره مردم را بر یک پارچگی در برابر این توطیه‌ها، فرا می‌خواند. استاد به موجودیت عناصر ضد انقلاب اسلامی که در برابر نظام اسلامی صف کشیده‌اند، هشدار می‌دهد، که عناصر فرصت طلب از هر لحظه استفاده می‌کنند و در کمین نشسته‌اند. دشمنان انقلاب اسلامی در داخل و خارج کشور با هم متحد گردیده و در صورت فرصت توطیه‌های بیش‌تری را مهندسی خواهند کرد. دشمنان داخلی دست به تخریب و سپوتاژ می‌زنند و دشمنان خارجی طرح دسیسه و برنامه‌های سرنگونی انقلاب اسلامی را با اعمال شیطانی‌شان روی دست می‌گیرند و خطر اساسی که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند، انحراف از جاده انقلاب اسلامی است و هر گونه بی‌تفاوتی و انحراف از اصول انقلاب اسلامی به این توطیه‌های داخلی و خارجی کمک

۱. پیغام رهبر جلد سوم؛ ص: ۹۸. «نویسنده»

می‌کند)^۱ و از نظر استاد جامعه بی‌سواد، جاهل و فقیر از مواصفات جامعه مطلوب اسلامی نیست و دشمنان می‌توانند از این بی‌سوادی مردم استفاده کنند و سخنان من در آوردی خود را بالای مردم بقبولانند.

نتیجه:

از پیام‌ها و شیوه‌های مبارزاتی استاد بر می‌آید، که جامعه افغانستان به یک بازگشت انسانی نیاز دارد و این بازگشت زبان تفاهم است؛ نه زبان تفنگ و خشونت. اگر کلیدی برای قفل بسته کارگر افتد، همان کلید گم شده معنویت و فرهنگ است؛ اما با دریغ باید گفت که بت سنگین دل سیمین بنا گوش قدرت، عزت نفس و خلق نیکو را از پیروانش گرفته است و کسانی که بر سندان قدرت چکش می‌کوبند، باید بدانند که به آخر خط رسیده‌اند و اگر اوضاع به نفع بحران مدیریت شود، روزی فرا خواهد رسید که نه از تاک نشانی خواهد ماند و نه از خاک.

استراتژی استاد در زمان حیاتش، استراتژی جنگ نبوده است و این راهبرد مبارزاتی استاد از نوشته‌ها، بیانه‌ها، پیام‌ها و مقالات استاد فهمیده می‌شود. او همان‌گونه که در میدان مبارزات مسلحانه، مرد میدان بوده است، همچنان بر شیوه‌های مسالمت‌آمیز رسیدن به قدرت نیز پیام‌های روشن دارد.

وقتی مجاهدان و لسوالی‌ها و مناطقی را در زمان جهاد و مقاومت آزاد می‌کردند، استاد دستور می‌دادند، تا از طریق شوراهای محلی و لسوالی‌ها رهبری خود را تنظیم کنند، که این خود زبان تفاهم انسانی، هم‌زیستی معنوی و شنیدن سخنان دیگران است.

۱. این مفاهیم را می‌توان در ص: ۵۶ خواند. «مرکز تدوین»

استاد ربانی فقید در آینه دریافت من
گیتی سادات

بود پیری در پی اسرار حق
یافت از اسرارها درس و سبق
در جوانی درس آموز فهمیم
هم جوانی بود دانا و حکیم
حکمت آموز جهان‌باور شد او
از شمار نخبگان بهتر شد او
بود با ارشاد و استادی گرفت
آزمون‌ها را از این وادی گرفت
سال‌ها در دیانت کافت او
کرسی درس الهی یافت او
در طریق داد از اضداد گفت
گر سیاهی بود روشن باد گفت
گفت گفتا ورد دین و داد را
پرده‌ها برداشت او اضداد را
چند روزی در دیار دُور دست
این مهاجر از پی باور نشست
رهبری کرد او قیام و جنگ را
تا رهایی داد یک فرهنگ را
مردمی را در جهاد و در قیام
داد آزادی به دور از انتقام

دادخواهی کرد در این سرزمین
رهبر آزادگان شد این چنین
در قلم پیچید دست و کلک را
سروری کرد عاقبت این ملک را
بر سبیل حق به نام حق دوید
عاقبت از کشت او حاصل رسید.

به نام خداوند و با درود بر نخستین معلم و مخبر الهی، پیامبر بزرگوارمان!
نکوباد یاد پیر خرد استاد فقید حضرت برهان الدین ربانی • پایه گذار
و رهبر سازمان جمعیت اسلامی افغانستان، رهبر کافه مجاهدین و اهالی
مقاومت، در دو نوبت جنگ برخاسته از تهاجم روسیه و پاکستان. سلام بر
رهروان و مشعل داران راه حقیقت و انسانیت، کسانی که شمع فروزان حیات
شان را بدرقه هستی ملت های فقیر و فرهنگ های درمانده در بند ستم انسان بر
انسان و حیات انسانی من و شما کرده اند!

شاد روان استاد برهان الدین ربانی فقیه و مبارز، سیاست مدار و آموزگار
مردم این سرزمین، نه تنها یک رهبر واقعی و از وارثین راستین پیامبر پسین
بشریت است و ارزش های سیاسی و مذهبی دیانت او را به تصویر می کشد؛
بلکه در پهلوی این همه، او یک نویسنده دانا و توانا، حساس و لطیف به تمام
معنا و چیره دست است.

در نبشتن مقالات و مضامین چنان اندیشه باز و ممتاز داشته که جرعه
سخنانش چنان برق می زند، که چشم خواننده را خیره ساخته، او را با سیر
تکامل ادبیات آشنا می سازد.

استاد شهید در دیوارِ باغ سرگذشتِ سیاسیِ خویش، چندین سمبولِ واژه های
پر بار و فراوری را نقاشی کرده است.

آزادی در اندیشه او، شاهینِ بلند پروازِ فراز ستیغ و صخره هاست که قله های
بلندی از اندیشه را فتح می کند.

پر پرواز او در فصل بلند جهاد، چندان شکوهمند و چشم گیر است که در

افق کهکشان رنگین و در آسمان نیلگون و بیکران اندیشه و باور، درک و دریافت و بستری را می‌گستراند که به بلندایی خورشید، روشنی‌بخش است. استاد فرایند صلح را در نگین باور مردم، بر انگشتر گهریز زمانه استوار می‌کند و شعله‌های پُر درخشش اندیشه را در خدمت تطبیق و تحقق این آرزو می‌نشانند.

معنایی به فرازمندی صلح در کتاب اندیشهٔ استاد، چون کبوتر سپیدبالی تعریف شده‌است، که این کبوتر برای روح نا آرام فلک‌زدگان کم‌بخت و تیره‌روز این سرزمین خسته از جنگ، به هر سو ملاق می‌زند و کبوتران آسودگی را فرا می‌خواند.

آن‌گاه که آرام آرام برگه‌های داشته‌های فکری استاد را ورق می‌زد، در ورا و لای بافت محتوایی این واژه‌ها دنبال واژهٔ گمشده‌ای بود، باور کنید فکر عمیقی سرزمین اندیشه‌ام را فرا گرفت، سوالی را با خود مطرح ساختم که جایگاه زن در اندیشهٔ استاد چگونه خواهد بود؟ و او از این موجودی، که جنگ‌های خانمان‌سوز از او پرندۀ بال‌وپر شکسته ساخته و صیاد روزگار با قفس دلهره و دلتنگی در کمینش نشسته است، چه تعریفی خواهدداشت؟

بعد از جست‌وجو و خوانش برگ‌های بسیاری در شماری از آثار این روشن‌فکر بیداردید، آگاه و اصیل دیار دین و داد، در یافتم که برخلاف همه کج‌باوران دریوزه‌گر جهان اندیشه، تاریخ زن را خجسته و مبارک خوانده و او را چنین تعریف می‌کند:

«زن معمار جامعه‌است و دستی که گهواره‌ای را شور می‌دهد، جهانی را - نیز - به حرکت در می‌آورد.»^۱

در جای دیگری برای این فرشته‌های زمینی چنین وصیت کرده و می‌گوید: «ای زنان مسلمان افغانستان! فرزندان تان را با سختی‌ها آشنا کنید. مرد بودن و جهاد را به آنان یاد دهید؛ تا اینکه خانه‌های تان خوابگاه شیر زنان و شیرمردان گردد، اگر چنین نخواهد شد خانه‌های تان تبدیل به مزرعه کشت دیگران خواهد شد که طاغوت‌های وقت در آن کشت می‌کنند که هیچ سودی

برای شما نخواهد داشت»^۱

اگر به نوشته‌های استاد به لحاظ محتوا و پروا پیشگی ادبی هم نگاهی بیندازیم، در خواهیم یافت که آن ذات شریف در هنر نوشتن نیز دست بالایی داشته است.

این عاجز با وجود کمبود دانش و کم‌آشنایی با رموز ادبیات، إن شاء الله تفصیل این سخن را در نامه‌هایی بعد، خواهم نوشت؛ اما شتابزده اینجا باید گفت که بافت واژگان و قدرت ادبی استاد در زبان فارسی و عربی، سخنان استاد را به لحاظ ساختار، استحکام و زیبایی خاصی بخشیده است.

وقتی به آثار او مراجعه کنیم، به صراحت می‌بینیم که استاد یک نویسنده آگاه به همه راز و رمز نویسندگی و انشاء و املا در زبان فارسی بوده است.

از این باور می‌توان استاد را حامی بسیار محکم برای هنر و فرهنگ دانست. پس ما در پاسداشت از ایشان در حقیقت شخصیت‌های فرهنگی را پاس داشته‌ایم. او اگر در خط رهبر جلد پنجم، چنین می‌گوید: «شخصیت‌های مان را کشورهای همسایه می‌گیرند، شخصیت‌های معنوی و علمی ما مانند: مولانای رومی، ابن سینا و فارابی، را به حال خود بگذاریم، که حتی سلسله امرا و شاهان افغانستان را نیز از ما گرفته اند»^۲ به باور من، این یک هوش‌دار تکاندنده‌ای است برای ملتی که از بزرگان و نمادهای سیاسی و فرهنگی‌شان بزرگداشت نمی‌کنند.

یکی دیگر از نمادهای گرامیداشت از فرهنگ و زبان، اشتراک شان در محافل ادبی و هنری بود مثلاً: در خط رهبر، جلد پنجم می‌خوانیم که استاد شهید، در یکی از این همایش‌های ادبی چنین می‌گوید:

«چنان‌که در این روزها می‌بینم، اشعار مولانا در شرق میانه - به‌ویژه در کشورهای عربی نیز - مورد توجه خاصی قرار گرفته است و از افکار بلند این

۱. متأسفانه، ما نتوانستیم به این سخن استاد دست یابیم. البته دست‌نیافتن ما به معنای نفی نسبت این سخن به استاد نیست. به این دلیل که از یک سو تا کنون همه آثار استاد رحمه الله علیه جمع نیامده است و از سوی دیگر ادبیت این متن با ادبیات و زبان استاد بسیار هم خوانی دارد و یا شاید هم ما نتوانسته باشیم که آن را پیدا کنیم. «مرکز تدوین»

۲. خط رهبر ج، ۵، ص، ۱۲۷. «مرکز تدوین»

شاعران - که ما به وجود آنان افتخار می‌کنیم - به عنوان عالی‌ترین اندیشمندان انسانی استقبال می‌کنند.

امروز بار دیگر شاعران ما با سرایش اشعار شیرین و ادبیات دلنشین خود حماسه‌های جدید می‌آفرینند. بدون شک این همه حماسه‌ها، همچون حماسه‌های آزادی بخش جهاد و مقاومت، بخشی از افتخارات بزرگ این ملت را تشکیل می‌دهد.^۱

هرگاه گهر ادبی استاد را در بحر بیکرانی از عواطف جست‌وجو کرده و درک شیوۀ نگارش، سبز اندیشی و نیک اندیشی و قدرت تخیل او بر آن افزوده شود، خواننده در باغستان ادبیت او پروبال می‌کشد.

مرگ اندوه‌بار است؛ اما این اندوه زمانی تلخ‌کام‌تر می‌شود که مردی به قامت استاد شهید، از طرف فرهنگ‌ستیزان تاریخ و دشمنان صلح به شهادت برسد، مردی که انسان فرهیخته و دانشمند بود و قلب عطشناک دنیای پژوهش و دانش و خواندن و نبشتن بود.

بلی؛ چند سال پیش اتفاقی افتاد که نباید می‌افتاد، استاد قربانی یک رویداد ناخجسته شد، او در این مدت مقالات و مضامین زیادی نگاشته است، بی‌گمان اگر صیاد مرگ، بال و پرش را نمی‌شکست و امانش می‌داد، شاید چندین رسالۀ دیگر هم می‌نوشت. به قول سعدی:

اکنون آن پنجه قلم‌کش و انگشت‌نویس، دگر از کار فرو مانده و آن فرزانه کم‌همتا به جاودانگی پیوسته است.

تذکر:

جای بسا خوشحالی و خرسندی است که «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» با همت دانش مردان نام‌آوری چون استاد محترم آقای فضلی آماج و... دست به تدوین آثار آن بزرگ خدا زده‌اند و زحمات زیادی کشیده‌اند که برای قلم به‌دستان این مرکز، توفیق مزید و اجر بی‌پایان از درگاه رب‌العزت خواهانم. در فرجام از کمی و کوتاهی نوشته‌ای خود پیشاپیش طلب بخشش دارم.

۱. خط رهبر جلد پنجم؛ ص: ۱۰۰-۱۰۱. «مرکز تدوین»

ویژگی‌های خط رهبر
عبدالرشید فکرت، استاد دانشگاه کابل

چکیده:

به لحاظ زبان، سخنرانی‌های استاد شهید از ویژگی سلاست و شیوایی خاصی برخوردار است. از همین‌روست که به «متن‌درآوردن» این «گفتارها» چندان دشوار نیست. استحکام جملات و کلمات استاد شهید چنان است که مرز میان «گفتار» و «نوشتار» در آثار او به حد اقل آن می‌رسد و از این‌رو، نوشته‌مند کردن «گفتار»‌های او کار بسیار صعبی نیست، هر چند این کار در رابطه به دیگرانی که سخنان‌شان از چنان ویژگی‌هایی برخوردار نیست، کاری و صعب کاری است. «خط رهبر» از منظر محتوایی، واجد نکات بدیع و تازه‌ای است که خواندن آن برای همه، به‌ویژه آنانی که با مسائل سیاسی اسلامی دل‌مشغول‌اند، پراهمیت است. استاد شهید در ضمن سخنرانی‌ها، به نکات و دقایقی اشاره می‌کند که توجه به آن می‌تواند از خطاهایی بسیاری در فهم دین جلوگیری کند. او معتقد است که

«انسان متدین، انسان بسیار مدرن است»^۱

و با این وصف، او لازمه‌ی دین‌داری را ترک مدنیت نمی‌داند و بلکه خلاف آن، میان دیانت و مدنیت توفیق ایجاد می‌کند.

نگاه استاد به دین و ارزش‌های دینی را می‌توان نوعی اومانیزم اسلامی توصیف کرد. انسان در منظومه فکری او نقش در چگونگی به‌کارگیری دین دارد. از این‌رو، اسلام در نگاه او شبیه شمشیر برنده‌ای است که اگر به دست «زنگی مست» بیفتد، فاجعه‌آفرین خواهد بود.

۱. خط رهبر جلد ششم؛ ص: ۲۳. «مرکز تدوین»

میان‌روی را می‌توان مهم‌ترین وجه شخصیت استاد ربانی در نظر آورد. در فضایی که چهره‌های میان‌رو کمیاب و چه بسا نایاب‌اند، حرکت معتدلانه استاد شهید و تأکید او بر میان‌روی، حتی در سنگرهای داغ دفاع از کشور، تلاش میمون و خجسته‌ای است که باید آن را پاس داشت و بیش از پیش گسترش بخشید. مقوله «حاکمیت در اسلام» همواره در کشاکش افراط و تفریط واقع شده است. شماری حاکمیت در اسلام را صرفاً بشری دانسته‌اند و برخ دیگری معتقدند که حاکمیت در اسلام تنها از آن خداوند است. این در حالی است که استاد شهید با نگرش جامع‌تری حاکمیت را «بشری - الهی»^۱ می‌داند و الهی بودن آن را منافی بشری حاکمیت نمی‌بیند.

مردم در اسلام صلاحیت نصب، عزل و محاسبه کارگزاران حکومتی را دارند و تعیین اینکه، چه کسانی به نمایندگی از مردم به تطبیق احکام اسلامی بپردازند، بر عهده مردم است.

شهید صلح نگاه حقیقت‌محوری دارد که پیامدهای آن برای پژوهندگان بسیاری غافل‌گیرکننده است. از دیدگان او، افراد با معیار حقیقت سنجیده می‌شوند؛ نه اینکه حقیقت با محوریت افراد و اشخاص سنجیده شود. با این بیان، استاد می‌خواهد میان اسلام و عملکردهای مسلمانان جدایی افکند و دامن اسلام را از آلودگی‌های پیروان آن بپیراید.

۱. البته چنین اصطلاحی از کاربردهای حضرت استاد شهید نبوده و حضرت استاد پیوسته تأکید داشته‌اند که حاکمیت از آن خداست؛ مانند این گزاره‌های او:

- «پیروان شریعت اسلام، به جز خدای یگانه - که آفریدگار همه و برتر از همگان است - دیگر هیچ نیرو و قدرتی را صاحب حاکمیت مطلق در سرنوشت خود ندانسته و جز فرمان او تعالی و آن دستورها که از منبع هدایات جان‌بخش او سرچشمه گیرد، دساتیر دیگری را سزاوار قبول و فرمان‌بری نمی‌داند.» کاروان حرم، ص: ۳۰؛

- «ملت مسلمان، شما با کافران جهاد کنید؛ تا حاکمیت خدا به میان آید» سکوت و حشتناک، ص: ۳۹؛ اما منظور از حاکمیت خدا در باور استاد شهید حاکمیت احکام خداست. مثلاً در چه نوع مبارزه برگه ۳۳ چنین می‌گوید «موضوع رسیدن به قدرت، در مبارزه اسلامی، تنها به‌خاطر حاکمیت‌بخشیدن احکام خدا و غلبه حق بر باطل بوده و قدرت در مبارزه اسلامی وسیله است؛ نه غایه.» «مرکز تدوین»

درآمد

به متن درآوردن آثار بزرگانی چون استاد شهید، پروفیسور برهان‌الدین ربّانی، به معنای ماندگار شدن آن است. از این‌رو، کار «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» ارزش فراوانی دارد، که برای صاحبان اندیشه پوشیده نیست. ششمین جلد خط رهبر که مجموعه‌ای از سخنرانی‌های استاد شهید را طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۴ هـ.ش احتوا می‌کند، هم به لحاظ شگردهای زبانی، و هم از منظر محتوا و جهان‌بینی اهمیت بسیاری دارد. خط رهبر ممیزات بسیاری دارد که پرداختن به همه آن‌ها کار دشواری است، با این وجود، در این مقاله سعی شده تا ممیزات زبانی و محتوایی خط رهبر با اختصار تمام طرح و نشان‌دهی شود. سلاست و آسان‌فهمی را می‌توان مهم‌ترین وجه زبانی آن دانست، در حالی که واقع‌گرایی، میانه‌روی، حقیقت‌محوری، نقّادی، انسان‌گرایی توأم با خداگرایی را می‌توان اساسی‌ترین وجوه معنایی این اثر دانست.

۱- به لحاظ زبان:

به لحاظ زبان، سخنرانی‌های استاد شهید از ویژگی سلاست و شیوایی خاصی، برخوردار است. از همین‌روست که به «متن درآوردن» این «گفتارها» چندان دشوار نیست. دوگانگی، و تفاوت چشم‌گیر میان گفتار و نوشتار در زبان فارسی یکی از گره‌هایی است که همواره ریختن «گفتار» را در قالب «نوشتار» با دشواری روبه‌رو می‌سازد. با این وجود، استحکام جملات و کلمات استاد شهید چنان است که مرز میان «گفتار» و «نوشتار» در آثار او به حداقل آن می‌رسد و از این‌رو، نوشته‌مند کردن «گفتار»‌های او از نظر من کار بسیار صعبی نیست، هر چند این کار در رابطه به دیگرانی که سخنان‌شان از چنان ویژگی‌هایی برخوردار نیست، کاری و صعب‌کاری است. به پاره‌متن زیر بنگرید:

«تردیدی نیست، در دنیای کنونی زورمندان همه چیز را تحت تسلط خویش دارند و هر زمانی که دل‌شان بخواهد، هر چیزی را به خورد مطبوعات می‌دهند و از آن دفاع می‌کنند. چنان‌که در این اواخر، همه شاهد آن بودیم که

به پیامبر گرامی ما Y با نشر کاریکاتورهای توهین کردند. یقیناً برای انجام چنین کاری، پیش از پیش برنامه‌ریزی صورت گرفته است و همان‌گونه که به ضد مجاهدین در زمان جهاد و مقاومت توطیه چیدند، امروز نیز به معتقدات آن‌ها و تمام جهانیان، زیر عنوان دموکراسی و آزادی بیان توهین صورت می‌گیرد. مسلمانان نسبت به دیگران به آزادی بیان ارجح می‌گذارند؛ چون اولین معجزه دین اسلام، کلمه و بیان است که به تمام بشریت به ارمغان آورده است؛ ولی آزادی بیان با توهین به معتقدات انسانان فرق دارد.^۱

با نگاهی در این متن پاره در می‌یابیم که استاد شهید با زبان سلیس و عاری از پیچیدگی سخن می‌زند. این نوع سخن گفتن، علی‌الرغم آنکه به ظاهر ساده و آسان می‌کند، مفاهیم ژرف و نکته‌بینانه‌ای را در خود دارد. این رویکرد، از یک سو به آسان کردن مفاهیم و موضوعات پیچیده علمی کمک می‌رساند و از سوی، در انتقال معانی و مراد، به مخاطب رساتر است.

بیان ساده موضوع را نباید با ساده‌گیری مسایل یکسان انگاشت. ساده‌گیری مسایل، در جایی است که کسی مسئله را که ماهیتاً پیچیده و چند بُعدی است، ساده و یک وجهی بینگارد و سپس در آن مورد دست به قضاوت بزند. بیان ساده موضوع؛ اما به معنای تبسیط موضوعات پیچیده نیست؛ بلکه سعی در راه آسان ساختن و قابل فهم کردن موضوعات مطروحه است. از این رو، آنچه که در زبان استاد شهید به چشم می‌خورد، بیش از ساده‌گیری، آسان‌سازی مسایل است؛ تا محتوی، بی‌کم‌ترین سختی و سوء فهمی به طرف مقابل برسد. به صورت کلی، گاه «گفتار» توانایی دارد، که در «نوشتار» نیست. «گفتار»ها در موارد بسیاری ساده و سلیس‌اند؛ اما نوشتار این گونه نیست.

از این رو، به متن در آوردن نوشتار کمک شایانی به ساده ساختن مباحث گاه پیچیده علمی می‌رساند. و این امر - چنان‌که گفتیم - دسترسی عام را به موضوعات علمی سهل تر می‌سازد و با گسترش چنین رویکردی، علم بیش از پیش منشأ تغییر اجتماعی واقع می‌شود.

روی این بیان، مجلدات «خط رهبر» بیان روشن و بی‌پیرایه مسائل

مهمی است که بخشی از آن ماهیت علمی دارند و دقت نظر و تازگی‌های بسیاری در آن‌ها به چشم می‌رسد.

۲- به‌لحاظ محتوایی:

«خط رهبر» از منظر محتوی، واجد نکات بدیع و تازه‌ای است که خواندن آن برای همه، به‌ویژه آنانی که با مسائل سیاسی اسلامی دل‌مشغول‌اند، پراهمیت است. استاد شهید در ضمن سخنرانی‌ها، به نکات و دقایق اشاره می‌کند که توجه به آن می‌تواند از خطاهایی بسیاری در فهم دین جلوگیری کند و ما به اختصار تمام به پاره‌ای از این دقایق اشاره می‌کنیم:

الف- واقع‌گرایی

نوسان در میانه واقعیت و آرمان، یکی از آسیب‌های کلان حرکت‌های اسلامی است. شماری از جریان‌های اسلامی چنان به واقعیت‌های موجود تن داده‌اند و در آن منهمک شده‌اند، که گاه آدمی فراموش می‌کند، که آن‌ها برای تغییر وضع موجود در تلاش‌اند. شماری از حرکت‌های دیگر اسلامی که پرشمارترند، در آرمان‌گرایی عمیقی افتاده‌اند، که مجال برای توجه به واقعیت‌های تاریخی و عینی بالفعل نمی‌گذارد. آرمان‌گرایان عمدتاً شیوه متن‌گرایانه دارند و آموزه‌های اسلامی را بی‌توجه به واقعیت‌های تاریخی و معاصر دست‌آویز خود قرار می‌دهند. این در حالی است، که احکام اسلامی مفاهیم انتزاعی‌ای نیستند که بتوان آن‌ها را گسسته از واقع در نظر آورد؛ بلکه دین اسلام بیش از هر دین دیگری ناظر بر عمل و رفتار آدمیان بوده است و از این‌رو، ارزش‌ها و آموزه‌های این دین در نسبت دیالکتیک با واقع به وجه بهتری درک خواهد شد.

روی این بیان، وقتی استاد شهید به تحوّل که اسلام به‌وجود آورده است، اشاره می‌کند، اسلام را در ظرف زمانی و مکانی آن در نظر دارد و به اوضاع جوامع پیشا اسلامی اشارت آشکاری می‌دهد.

در نگاه او، توجه به واقعیت‌هایی که با آن مواجهیم - در نگاه ما به اسلام - ضروری می‌نماید.

بنابراین او در بیان و توضیح هر آیت و یا روایتی، به تاریخ و پیرامون خودش نظر دارد و با این رویکرد، دیگران را نیز به واقع‌نگری و واقع‌گرایی فرامی‌خواند. از باب مثال:

«شکی نیست که میلاد باسعادت پیامبر گرامی Y، نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای تمام جوامع از الطاف و رحمت بی‌کران الهی به‌شمار می‌رود. اگر مراکز تمدنی یونان،^۱ شرق میانه^۲ و هندوستان^۳ را بررسی کنیم که آن‌ها در باره انسان چگونه برداشت‌هایی داشته‌اند، در می‌یابیم که در میان آنان طرز دیدهای متفاوتی وجود داشته‌است، از جمله «ارسطو»^۴ معتقد به طبقه‌بندی انسان‌ها بود، حتی او معتقد بود که دموکراسی، نظامی است برای مردم عوام؛ نه برای زمامداران و نباید تصمیم‌های مردمی بر اساس فیصله جوامع و ملت‌ها گرفته

۱. یونان قدیم یا باستان؛ به تمدنی گفته می‌شود که متعلق به دوره‌ای از تاریخ یونان است که از دوره باستانی هشتم تا ششم قبل از میلاد شروع شده و تا عصر کلاسیک به طول انجامید. بلافاصله بعد از این دوران آغاز اوایل قرون وسطی و امپراتوری روم شرقی بود. نگاه: لغت‌نامه دهخدا. «مرکز تدوین»

۲. شرق میانه و یا خاور میانه؛ اصطلاحی است مبهم که از بدو پیدایش آن تا کنون به محدوده جغرافیایی مشخص اطلاق نشده‌است که مورد تأیید همگان باشد. دیدگاه‌های متعددی که در این مورد وجود دارد، منطقه خاور میانه را مشتمل بر کشورهای زیر می‌دانند: کشورهای عربی زبان شرق دریای مدیترانه، فلسطین، شبه جزیره عربستان، منطقه دجله و فرات، دره نیل (مصر و سودان)، لیبی، ایران، ترکیه و قبرس. فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۷۱. «مرکز تدوین»

۳. هند یا هندوستان؛ کشوری است که در جنوب قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۳۱۶۵۵۹۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۱۱۷۳۱۰۸۰۰۰ نفر تخمین شده‌است که دومین کشور پرجمعیت دنیا پس از چین به شمار می‌آید. زبان رسمی آن هندی و انگلیسی، واحد پول آن روپیه هند و پایتخت آن دهلی نو می‌باشد، هند معجونی از ادیان مختلف و فرقه‌های مذهبی گوناگون است. پیشینه ورود اسلام به هند از اواخر قرن ۱ قمری و با سقوط پادشاهی ساسانی آغاز شد، گسترش اسلام در دوران سلطان محمود غزنوی و تصرفات وی در پنجاب ادامه پیدا کرد و در دوران حکومت گورکانیان هند به اوج خود رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۲. «مرکز تدوین»

۴. ارسطو؛ در استاگیرا از شهرهای مقدونیه به دنیا آمد. در هفده سالگی به آتن رفت و در اکادمی افلاتون به شاگردی پذیرفته شد و بیست سال تمام؛ یعنی تا زمان درگذشت افلاتون در اکادمی ماند. پس از مرگ افلاتون، مدتی به سفر رفت و چند سالی معلم «اسکندر مقدونی» شد و از همین روست که به او «معلم اول» لقب داده‌اند. او در سال ۳۳۵ به آتن بازگشت و آموزشگاه دایر کرد. پس از آنکه آتنی‌ها برضد پیگانگان شورش کردند. ارسطو به شهر کالکیس گریخت و در آن‌جا در ۶۲ سالگی درگذشت. او در شکل‌گیری دانش بشری سهم عمده‌ای داشت و در طبقه‌بندی دانش‌های زمان خود؛ حتی بر استاد خود افلاتون پیشی گرفت؛ تا آنجا که قرن‌های متمادی مرحله نهایی مسایل علمی و فکری محسوب می‌شد. روش فلسفی ارسطو به روش «مساء» معروف است؛ زیرا شاگردان او به هنگام درس خواندن قدم می‌زدند و راه می‌رفتند. نگاه: تاریخ اروپا از آغاز تا پایان قرن بیستم، ص: ۶۰. «مرکز تدوین»

شود.

در تمدن مصر نیز که آثار مدنیت مردم آن تا هنوز در اهرام آن دیار مشاهده می‌شود، اقوام و ملت‌ها هیچ ارزشی نداشتند و این مسئله در قرآن کریم نیز ذکر گردیده‌است:

﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ، إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾^۱

یعنی فرعون قومش را به نظر حقارت می‌نگریست [و آنان را فرومایه به بار آورد] و آنان هم در پی این استخفاف از وی اطاعت می‌کردند.

همچنان در تمدن هند، جامعه به طبقات مختلف تقسیم‌بندی شده بود که برهمن‌ها^۲ در رأس و سودری‌ها^۳ در پایین‌ترین طبقه قرار داشتند؛ اما زمانی که به تمدن اسلامی برمی‌گردیم، می‌بینیم که نخستین پیام آن حضرت Y برای انسانیت این بود:

«ای مردم! همه شما از آدم‌اید و آدم از خاک، پس هیچ برتری‌ای نیست عجمی را بر عربی و نه سرخ‌پوستی را بر سیاه‌پوستی؛ مگر به تقوی.»^۴
 «پیام پیامبر گرامی اسلام Y اعلام‌کننده این بود که ارزش انسان بر مبنای طبقات اجتماعی استوار نیست و اعتراف به عزت و کرامت انسانی از عمده‌ترین ارزش‌های پیام آن حضرت Y است و اساس مبارزات تاریخی را در دوره‌های مختلف، در نظام‌های چپ و راست و در فرهنگ‌های متمدن

۱. زخرف / ۵۴. ﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ، إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (فرعون قوم خویش را فرومایه و ناآگاه بار آورد و ایشان هم از او فرمان‌برداری و پیروی کردند، آنان قوم فاسقی بودند). «مرکز تدوین»
 ۲. برهمن؛ در سانسکریت به معنای مطلق پیشوایان روحانی، یکی از سه طبقه مردم در آیین برهمنایی.
 ۳. برهمنه طبقه اعلی در آیین هندو و در نظام طبقاتی هند می‌باشند و وظیفه اصلی برهمن مطالعه و تعلیم و دها و اجرای مراسم دینی است. منشاء برآمدن برهمنه روشن نیست و از قدیم‌ترین زمانی که از آن خبر داریم برهمن‌ها در هند قدرت داشته‌اند، برای معلومات بیشتر نگاه شود: لغت‌نامه دهخدا. «مرکز تدوین»
 ۳. سودرا یا شودرا؛ پست‌ترین طبقه در نظام طبقاتی (کاست) هند هستند، حتی لمس افراد این طبقه - نیز - عمل نادرست است، آن‌ها از کم‌ترین امکانات زندگی برخوردارند و هیچ مالکیتی بر روی وسایل و اموال خود ندارند، این طبقه عمدتاً از پاراوان‌ها و افراد نژاد دراویدی و اقوام پیشاآرایی هند تشکیل شده‌است. نگاه: هند در یک نگاه، ص: ۹۶، از محمد رضا جلالی نایینی، تهران، انتشارات شیرازه، سال نشر ۱۳۷۵ هـ. ش. «مرکز تدوین»

۴. متن حدیث مبارک این است: ﴿لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لَأَسْوَدَ عَلَى أَبْيَضَ وَلَا لَأَبْيَضَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالْقَوَى، كُلُّكُمْ لَأَدَمٌ وَإِلَّا نُرَابٌ﴾ نگاه: مسند احمد، شماره حدیث: ۲۴۲۰۴. «مرکز تدوین»

تشکیل می‌داده‌است و همواره طبقات پایین سعی می‌کرده‌اند که چگونه این ارزش‌ها را به‌دست بیاورند و از ظلم و استبداد رهایی یابند، مانند انقلاب کارگری، انقلاب روشنفکری در اروپا^۱ و؛ اما در نظام اسلامی ضرورت به هیچ نوع کشمکش و مبارزه نیست؛ چون از همه اول‌تر همه انسان‌ها با هم یک‌سان اعلام گردیده‌اند و اگر امتیازی نیز وجود داشته باشد، نظر به شخصیت خود انسان است، که به دانش، تقوی، ابتکار و اخلاق وی تعلق دارد و هرکس مجال پیش‌گیری بر دیگران را در این راستا دارد.^۲

با توجه به پاره‌متن‌های فوق، نکات بسیاری برجسته می‌شود. از همه مهم‌تر نگرش تاریخی استاد شهید به تحوّل است که اسلام با ظهور خودش رقم زده است. برای درک و دریافت تحوّل که اسلام در انسان‌شناسی پدید آورده است، لازم است تا به اسلام در ظرف تاریخی آن توجه شود و ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی در قیاس به تمدن‌های هم‌عصر و پیشا اسلامی سنجیده شود، کاری که استاد شهید هر از گاهی به آن دست می‌یازد.

ب- تمدّن و تدیّن

استاد شهید معتقد است که «انسان متدین، انسان بسیار مدرن است»^۳ و با این وصف، او لازمه‌ی دین‌داری را ترک مدنیّت نمی‌داند و بلکه خلاف آن، میان دیانت و مدنیّت توفیق ایجاد می‌کند. او علت این هم‌نشینی و سازگاری را چنین تعیین می‌دارد:

«به‌علّت اینکه نظافت، پاک‌ی، کار، تلاش، دل‌سوزی، ارزش‌های انسانی و عدالت اجتماعی، تمام این‌ها در وجود یک مسلمان و متدین می‌باشد. تدیّن با تمدّن هیچ‌گونه منافاتی ندارد، شما همین اروپای متمدّن را دیدید که در مرگ

۱. اروپا؛ در نیم‌کره شمالی قرار گرفته و پس از اقیانوسیه، دومین قاره کوچک جهان است. مرز میان اروپا و آسیا را کوه‌های اورال تشکیل می‌دهند. مساحت اروپا حدود ۱۰ میلیون کیلومتر مربع و نفوس آن بیش از ۷۳۰ میلیون نفر جمعیت است که یازده درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. با وجود مساحت نسبتاً کم خود، اروپا پس از آسیا دومین قاره جهان از نظر تراکم جمعیت است. برای معلومات بیشتر نگاه شود، اطلس جامع گیتاشناسی. «مرکز تدوین»

۲. خط رهبر جلد ششم؛ ص: ۱۷-۱۹. «مرکز تدوین»

۳. همان؛ ص: ۲۳. «مرکز تدوین»

«پاپ جان پال دوم» چگونه پای بندى و التزام خود را به باورهای دینی اش نشان داد.^۱

نگاه استاد به قضایا صرفاً نگاه یک رهبر سیاسی نیست؛ بلکه نگرشی است که در آن حتی فراتر از مسلمان بودن، به انسان، محوریت می‌دهد و حوادث و رخدادها را از پس منظر ارزش‌های والای اسلامی و انسانی می‌نگرد.

این نگاه را می‌توان نوعی «اومانيسم اسلامی» توصیف کرد، اومانيسمی که در هم‌نشینی با دین معنا پیدا می‌کند. انسان در منظومه‌ی فکری او نقش در چگونگی به‌کارگیری دین دارد. از این‌رو، اسلام در نگاه او شبیه شمشیر برنده‌ای است که اگر به دست «زنگی‌مست» بیفتد، فاجعه‌آفرین خواهد بود. استاد شهید برخلاف تلقی عمومی که بر پایه‌ی رابطه‌ی یک‌طرفه‌ی دین و انسان (بدین معنا که انسان برای دین است نه دین برای انسان) بنا یافته است، نسبت انسان را با دین دو جانبه می‌بیند. از دید او - که به‌درستی مشکلات جوامع اسلامی را از نزدیک احساس کرده است - دین، چون سلاحی است که با آن هم می‌توان بی‌گناهی را کشت و هم می‌توان بی‌گناهی را نجات داد. نکته‌ای که مولوی نیز بدان توجه داده است:

زانک از قرآن بسی گمره شدند

زین رسن قومی درون چه شدند

مر رسن را نیست جرمی ای هنود!

چون ترا سودای سربالا نبود^۲

دین می‌تواند برای جوامع و گروه‌هایی مایه‌ی نجات و عامل سعادت به‌شمار آید، در حالی که فهم نادرست و استفاده‌ی ابزاری از دین، می‌تواند برای شمار دیگری، وسیله‌ی عقب‌مانی شود.

همین است که قرآن کریم هم موجب هدایت است و هم موجب گمراهی و خلیفه‌ی دوم اسلام اعلام می‌دارد که «خداوند توسط این دین اقوامی را سربلندی

۱. خط رهبر جلد ششم، ص ۲۳. «مرکز تدوین»

۲. مثنوی، دفتر سوم، بخش ۲۰۰. «مرکز تدوین»

و رفعت می‌بخشد و برخ دیگری را ذلیل و فرو گذاشت می‌کند»^۱
 از این رو، نحوه تعامل ما با دین اهمیت شایانی می‌یابد. این مسئله در
 واقعیت گروه‌هایی که هر یک خویشتن را داعیه‌دار بی‌چون و چند اسلام
 می‌خواند، به خوبی نمودار است.
 روی این بیان، استاد شهید گاه، نگاه ناقدانه به چگونگی برخورد مسلمانان
 با دین دارد که جنبه‌های انتقادی فکر او را آشکار می‌سازد.

ج- اعتدال‌گرایی

توحید اولی‌ترین اصل اعتقادی در اسلام است، که فراتر از آن، به
 عنوان یک جهان‌بینی مطرح است. جهان‌بینی توحیدی، هیچ‌گونه ثنویت
 و دوگانگی‌ای را بر نمی‌تابد و تمامی تراحم و تضادها در آن به منشأ و منبع
 واحدی ارجاع می‌یابد. با توجه به واحد بودن منبع تکوین و تشریع، میانه‌روی
 در دین با اعتدال در هستی، پیوند می‌خورد و عدالتی که آسمان‌ها و زمین بر
 اساس آن استوار است، با میانه‌روی در رفتارها و باورهای انسان مسلمان رابطه
 می‌گیرد.

از این رو؛ مسلمانی که جهان را در غایت اعتدال می‌بیند، نباید رفتاری از
 او سرزند که نشان‌دهنده بی‌تعادلی و تندیروزی او باشد؛ مسلمان باید معتدلانه
 رفتار کند، چنان‌که جهان نیز بر پایه اعتدال پی‌ریزی شده است و موازنه و
 اعتدال از ویژگی‌های بنیادین آن است.

استاد شهید، با درک این حقیقت، همواره بر اعتدال و میانه‌روی تأکید
 داشته و شاید بتوان مهم‌ترین ویژگی او را همان شخصیت متعادل و میانه‌ای او
 تعریف کرد. از باب مثال:

«ما با الهام از اسلام، روش معتدل داشتیم. جداً مخالف افراط‌گرایی
 و تفریط‌منشی بودیم و هستیم؛ زیرا می‌دانیم که دین ما، دین وسط و اعتدال
 است. دلیل چه بود که با وجود مشروعیت قانونی حکومت مجاهدین، یک

۱. چنین سخنی که متن آن چنین است: «إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا، وَيَضَعُ بِهِ الْآخَرِينَ» از عمر رضی
 الله عنه، نه؛ بل سخن رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است. البته حضرت عمر رضی الله عنه، راوی آن
 است. نگاه: مسلم، شماره حدیث: ۸۱۷ و سنن دارمی، شماره حدیث: ۳۲۷۰. «مرکز تدوین»

تعداد اشخاص استخدام شده با الهام از بیرون، علیه ما می‌جنگیدند. این‌ها به‌خاطری می‌جنگیدند که مشی ما مشی افراط‌گرایی نیست. ما جداً با تحجر و افراط‌گرایی مخالف بودیم و به همین اساس بود که علیه ما قرار گرفتند.^۱

میان‌روی یکی از عناصر مفقوده در زندگی بسیاری از رهبران جامعه ما - خواه راست‌کیش و خواه چپ‌گرا- بوده است. تقریباً اکثریت جریان‌های ترقی‌خواه، حرکت‌های چپی و جهادی همواره از خط سرخ میان‌روی گذشته‌اند. در یک چنین فضایی که چهره‌های میان‌رو کم‌یاب و چه بسا نایاب‌اند، حرکت معتدlane و تأکید بر میان‌روی، حتی در سنگرهای داغ دفاع از کشور، تلاش میمون و خجسته‌ای است که باید آن را پاس داشت و بیش از پیش گسترش بخشید.

د- حاکمیت

مقوله حاکمیت یکی از مهم‌ترین مباحث سیاسی در اسلام شناخته می‌شود. این اصطلاح در سده‌های پسین، به‌ویژه در سده‌ی نهم و بیستم بیش از پیش بلواساز شد و متفکران شناخته‌شده‌ای، از محمد عبده تا علی عبدالرازق، و تا ابوالاعلی مودودی و راشد الغنوشی و دکتر یوسف قرضاوی و... به‌گونه‌هایی به توصیف و تبیین این مقوله دست زدند. شماری با تکیه بر وجه الهی حاکمیت در اسلام، دست بشر را از دامن حاکمیت کوتاه کردند. شماری دیگری از اندیشمندان اسلامی با تکیه بر نظریه قرارداد اجتماعی بدین باورند که حاکمیت به‌تمامی معنای یک امر بشری است. اینان متکی بر وجه بشری حاکمیت در اسلام، با استناد به پاره‌ای از دلایل نقلی و عقلی، سقف حاکمیت را به زمین آوردند و آن را محصول اراده بشر و قرارداد اجتماعی دانستند. در این میان، دانشمندان سرشناسی چون غنوشی، قرضاوی و... که عمدتاً زیر پارادایم اصول‌گرایی جای می‌گیرند، «بر دینی - بشری» بودن حاکمیت در اسلام تأکید دارند و نگرش جامع‌تری را نسبت به دیدگاه‌های پیش‌گفته طرح و تبیین کرده‌اند.

استاد شهید نیز چونان نحلّه اخیر معتقد بود که حاکمیت در اسلام یک امر

۱. خط رهبر جلد ششم؛ چاپ نخست، ص: ۴۵. «مرکز تدوین»

بشری؛ اما با مرجعیت الهی است. چنین نگرشی بر دوجهی بودن حاکمیت در اسلام اشاره دارد و نگاه کلی تری را نسبت به حاکمیت می پروراند. حاکمیت در اسلام به دو دسته تقنینی و اجرایی تقسیم می شود. حاکمیت تقنینی که از آن به «سیادت» تعبیر شده است، علی الاصول از آن خداوند است و آیه های بسیاری بر این امر گواهی می دهند. با این وجود، در مواردی که نصی وجود ندارد، و یا نص قطعیت (به لحاظ سند و یا دلالت) ندارد، مجتهد می تواند با توجه به اصول کلی اسلام و در سازگاری با سایر نصوص موجود در آن زمینه، به گونه ی روشمند دست به اجتهاد بزند و مقررات تازه ای را بیرون کشد که به نیازهای جدید آدمیان پاسخ بدهد. اجتهاد از این منظر یک پدیده بشری است که با مرجعیت الهی (دین) صورت می گیرد. از همین جاست که استاد شهید با گریز از فرمالیسم سخت جان، به محتوی مقررات شرعی می نگرد و با نگرش پویا و دینامیک به اسلام و نهادهایی چون پارلمان - به منزله مرجع قانون گذاری - نظر می افکند.^۱ روی این بیان، استاد شهید میان دو نگرش بشری (Humanistic) و الهی (Theocratic) به حاکمیت جمع می کند و این به خودی خود در کشوری چون افغانستان بدیع و تازه به نظر می آید. بدین سان، استاد شهید حاکمیت اجرایی در اسلام را که از آن به «سلطه» تعبیر می شود، از آن مردم می داند. از این رو، این مردم اند که بایستی کارگزاران حکومتی خویش را برگزینند و حاکمان خود را انتخاب کنند. از باب مثال، استاد در این باب چنین می گوید: «اکراه در دین نیست، حق و باطل روشن است، هر کسی می تواند انتخاب خود را بکند.

آزادی یکی از اصول دموکراسی است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«چرا تو غلام کس می شوی، در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است.»^۲

۱. دیدگاه استاد در مورد پارلمان - از مقاله کاروان حرم.. «مرکز تدوین»

۲. متن سخن حضرت علی علیه السلام ~ این است: ﴿لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ خَلَقَكَ اللَّهُ حُرًّا﴾ نگاه: نهج البلاغه،

نامه ۳۱. «مرکز تدوین»

حضرت عمر ~ می‌فرماید:

«از چه وقتی فکر غلام‌ساختن مردم را در ذهن‌تان گرفتید، در حالی که خداوند آنان را آزاد آفریده است.»^۱

پس آزادی حق طبیعی و مشروع و حق اسلامی ماست. پیغمبر اسلام برای اینکه نشان بدهد که میان سیاه‌پوست و سرخ‌پوست و سفیدپوست هیچ تفاوتی نیست، امر می‌کند، بلال را بر فراز کعبه بالا کنید که اولین آذان را بدهد.

مسئله مساوات، آزادی، انتخابات در اسلام کاملاً روشن است. حضرت ابوبکر صدیق و سعد بن عبادۀ E برای خلافت کاندیدا می‌شوند، یکی مربوط انصار است و دیگری مربوط به مهاجران، هریک در مورد کاندیداتوری خود صحبت می‌کند.

حضرت ابوبکر ~ وقتی انتخاب می‌شود، می‌گوید: «من از طرف شما تعیین شده‌ام در حالی که از شما بهتر نیستم؛ تا وقتی که اطاعت خدا و پیغمبر را بکنم، شما از من اطاعت کنید. اگر عصیان بکنم شما می‌توانید بر ضد من قیام کنید و مرا از کرسی بیندازید.»^۲

دیده می‌شود، که چگونه استاد شهید راهش را از بحث آزادی به آزادی به معنای خاص آن، یعنی آزادی سیاسی می‌گشاید و برای اینکه نشان دهد حاکمیت اجرایی از آن مردم است، به شاهی از تاریخ دست می‌یازد. با این گفته، «حاکمیت در اسلام» تفاوت چشم‌گیری با حکومت‌های دین‌سالار (تئوکراسی) قرون وسطایی دارد که منشأ مشروعیت خود و عملکرد خویش را خداوند می‌دانستند و هیچ سهمی برای مردم در گزینش حکومت‌کنندگان قایل نبودند. مردم در اسلام صلاحیت نصب، عزل و محاسبه کارگزاران حکومتی را

۱. متن سخن حضر عمر ~ این است: «مَنْ اسْتَعْبَدْتُ النَّاسَ وَقَدْ وَلَدْتُهُمْ أَمْهَانُهُمْ أَخْرَارًا» نگاه: فتوح مصر و اخبارها، ص: ۲۹۰ و حیاة الصحابة، ج: ۲، ص: ۸۸ و منتخب کنز العمال، ج: ۴، ص: ۴۲۰. «مرکز تدوین»

۲. برای مطالعه بیشتر نگاه شود: سیرة النبوة، از ابن هشام، ج: ۴، ص: ۳۱۲، به نقل از تاریخ الطبری، ۲۱۰ / ۳. «مرکز تدوین»

۳. خط رهبر جلد ششم؛ ۴۷. «مرکز تدوین»

دارند و تعیین اینکه، چه کسانی به نمایندگی از مردم به تطبیق احکام اسلامی بپردازند، بر عهده مردم است.

ه- از وضع موجود تا وضع مطلوب

هر مبارزه‌ای به یک معنا، اعتراض بر وضعیّت موجود است. مبارزان و آزادی خواهان همواره سعی کرده‌اند؛ تا وضعیّت موجود را به نحو مطلوب آن تحوّل ببخشند.

روی این بیان، حرکت‌های دگرگون‌خواه - خواه از نوع اصلاح طلبانه و خواه از نوع انقلابی و کودتایی آن - نگاه مساعدی به حالت موجود ندارند و آن را پیوسته با عمل یا نظر خویش به چالش می‌کشند. استاد شهید نیز ندای اعتراضی است، بر وضعیّت موجود. به پاره متن زیر بنگرید:

«همین اکنون برخی‌ها، بسیاری از کارنامه‌های باارزش در تاریخ این کشور را با تعبیرهای گمراه‌کننده به خورد مطبوعات می‌دهند و قهرمانان ملی این کشور را به نام‌های جنگ سالار، تفنگ سالار و... یاد می‌کنند. این خود بیانگر آن است که آن‌ها می‌خواهند به اشکال گونه‌گون، تمام ارزش‌های دینی، ملی و فرهنگی این کشور را مورد هجوم قرار دهند..... برعکس، همان گونه که مُبارزه آزادی خواهانه دولت اسلامی را در زمان جهاد و مقاومت جنگ داخلی می‌خواندند، امروز نیز می‌خواهند مجاهدین را مسئول همه اشتباهات بدانند! البته فرماندهان و مجاهدان درگیر جنگ با تجاوزگران، فرشته نبودند، حتماً اشتباهاتی از آنان صورت گرفته است؛ اما سوال اینجاست که زمانی مسئله نقض حقوق بشر به میان می‌آید؛ چرا بسیاری از کسانی که در فهرست ناقضان حقوق بشر قرار دارند، از فرماندهان زمان جهاد و مقاومت می‌باشند؟ آیا این قضاوت عادلانه است؟!»^۱

این بریده به خوبی نشان می‌دهد که استاد شهید از وضع پیش آمده ناراضی است و در برابر قضاوت‌های غیرعادلانه‌ای که در قبال هم‌سنگران صورت می‌گیرد، لب به اعتراض می‌گشاید. آنچه بیش از پیش بر شعله این اعتراضات می‌افزاید، برخورد دوگانه‌ای است که متولیان حقوق بشر و دموکراسی با

قضایای مختلف دارند. در آغاز مبارزه علیه قشون سرخ، از جهادگران به عنوان مبارزان آزادی خواهی یاد می‌کردند؛ اما امروز که دیگر آن اهداف جنگ سرد ایشان به دست آمده است، جنگ سالار و تفنگ سالار نام می‌گیرند.

از انقلاب فرانسه که پس از آن حدود ده هزار نفر سر بریده می‌شود، با افتخار تمام نام می‌برند، اما در برخورد با افتخار بزرگ جهاد مردم افغانستان که در آن سپاه تا دندان مسلح شوروی در هم می‌شکند، قضاوت دیگری دارند. توجه به چنین دقایق و نکته‌هایی، جنبه‌های استادانه اندیشه شهید صلح را نمودار می‌سازد.

و- حقیقت‌گرایی

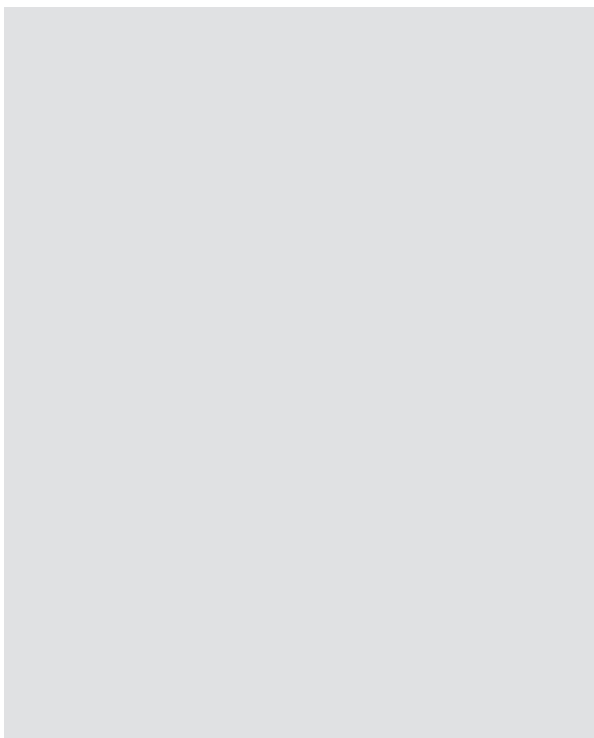
شهید صلح نگاه حقیقت‌محوری دارد که پیامدهای آن برای پژوهندگان بسیاری غافل‌گیرکننده است. از دیدگان او، افراد با معیار حقیقت سنجیده می‌شوند، نه اینکه حقیقت با محوریت افراد و اشخاص سنجیده شود. به بریده زیر بنگرید:

«ما باید شخص را به معیار حق بشناسیم، اگر شخصی را دیدید که پیرو دین برحق است؛ اما خودش آدم درست نیست؛ نباید قضاوت کنید که دین او نادرست است؛ بلکه باید بدانید که در هر جامعه و هر دین، انسان‌های متفاوتی زندگی می‌کنند و باید آن‌ها را تفکیک کنید.»^۱

با این بیان، استاد می‌خواهد میان اسلام و عملکردهای مسلمان‌ها جدایی افکند و دامن اسلام را از آلوده‌گی‌های پیروان آن بپیراید.

جمع بندي محفل

عبدالشکور واقف «حکیمی» عضو شورای رهبری
و سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان



الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن والاه وبعد:

جناب استاد قویم!

جناب استاد شاداب صاحب!

جناب استاد کوهی!

جناب تقوی صاحب!

و همه بزرگانی که در اینجا حضور دارند! السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!
من هم با اکتفا از سخنان بزرگان و دوستان اندیشمند و دانشمندی، که در
این محفل حضور به هم رساندند و در مورد نوشته‌ها، گفتارها و پیغام‌های
استاد، سخنرانی داشتند، چند نکته‌ای را - ا به عنوان یکی از کسانی که در
اطراف استاد و در مصاحبت استاد، زمانی را گذرانیدیم و خاصاً در عرصه کار
فرهنگی هم به گونه با دیگران همکار بودم - عرض می‌کنم.

سخنانی را که جناب استاد «حکمت» بیان کردند، در چهل فقره بودند که
تفصیل‌شان را در مقاله‌شان می‌خوانیم، من فکر می‌کنم آن چهل فقره‌ای را که
به صورت گذرا مطرح کردند، خود جمع‌بندی مقاله طویل‌شان بود، که نیازی
به تعلیق و تفسیر بنده هم ندارد. و اگر به هر محوری از محورهای چهل گانه،
سخن گفته شود، فکر کنم تکرار بر مکررات است.

بحث دیگری را که جناب استاد بشیر فکرت مطرح کردند، در مورد
پهلوه‌ای اندیشگی استاد، که استاد چه خصوصیتی را داشتند، خاصاً در
عرصه اندیشه دینی در افغانستان، که به برخی از پهلوه‌ای آن اشاره کردند،
در این جا من فقط به یک فقره‌اش، مکث بسیار کوتاهی می‌کنم، که به «متن

در آوردن» گفتارهای استاد است. ایشان گفتند که از آنجایی که زبان گفتاری استاد، شبیه زبان نوشتاری‌اش بوده است، بناءً به «متن در آوردن» سخنان کار صعبی نیست.

به باور من هرچند آدم از دانشمندان بسیار بزرگ و ادیبان بسیار مسلط بر زبان و اندیشه هم باشد، زبان گفتاری او با زبان نوشتاری، تفاوت‌های خود را می‌داشته باشد و باید هم داشته باشد.

مخاطبان محیطی که در آنجا یک سخنران، یک موضوع را بیان می‌دارد، با محیط دیگری که در خلوت نشسته و با تفکر چیزی را می‌نویسد، بدون شک این دو تفاوت‌هایی را باید داشته باشند، که به برخی از این مسایل و این تفاوت‌ها و ساده کردن‌ها و تبسیط پیچیدگی‌های فکر و اندیشه - که به نمونه‌های از همان زاویه‌ها آقای فکرت نظر افگندند - هم تعلق دارد؛ اما نباید فراموش کرد، که اهمیت کار «مرکز تدوین آثار استاد شهید» هم در این جا همین است. کسانی که این کارها را کردند، دشواری‌اش را هم می‌دانند و ظرافت‌های‌اش را می‌دانند، که حتی به «نوشته در آوردن» گفتارهای استادانه‌ای مانند گفتارهای استاد هم، خالی از یک سری دشواری‌ها و وقت‌گیری‌ها و زحمت‌ها نیست. بنده هم که سالیانی مدیریت مسئول هفته‌نامه مجاهد را به عهده داشتم و از سال‌های هشتاد تا هشتاد و چند، سخنرانی‌های استاد را ویرایش کردم، هرچند ویرایش بسیار با سرعتی بود، برای اینکه در روزنامه نشر شود؛ لهذا آن سختی‌ها را می‌دانم و می‌فهمم دوستانی که در «مرکز تدوین آثار استاد» کار می‌کنند، چقدر یک کار مهم و ارزنده‌ای را انجام می‌دهند، که زمینه را برای اندیشمندان، نویسندگان و کسانی که در پهلوه‌های مختلف اندیشه و فکر در افغانستان - که یکی از استوانه‌های مهم آن بی‌تردید، استاد ربانی است - کار می‌کنند، فراهم می‌سازند. چه بیشتر از این می‌تواند، دلیلی باشد برای این امر که اینان چقدر کار مهمی را انجام می‌دهند!

جناب ارغندیوال صاحب گفت که تا هنوز من به آثار مکتوب استاد دست نیافتم،^۱ این نشان می‌دهد، که جامعه افغانستان چقدر نیازمند است که با آثار

۱. فارغ از همه گپ‌های دیگر، جناب محترم عبدالهادی ارغندیوال، رئیس محترم حزب اسلامی افغانستان

مکتوب استاد یا با آثار مکتوب‌شده استاد دست پیدا بکنند! بحث‌های دیگری را هم آقای فکرت مطرح کردند، که امروز در حوزه دین‌شناسی در همه دنیا و در جهان اسلام و بالتبع در افغانستان هم مطرح است. معضلاتی را که این بحث دارد، همان برداشت‌هایی است که میان زمین و آسمان با هم تفاوت دارند.

مثلاً: طالبان، القاعده و داعش هم مدعی است که ما داریم یک کار دینی و یک تکلیف دینی را انجام می‌دهیم. همه این سر بریدن‌ها، این کشتن‌ها و این به آتش کشیدن‌ها را به عنوان تقرب *إِلَّا اللَّهُ* انجام می‌دهند، در پهلوی دیگر، هستند کسان دیگری که طرح متمدنانه‌ای را هم از اسلام دادند، که اسلام نه تنها این چیزهایی که شما می‌گویید نیست؛ بلکه یک طرح متمدنانه و یک طرح انسانی است که نه تنها برای مسلمانان؛ بلکه برای همه بشریت رحمت است.

بلی؛ پروردگار این دین هم فرموده است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾

از تکالیف و مسئولیت‌های دین‌باوران؛ بلکه از مهم‌ترین‌شان این است که یک فضا و یک محیط و یک طرحی ایجاد کنند که این محیط و این فضا را ترسیم بکند.

به باور بنده، بخشی از فرازهای استاد ربانی، هم در آثار مکتوبش و هم در آثار گفتاری‌اش، خاصتاً در پیام‌هایش پرداختن به همین امر بوده است.

من در این جا یک خاطره کوچکی را بیان می‌کنم:

در سال‌های مقاومت، بیشتر برای حمایت از طالبان، کنفرانسی به مناسبت یک صد و پنجاهمین سال تأسیس دیوبند، در پاکستان دایر شده بود و *اللّٰه اعلم* در «اکوره ختک» بود.

به هر حال؛ پیش از پیش، استاد یک پیامی به زبان عربی به قلم خودشان

و از شخصیت‌های بزرگوار افغانستان، پیش از این، دقیقاً در ۱۳۹۴/۶/۲۶ خورشیدی، در دومین همایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید، هم حضور داشتند و هم خود در آن همایش سخنرانی داشتند که سخنرانی ایشان، در جلد دوم «نگاهی به آثاری از استاد شهید» به نشر رسیده است. «مرکز تدوین» ۱. الانبیاء/۱۰۷ (و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم). «مرکز تدوین»

نوشته بودند^۱، من در آن وقت در پشاور بودم، استاد پیام را به پشاور فرستادند، پیش از اینکه کنفرانس دایر شود، بنده آن را به فارسی و استاد اجرالدین اقبال به پشتو ترجمه کردیم و این سه متن را به عربی، فارسی و پشتو، پیش از برگذاری کنفرانس آماده کردیم، البته در آن وقت چاپ کردن آثار استاد، خاصاً نامه‌های سیاسی‌اش و علی‌الأخص زیر سوال بردن تفکر طالبان که این کنفرانس به عنوان مشروعیت‌بخشیدن دینی به حرکت طالبان انجام شده بود، کار ساده‌ای نبود و ما این اثر را در یک تیراژ وسیعی چاپ کردیم و به گونه‌های مختلف، کتاب را توسط طالبان و عالمانی که مربوط به جریان مقاومت و مربوط به جریان تفکر استاد بودند، به این کنفرانس فرستادیم و البته پس از این کار، دستگاه‌هایی، فعال شدند، که این را پیدا کنند که، که آن را چاپ کرده و در کجا چاپ شده و ..

به هر حال؛ منظورم این است که تفکر استاد، در باره مدرسه دیوبند و تفکر دیوبندی و دیدگاه استاد در رابطه به خدمات بزرگی که برای حراست از دین، ارزش‌های دینی، تعالیم دینی در شبه قاره هند، در دنیای اسلام در مواجهه با استعمار انجام داده، این بود که نباید مدرسه‌ای بیاید در جهت دفاع و حمایت از یک جریان این چنینی قرار بگیرد، البته در آن زمان‌ها حادثه یازده سپتمبر هم به وجود نیامده بود، قرار بود که طالبان هم در سطح دنیا آهسته آهسته برای خود جا باز بکنند، گویا اسلام سیاسی‌ای را که غیر از اسلام سیاسی‌ای که دنیا به گونه‌ای مثل آن حکومت اسلامی مجاهدین را می‌دانست، عرضه کردند و دنیا هم در آن زمان برای مقابله با این اسلام سیاسی، آماده بود، که به گونه بسیار گسترده‌ای از طالبان حمایت بکنند و دنیا هم در آن زمان چندان گواهی شنوایی به این بیانات و این موضوع‌گیری‌ها و این فهم استاد نداشت. نکته دیگری اینکه هر چند استاد عمر بیشتر پیدا نکرد، که در پیوند به این مباحث جدیدی که در دنیای امروز و خاصاً بعد از یازده سپتمبر مطرح است و در رابطه به نگرشی که به اسلام در سطح دنیا و در سطح کشورهای اسلامی، بعد از حاکمیت اخوان المسلمین برای یک سال در مصر و پس از انقلاب بهار

۱. می‌توان این نامه را در پیام رهبر جلد دو خواند. «مرکز تدوین»

عربی و تبعات آن پدید آمد و در نتیجه زمینه‌های زیادی را برای تفکر و طرح اسلامی به وجود آورد استاد بیشتر سخن می‌گفت.

ما در افغانستان طوری - که آقای فکرت گفتند - تا هنوز واقعاً خطوط عریض اندیشه اسلامی را در هیأت متفکران و اندیشه‌ورزش، که در زمینه‌های مختلف این اندیشه که نیاز امروز جامعه ماست تدوین و تبیین نکردیم که چگونه بوده است.

به طور مثال ما نوشته‌ها و گفتارهای استاد غلام محمد نیازی^۱ - مؤسس نهضت اسلامی در افغانستان و رئیس فاکولته شرعیات و یکی از پیش‌کسوتان تحصیل‌یافته در علوم اسلامی را در اختیار نداریم.

بلی، من می‌دانم چیزهایی از استاد غلام محمد نیازی باقی مانده؛ ولی به دلیل اینکه به صورت علمی و دقیق و تبیین شده، به تدوین نرسیده و مکتوب نشده، غالباً به دست فراموشی سپرده شده است. داکتر عبدالحی الهی هم یکی از کسانی است که با وجود عمری کمی که داشتند در عرصه‌های مختلف، سخن گفتند. کارهای بسیار ناچیزی در تدوین افکار و اندیشه‌هایش، تا هنوز صورت گرفته، که همه این‌ها نیاز به تدوین دقیق دارند؛ تا زمینه برای نوشتن، تفکر، بحث و انتقاد به وجود بیاید؛ اما در افغانستان این کار انجام نشده است. چیز دیگر اینکه در فکر استاد و تاریخ فکری استاد این زمینه‌ها را آدم زیاد می‌بیند، بالاخره ما با تفکر و بازاندیشی منتقدانه به آثار استاد ربانی نگاه کنیم ببینیم، که دید استاد ربانی از یک جامعه اسلامی چه بود؟ دید استاد ربانی از نظام اسلامی چه بود؟ دید استاد ربانی - طوری که خواهر مان استاد گیتی سادات گفتند - با این بحث‌های ادیبانه و شاعرانه و در مسائل فکری چون جایگاه زن در دید استاد چه بود؟

همه این گفتارها، نوشته‌ها از ابتدا، تا انتها باید در یک مجله به شیوه مجموعه آثار دانشمندانی که هست، یا همان‌که در عربی به آن الأعمال الکاملة

۱. برای آگاهی بیشتر از شخصیت وارسته و مرشد و بانی نهضت بیدارگری کشور حضرت پوهاند غلام محمد نیازی شهید • می‌توان به رساله‌یادی از دوشهید، اثر مرشد روشن ضمیر جمعیت اسلامی استاد ربانی شهید برگشت. «مرکز تدوین»

می‌گویید، بیاید؛ تا زمینه را برای یک تفکر منسجم، مساعد بسازد. من رگه‌های از اندیشه معتدل را از همان ابتدا تا انتها در اندیشه استاد می‌بینم. وقتی ما اندیشه معتدل می‌گوییم، به معنی اندیشه دست‌کاری شده، بازارایه شده به ذوق روز و به نرخ روز و به رواج بازار نیست؛ بل منظورمان همان اندیشه اصیل اسلامی است، که قرآن کریم در مورد آن می‌گوید:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...﴾^۱

یعنی این امت، امت وسط و دارای اندیشه وسط و معتدل و راه اعتدال در تفکر است.

هیچ وقتی استاد دچار روزمرگی و بازار زدگی نشد. در زمانی که گویا سلفیت و وهابی‌گری بسیار رونق و بازار داشت و پول فراوان هم داشت، هیچ وقت استاد به این عنوان‌ها نام نبرد داشت و من یقین دارم که اگر استاد در بازار و در زمان امروز هم - که گویا نتیجه عقل‌گرایی و خردورزی به معنی نفی نصوص دینی و حقیقت‌های دینی و همانند این‌هاست - می‌بود، باز هم به این کار رو نمی‌آورد.

یکی از نوشته‌های نوشته‌های علمی استاد که در فاکولته شرعیات هست - و من این را به آقای آماج هم گفتم - در باره معتزله است. عقل‌گرایی معتزله و واقعاً چه حرکتی فکری و عقلانی را در عرصه فرهنگ و تفکر اسلامی به وجود آوردند و در پهلوی از این خالی از عیب‌ها و قابل نقد بودن‌ها نبودند، یکی این و دیگری اینکه استاد از ابتدای دوران جوانی تا امروز انتخاب‌هایی که داشتند،

۱. متن کامل آیه مبارک و ترجمه معانی آن این است: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعَ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ البقرة / ۱۴۳.

(و بدین گونه شما را امت میانه قرار دادیم؛ تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی مقرر نکردیم، جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند از آن کس که از عقیده خود برمی‌گردد، بازشناسیم، هر چند [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده، سخت گران بود و خدا بر آن نبود که نماز شما را ضایع گرداند؛ زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است.)

مثلاً: استاد رشته عقیده و فلسفه را در دانشگاه ازهر در دوره ماستری شان انتخاب کردند و در دوره دکترا فلسفه و اندیشه‌های فلسفی عبدالرحمن جامی را به عنوان کار رساله دکتورای شان تعیین کردند، که متأسفانه با درآمیختن با فعالیت‌های سیاسی، نافرجام باقی ماند، این‌ها همه، نقطه، نقطه، فرازهایی از یک زندگی طولانی و پرفراز و نشیبی است، که اگر این‌ها با هم پیوسته شوند، اوراق روشن‌تری را از زندگی استاد در عرصه فکر و اندیشه به نمایش می‌گذارند.

من فکر می‌کنم، این مجالس و این محافل و این چنین کارهایی که انجام می‌شود، با دقت بیشتر و با دید عمیق‌تر بیشتر روشن شود.

یک چیز را در آخر عرض می‌کنم و آن اینکه ما با این حرف‌هایی که در باره استاد می‌زنیم در صدد مقدس ساختن استاد نیستیم. منهج جمعیت، روش جمعیت، روش مقدس‌سازی نیست. این حرف ما به این معنی نیست که ما بگوییم استاد همه تفکراتش درست است، همه استدلال‌هاش صحیح است، همه سخنانش درست است، این چنین باوری قطعاً با فکر و اندیشه استاد، سازگاری ندارد.

ما میراث فرهنگی استاد را با دید منتقدانه و منصفانه باید بررسی بکنیم و باید برای همگان مجال بدهیم، هرچند نادرست و ناصواب و به‌خطا هم - در باره استاد و اندیشه‌های استاد و کسان دیگری هم - قضاوت بکنند و این بازار دادوستد فکری و این نقد و بررسی ادامه داشته باشد.

اینجا می‌خواهم یک خاطره را بازگو کنم یک وقت یک بحث بود در باره اینکه احزاب سیاسی افغانستان چه خطاهای کردند و چه کارهای خوب انجام دادند؟ در کدام مواردی که بود پرسنده میز از من پرسان کرد که شما اشتباهی انجام داده‌اید؟ یا نداده‌اید؟ من گفتم واللّه این قدر ما اشتباه کردیم که هیچ حساب ندارد، باز پرسان کرد، چون فکر کرد، که من شوخی می‌کنم، من باز گفتم که واقعاً من حساب اشتباهات جمعیت را نمی‌فهمم؛ اما این قدر می‌دانم که بی اندازه اشتباه کردیم، به کثرت اشتباه کردیم و خطا کردیم.

این بحث را هم دوستان جمعیت و هم دیگر برادران و دوستان ما شنیده

بودند و از قضا استاد هم آن را شنیده بوده، به هر حال، پس از این بحث من خیلی زیر تو بیخ یک تعداد قرار گرفتم که توفتی این طور گپ‌ها را زدی و اعتراف کردی و چه کار کردی و چه گپ کردی و چه نکردی؟ و این اعتراض‌ها در یک مجلسی بود، که استاد هم در آن حضور داشت، استاد در این مجلس به دفاع از من پرداخت و گفت:

من بحث را دیدم و فلانی بسیار خوب بحث کرد

و بعد در آنجا یک تعلیق کرد، که تعلیق استاد این بود:

«پیش از اینکه دیگران ما را نقد کنند- که قطعاً حق دارند که هر کار ما را نقد کنند- ما خودمان با یک دید منصفانه و عدالت‌طلبانه، کارنامه‌ها، افکار و اندیشه‌ها مان را وقتاً فوقتاً مورد نقد و بررسی قرار بدهیم.»
این، هم یکی از شیوه‌ها و یکی از اصول و یکی از پایه‌های بنیادین تفکر استاد است و هم از تفکر جمعیت.

گپ‌هایم را با سخنانی پیرامون این قول حضرت امام مالک • خاتمه می‌دهم. ایشان می‌فرماید:

«کل یؤخذ من قوله و یرد علیه إلا صاحب هذا القبر»^۱

یعنی همه کسان قابل نقد و بررسی‌اند، هرکسی باشد، می‌تواند قابل قبول باشد و می‌تواند، قابل رد باشند؛ مگر صاحب این قبر.
وقتی صاحب این قبر گفتند، اشاره به پیغمبر Y کردند.

در مورد «نقل»^۲ احادیث پیغمبر هم که بحث‌های طولانی‌ای در میان

۱. این سخن با واژگان و گزاره‌های همانند از شماری از دانشمندان و پیشوایان امت اسلامی روایت شده است که از آن میان، این سخن به امام مجاهد و حکم بن عتیبه و امام مالک مشهور است. عبارت امام مجاهد به روایت ابو نعیم در الحلیة (۳/۳۰۰) چنین است: «لَیْسَ أَحَدٌ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا يُؤْخَذُ مِنْ قَوْلِهِ وَيُتْرَكُ، إِلَّا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» و عبارت حکم بن عتیبه، به روایت ابن عبد البر در «جامع بیان العلم وفضله» (۹۱/۲) چنین است: «لَیْسَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا يُؤْخَذُ مِنْ قَوْلِهِ وَيُتْرَكُ إِلَّا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» و اما عبارت امام مالک به روایت و تصحیح ابن عبد الهادی در «ارشاد السالک» (۲۲۷/۱) همان است که در بالا است. شیخ ناصرالدین البانی رحمه الله در صفة صلاة النبى می‌گوید: این سخن را مجاهد از ابن عباس گرفته است و مالک از هر دو گرفته و نسبت آن به او شهرت یافته است. «مرکز تدوین»

۲. منظور از نقد اینجا سره کردن احادیث پیامبر است. «مرکز تدوین»

علمای جرح و تعدیل و در علوم حدیث، هم از لحاظ متن و هم از لحاظ سند، برای سره‌کردن، احادیث که آیا این حدیث، حدیث پیغمبر است یا نه؟ بحث‌های بسیار باریک و ظریفی وجود داشت و دارد، که تقریباً همه دانشمندان برجسته اسلامی در این عرصه بحث کردند.

امام شاولی الله دهلوی • در «حجة الله البالغة» این بحث را هم مطرح کردند، که همین احادیث صحیحی که از لحاظ نسبت به پیغمبر صحتش ثابت می‌شود، از جهت محتوایی هم باید معلوم شود که آیا محتوای آن به تشریع و تبلیغ مبتنی است، یا بر عادات و طبعیات؟

این خود یک بحث بسیار ظریفی است که امید دوستان به آن مراجعه بکنند. او در این مورد بحث بسیار زیبایی کرده است. البته با علم و با آگاهی، نه با سخنان گزاف و مبتنی بر گمان.

در پایان؛ بسیار تشکر می‌کنم باز هم من به نوبه خودم از برگذارکنندگان این مجلس و از «مرکز تدوین آثار شهید استاد ربانی •» تشکر می‌کنم که هم این کتاب‌ها را به دسترس علاقمندان می‌گذارند و هم زمینه بحث و فکر و اندیشه را مساعد می‌کنند و همچنین محافلی را آراستند.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

دعائیہ

مولوی صاحب گل احمد «احمدی»

استاد دانشگاه

رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ^۱

یا الله! به برکت خون همه شهیدان راه اسلام از شهیدان صدر اسلام گرفته؛ تا شهیدان عزیز دوره جهاد و مقاومت مردم افغانستان، یک صلح سرتاسری و امنیت عام و تام و شامل را در کشور عزیزمان افغانستان حکم فرما بگردان! پروردگارا! به برکت خون شهیدان، آرمان‌های آنان را در کشور ما، تحقق بخش و یا الله به ما هم توفیق عملی کردن آرمان‌های آنان را نیز نصیب بفرما! پروردگارا! نسل آینده ما را و نسل جدیدی که تازه راه آنان را دنبال می‌کنند، توفیق مزید برای‌شان نصیب بفرما!

خداوندا! تو عنایتی بفرما که مردم ما، راه این بزرگواران را تعقیب کنند و آرمان‌های‌شان را برآورده بگردانند!

رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ!

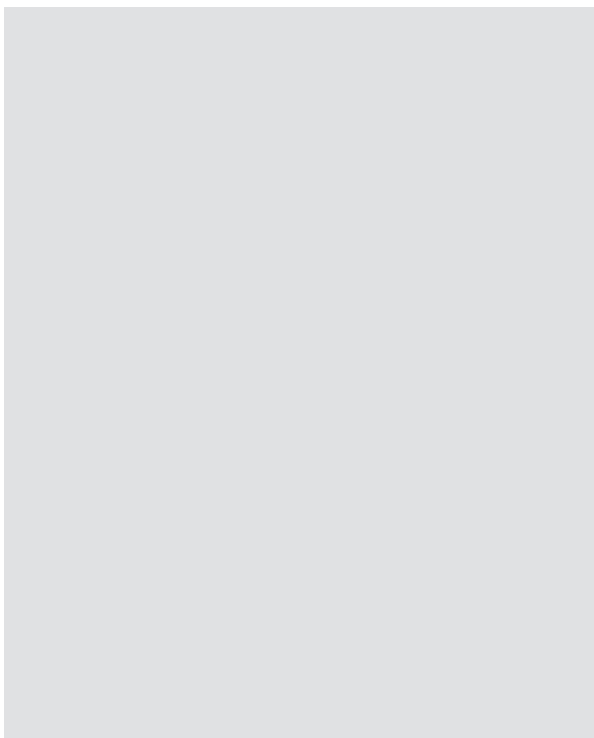
اللهم یا عزیز یا غفار یا أرحم الراحمین، برحمتک نستغیث

والحمد لله رب العالمین

۱. متن کامل این دعا که از جمله «ربنا»های قرآن کریم است، که بخشی از این آیه ۱۹۳ سورة آل عمران است: ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ﴾

(پروردگارا ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می‌خواند که به پروردگار خود ایمان آورید پس ایمان آوردیم پروردگارا گناهان ما را ببیامرز و بدیهای ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران). «مرکز تدوین»

رویکردها



**** قرآن كريم؛**

(الف) منابع عربى:

- ١- ابراهيمى، دكتور أحمد طالب، (١٩٩٧)، آثار الإمام محمد البشير الإبراهيمي، الناشر: دار الغرب الإسلامى، الطبعة الأولى، بيروت - لبنان؛
- ٢- ابن هشام، عبدالملك، (١٤١٠)، السيرة النبوية، الناشر: دار الكتاب العربى، الطبعة الثالثة، بيروت - لبنان؛
- ٣- ابويعيد، قاسم بن سلام، (١٤٠٨)، الأموال، محقق: هراس، محمد خليل، ناشر: دارالفكر، محل نشر: بيروت - لبنان؛
- ٤- أحمد بن حنبل، (بى تا)، منتخب كنز العمال، ج: ٤، ص: ٤٢٠، (بى جا)؛
- ٥- البغدادى، عبدالرحمن بن محمد بن عسكر، (٢٠١٠)، إرشاد السالك إلى أشرف المسالك في فقه الإمام مالك، الطبعة: الثالثة، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، مصر؛
- ٦- الحاج، مصالى، (٢٠٠٧)، مذكرات مصالى الحاج، المترجم: محمد المعراجى، الناشر: منشورات ANEP؛
- ٧- الشيباني، أحمد بن حنبل أبو عبدالله (١٤١٤)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، دار إحياء التراث العربى، (بى جا)؛
- ٨- الصلابى، دكتور على محمد، (بى تا)، الثمار الزكية للحركة السنوسية في

لیبیا، جلد اول، (بی جا)؛

۹- الصلابی، دکتور علی محمد، (بی تا)، الشيخ الجلیل عمر المختار، نشأته، وأعماله واستشهاده، ناشر: المكتبة العصرية، صیدا - بیروت؛

۱۰- الطبری، أبی جعفر محمد بن جریر، (بی تا)، تاریخ الطبری، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق: مصطفى السید وطارق سالم، المكتبة التوفيقية، القاهرة - مصر؛

۱۱- الکانهلوی، محمد یوسف، (بی تا)، حياة الصحابة، ج: ۴، (بی جا)؛

۱۲- ثعالبی، عبدالعزیز، (۱۴۰۴)، رائد الحرية والنهضة الإسلامية، بیروت؛

۱۳- نیوبولد، أب، (۱۸۸۱ - ۱۸۹۹)، المهدية تاریخ السودان الإنجليزي المصري، ترجمة محمد المصطفى حسن عبدالکريم، (بی جا)؛

۱۴- خفاجی، محمد عبدالمنعم، (۱۴۰۸)، الأزهر في ألف عام، ناشر: عالم الكتب، نوبت چاپ: دوم، مکان چاپ: بیروت؛

۱۵- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، (بی تا)، سنن الدارمی، (بی جا)؛

۱۶- شلبی، الدکتور عبدالودود، (۱۹۷۹)، الأصول الفكرية لحركة المهدي السوداني ودعوته، دار المعارف، القاهرة؛

۱۷- عبدالحکیم، عبدالرحمن بن عبدالله، (۱۴۱۶)، فتوح مصر وأخبارها، عدد الأجزاء: ۱، الطبعة الأولى، تحقیق: محمد الحجيري، دارالنشر، دار الفكر - بیروت؛

۱۸- قرضاوی، دکتور یوسف، (بی تا)، التطرف العلمانی فی مواجهة الاسلام، (بی جا)؛

۱۹- ماثیو، وجر، (۲۰۰۵)، مذكرات الأمير محمد بن عبدالکريم الخطابي، ترجمة عمر أبوالنصر، دار النشر: العباسية؛

۲۰- میلاد، احمد، (۱۴۰۷)، تاریخ شمال افريقيا من الفتح الإسلامي الى نهاية الدولة الاغلیية، چاپ: احمد بن میلاد و محمد ادريس، بیروت، لبنان؛

۲۱- نویهض، عادل، (۱۹۸۰)، معجم أعلام الجزائر من صدر الإسلام حتى العصر الحاضر، بیروت، لبنان، بنیاد فرهنگي نویهض؛

۲۲- نیشابوری، مسلم بن حجاج، (بی تا)، صحيح مسلم، جزء دوم، الناشر:

- دار الجيل بيروت، دار الأفاق الجديدة - بيروت، لبنان؛
- ٢٣- المجاهدون؛ مجلة اسلامية تصدرها جمعية أفغانستان الإسلامية، ٤٤، العدد (١٨) - رمضان ١٤٠٩ هـ/أبريل ١٩٨٩م؛
- ٢٤- البنيان المرصوص، العدد: ٢٦، شعبان ١٤٠٩ هـ/ مارچ ١٩٨٩م.

ب) منابع فارسی:

- ۱- احمدیان، بهرام امیر، (۱۳۷۳)، آسیای مرکزی و حدود آن، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۵، (بی‌جا)،
- ۲- آشوری، داریوش، (۱۳۹۳)، دانشنامه سیاسی، چاپ: بیست‌وسوم، ناشر: انتشارات مروارید، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۳- اصفهانی، سید احمد حسینی هاتف، (بی‌تا)، دیوان اشعار اصفهانی، ناشر: گنجور، (بی‌جا)؛
- ۴- البتّا، امام شهید حسنا البتّا، (بی‌تا)، اصول بیست‌گانه فهم درست اسلام، ترجمه: محمود محمودی، (بی‌جا)؛
- ۵- اوتمار، و ایسینگ، (۱۳۷۴)، تاریخ عقاید و اندیشه‌های اقتصادی، هادی صمدی، چاپ اول، تهران، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس؛
- ۶- بختیاری، سعید، (۱۳۹۴)، اطلس جامع گیتاشناسی ۹۴ - ۹۳، تهیه و تدوین: واحد پژوهش و تألیف گیتاشناسی، چاپ: اول، چاپ: هامون، ناشر: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۷- بلخی، مولانا جلال‌الدین، مثنوی، دفتر سوم، بخش ۲۰۰، (بی‌جا)؛
- ۸- بیّات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۷)، فرهنگ واژه‌ها،

- نوبت چاپ: دوم، ناشر: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی؛
- ۹- حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد، (۱۳۸۴)، دیوان حافظ شیرازی، ناشر: نگاران قلم، محل چاپ: قم، ایران؛
- ۱۰- حسین، نمازی، (۱۳۸۷)، نظام‌های اقتصادی، چاپ پنجم، تهران شرکت سهامی، انتشار؛
- ۱۱- خلیلی، خلیل الله، (۱۳۸۵)، دیوان خلیل الله خلیلی، به کوشش کاظم کاظمی، تهران؛
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۲)، لغت‌نامه، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۱۳- ربانی، برهان‌الدین ربانی، (۱۳۹۱) خط رهبر، جلد اول؛ ناشر: «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» نوبت چاپ: نخست، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛
- ۱۴- ربانی، برهان‌الدین ربانی، (۱۳۹۲)، خط رهبر، جلد دوم؛ ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛
- ۱۵- ربانی، برهان‌الدین ربانی، (۱۳۹۳)، سکوت وحشتناک، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛
- ۱۶- ربانی، برهان‌الدین ربانی، (۱۳۹۵)، پیغام رهبر، جلد دوم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛
- ۱۷- ربانی، برهان‌الدین ربانی، (۱۳۹۵)، چه نوع مبارزه، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: چهارم، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛
- ۱۸- ربانی، برهان‌الدین ربانی، (۱۳۹۵)، خط رهبر، جلد پنجم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛
- ۱۹- ربانی، برهان‌الدین ربانی، (۱۳۹۵)، نگاهی به آثاری از استاد شهید،

جلد دوم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، چاپخانه، بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛

۲۰- ربانی، برهان‌الدین ربانی، (۱۳۹۶)، پیغام رهبر، جلد سوم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛

۲۱- ربانی، برهان‌الدین ربانی، (۱۳۹۶)، خط رهبر، جلد ششم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛

۲۲- ربانی، برهان‌الدین ربانی، (۱۳۹۶)، کاروان حرم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛

۲۳- سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی، (۱۳۹۵)، بوستان، تصحیح و مقدمه: محمدعلی فروغی، نوبت چاپ: اول، چاپخانه طلایه، تهران - ایران؛

۲۴- عباسقلی، غفاری فرد، (۱۳۹۰)، تاریخ اروپا از آغاز تا پایان قرن بیستم، چاپ سوم، محل نشر: تهران، ایران؛

۲۵- علاقه‌بند، دکتر علی، (۱۳۹۶)، مدیریت عمومی، ویراست سوم، نوبت چاپ: سی‌ام، ناشر: روان؛

۲۶- علی بابایی، غلام‌رضا، (۱۳۸۷)، فرهنگ سیاسی آرش، چاپ سوم با اضافات، ناشر: انتشارات آشیان، محل چاپ: تهران، ایران؛

۲۷- قطب، سید، (۱۳۸۷)، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه: محمد علی گرامی - سیدهادی خسروشاهی، چاپ بیست‌وپنجم، ناشر: کلبه شروق، چاپخانه سوره، تهران؛

۲۸- لاهوری، محمد اقبال، (۱۳۶۶)، کلیات اشعار اقبال لاهوری، چاپ سوم، ناشر: سازمان انتشارات جاویدان، چاپ، چاپخانه علمی؛

۲۹- لاهوری، محمد اقبال، (۱۳۷۰)، «پس چه باید کرد ای اقوام شرق؟» کلیات اشعار فارسی، به کوشش احمد سروش، انتشارات سنایی؛

- ۳۰- محمد، عظاملک بن محمد، (۱۳۶۲)، *تحریر نوین تاریخ جهانگشای جوینی*، چاپ اول به تصحیح دکتر منصور ثروت، تهران: امیر کبیر؛
- ۳۱- نایینی، محمد رضا جلالی، (۱۳۷۵)، *هند در یک نگاه*، تهران، انتشارات شیرازه؛
- ۳۲- نقی، سیدعلی، (۱۳۶۸)، *نهج البلاغه*، (ترجمه و شرح)، ناشر: سازمان چاپ و انتشارات فقیه، محل نشر: تهران، ایران.